

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احكام مسجد

احکام مسجد

مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها - گروه پژوهش‌های کاربردی

احکام مسجد / گروه پژوهش‌های کاربردی دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.

قم؛ تهران: ثقلین، ۱۳۸۶

۲۲۴ ص - (انتشارات ثقلین؛ ۴۸)

ISBN 964 - 9960 - 13 - 9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس

۱. مسجدها - رساله عملیه. ۲. مسجدها - پرسش‌ها و پاسخ‌ها. ۳. فقه جعفری - رساله عملیه.

الف. دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد. ب. عنوان

۲۹۷ / ۳۴۲۲

BP ۱۸۳/۹ / الف ۸

احکام مسجد

- ناشر: انتشارات ثقلین
- تهیه و تنظیم: گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد
- حروفچینی و ناظر چاپ: عباس رحیمی
- لیتوگرافی و چاپ: چاپ نینوا - قم
- قطع و تعداد صفحه: رقمی - ۲۲۴ صفحه
- چاپ و تیراژ: چاپ اول - ۵۰۰۰ نسخه
- تاریخ: دی ماه ۱۳۸۶



نشانی:

انتشارات ثقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجاده

کوچه شماره ۳۳ - پلاک ۱۳

تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ - دورنویس ۷۷۳۲۸۶۴

مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران - تهرانپارس - بین فلکه دوم و سوم

خیابان ۱۸۲ غربی - پلاک ۶

تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ - دورنویس ۷۷۸۸۱۴۵۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شماره شابک ۹۶۴-۹۹۶۰-۱۳-۹

فهرست مطالب

۱۳ سخن ناشر
۱۵ پیش‌گفتار

فصل اول: کلیات

۲۱ واژه مسجد در لغت
۲۱ واژه مسجد در قرآن
۲۲ آیات الاحکام مساجد
۲۳ ۱ - مدیریت مساجد
۲۳ مدیریت مجاز
۲۴ ۲ - عمران مساجد
۲۴ احکام فقهی
۲۵ ۳ - مسجد ایده‌آل
۲۶ احکام
۲۶ ۴ - مقایسه دو مسجد
۲۷ احکام
۲۷ ۵ - جهاد در راه حفظ مساجد

۶ احکام مسجد

۲۸ احکام
۲۹ مدیریت ممنوع
۲۹ ۱ - ظلم به مسجد
۲۹ احکام
۳۱ ۲ - منع مشرکان از عمران مساجد
۳۲ احکام فقهی
۳۲ ۳ - فخر فروشی در مدیریت مساجد
۳۳ احکام
۳۳ ۴ - مسجد ضرار
۳۴ احکام
۳۴ کارآیی مساجد
۳۴ ۱ - عبادت در مسجد
۳۶ احکام
۳۹ ۳ - اعتکاف در مسجد
۴۰ ۴ - مسجد، بنای یادبود
۴۱ احکام
۴۱ کاربران مساجد
۴۱ ۴ - آراستگی در مساجد
۴۲ احکام فقهی

فصل دوم: احکام مسجد

۴۷ الف: واجبات مسجد
۴۸ ۱ - تعظیم مساجد
۵۱ ۲ - تطهیر مساجد

۷	فهرست مطالب
۵۶	ب: مستحبات مسجد
۵۶	۱- نظافت مسجد
۵۹	۲- روشنایی در مسجد
۶۰	۳- خوشبو کردن مساجد
۶۲	۴- ساخت مسجد بدون سقف
۶۴	۵- قراردادن دستشویی در مساجد
۶۵	ج: مباحات مسجد
۶۵	۱- جواز تبدیل دستشویی به مسجد
۶۷	۲- جواز تبدیل کلیساها و معابد متروکه به مسجد
۶۹	۳- وقف بر مساجد
۷۰	دیدگاه عدم جواز وقف بر مساجد
۷۲	دیدگاه جواز وقف بر مساجد
۷۴	۴- تغییر مسجد به جهت ضرورت
۷۴	۵- گچ کاری مسجد با گچ پخته شده با مواد نجس جایز است
۷۵	د: مکروهات مسجد
۷۵	۱- بلند ساختن دیوار مساجد
۷۶	۲- ساخت محراب در مساجد
۸۰	۳- مرتفع ساختن مناره‌های مساجد
۸۲	۴- کنگره دار ساختن دیوار مساجد
۸۴	۵- برداشتن سنگریزه از مساجد
۸۹	۶- ساخت مسجد در کنار قبور
۹۴	۷- تزئین مسجد به تصاویر آدمی و حیوان

۸ احکام مسجد

- هـ: محرمات مسجد ۹۵
- ۱ - فروش مسجد یا تغییر هیئت آن ۹۵
- ۲ - فروش وسایل مسجد یا استفاده آن در مساجد دیگر ۹۷
- ۳ - زینت‌کاری مسجد با طلا ۹۹

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد

- الف: واجبات ۱۰۷
- ۱ - اعتکاف ۱۰۸
- ۲ - احرام از مسجد شجره ۱۰۸
- ۳ - انجام طواف و نماز آن در حج و عمره ۱۰۹
- ب: مستحبات ۱۱۰
- عبادات ۱۱۰
- ج: مباحات ۱۱۰
- ۱ - روضه‌خوانی ۱۱۱
- ۲ - ولیمه ازدواج ۱۱۱
- د: مکروهات ۱۱۲
- ۱ - صحبت درباره امور دنیوی ۱۱۲
- ۲ - اعلام گمشده در مساجد ۱۱۴
- ۳ - شعر خواندن در مساجد ۱۱۵
- ۴ - خوابیدن در مساجد ۱۱۹
- ۵ - قضاوت در مساجد ۱۲۲
- ۶ - اجرای حدود در مساجد ۱۲۳
- ۷ - آویزان کردن شمشیر در مساجد ۱۲۵
- ۸ - برکشیدن شمشیر در مساجد ۱۲۷

۹	فهرست مطالب
۱۲۸	۹- داد و ستد و صنعت‌گری در مساجد
۱۲۹	۱۰- محل عبور قرار دادن مساجد
۱۳۰	ه: محرمات
۱۳۰	۱- تعطیلی مساجد
۱۳۴	۲- جشن عروسی
۱۳۵	۳- حکم میت در مساجد
۱۳۵	۱- حکم نهادن جسد میت در مسجد
۱۳۵	۲- حکم نماز خواندن بر میت در مسجد
۱۳۷	۳- حکم دفن میت در مسجد
۱۳۸	۴- بردن عین نجس به مساجد
۱۳۹	۴- محل عبور قرار دادن مساجد

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن

۱۴۵	الف: افراد و گروه‌های مدیریت مساجد
۱۴۷	مدیریت مطلوب
۱۴۸	فضیلت بنای مسجد
۱۵۴	شرایط بانیان مسجد
۱۵۵	۱- ایمان به خدا
۱۶۰	۲- ایمان و اعتقاد به قیامت
۱۶۲	۳- اقامه نماز
۱۶۳	۴- پرداخت زکات
۱۶۶	۵- ترس از خدا

۱۰ احکام مسجد

۱۶۸ مدیریت سوء
۱۶۸ ۱ - منع از فعالیت‌های مؤمنان در مساجد
۱۶۹ ۲ - تبدیل مسجد به پایگاه دشمنان امت اسلامی
۱۶۹ ۳ - تبدیل مسجد به مرکز نشر اندیشه‌های کافران
۱۷۰ ۴ - استفاده از مسجد برای ایجاد تفرقه بین صفوف مؤمنان
۱۷۰ ۵ - استفاده ایزاری از مقدسات در مدیریت سوء
۱۷۱ احکام فقهی
۱۷۱ الف) مباح بودن
۱۷۱ ب) وقف و واقفان
۱۷۲ ۱ - صیغه وقف
۱۷۲ ۲ - کفایت قصد
۱۷۳ ۳ - معاطات در وقف
۱۷۴ ۴ - معاطات همراه قصد
۱۷۴ ۵ - عدم نیاز به قبول در وقف
۱۷۵ ۶ - جواز صیغه وقف به غیرعربی
۱۷۵ ب: مستحبات
۱۷۷ چند فتوا در مورد تعمیر مساجد
۱۷۸ مباحات
۱۷۹ محرمات

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد (کاربران)

۱۸۳ الف: واجبات
۱۸۳ ۱ - مسلمان بودن
۱۸۴ ۲ - طهارت از حدث اکبر
۱۸۴ ۳ - پاک بودن بدن و لباس از نجاست

۱۱	فهرست مطالب
۱۸۵	ب: مستحبات
۱۸۵	۱- آراستگی و زینت
۱۹۱	۲- خضوع و خشوع
۱۹۲	۱- با طهارت بودن
۱۹۳	۲- اذکار و ادعیه
۱۹۴	۳- گام نهادن با پای راست
۱۹۴	۴- واریسی ته کفش
۱۹۵	۵- خواندن نماز تحیت
۱۹۸	۶- خوشبو کردن خود
۱۹۸	۷- سایر آداب
۱۹۸	ج: مکروهات
۱۹۸	۱- خوردن پیاز و سیر هنگام ورود به مساجد
۲۰۲	۲- پرتاب کردن سنگریزه به مساجد
۲۰۳	۳- آب دهان انداختن در مساجد
۲۰۸	بالا بردن صدا در مساجد
۲۰۹	۴- ورود کودکان و دیوانگان به مسجد
۲۱۱	ه: محرمات
۲۱۱	۱- غصب مکان نمازگزار
۲۱۱	تعریف غصب
۲۱۲	اثبات «حق مکان» در مسجد و اماکن عمومی
۲۱۴	نشانه‌ها و راه اثبات حق مکان
۲۱۴	زوال حق مکان نمازگزار در مسجد
۲۱۵	یکسانی و همانندی حکم مساجد و مشاهد مشرفه در مورد غصب
۲۱۷	۲- ورود حائض و نفساء و جنب به مسجد
۲۲۰	۳- ورود مشرکین به مساجد
۲۲۴	۴- ورود غیرمسلمان به مسجد

سخن ناشر

مسجد مهمان‌خانه خدا در زمین و جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی، خانه آگاهی، عشق، محبت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت، تجلی بهشت خدا در زمین و تفرج‌گاه موحدان است. سخن از طلوع اسلام و مطلع آن و فجر صادق آیین محمدی ﷺ و مرکز اشاعه آن، یعنی مسجد است. مرکزی که همچنان ابعاد وسیع روحانی و معنوی آن، چه بسا در زیر حجاب قصورها و تقصیرها مخفی مانده است. همین قدر بدانیم که در هر دوره و زمانی و به هر صورت مسجد نقش عظیم و بی‌بدیلی در گسترش تعالیم انسان‌ساز اسلامی داشته است و به‌عنوان ملجئی شایسته محل عبادت و نیایش، جهاد و اجتهاد و علم و دانش بوده است. انتشارات ثقلین که همه همّت و توان خویش را در راستای نشر معارف ناب اسلامی و گسترش فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و احیای پایگاه‌های عبادت و عشق و ایثار یعنی مساجد قرار داده است و با عنایت حضرت حق تاکنون در این راه قدم‌های استواری برداشته و آثار گرانبغالی را منتشر کرده است.

۱۴ احکام مسجد

مجموعه حاضر که در بردارنده احکام مسجد در ابعاد گوناگون می باشد
به پیشگاه فرهیختگان تقدیم می گردد و از محضر حضرت حق توفیق روزافزون
را برای همگان خواستاریم.

انتشارات ثقلین

ذیحجه الحرام ۱۴۲۸

پیش‌گفتار

دین اسلام، تشکیلاتی‌ترین سیستم موجود را در مقایسه با قدیمی‌ترین احزاب و تشکل‌ها در کل تاریخ جهان داراست و شاید علت رشد و بالنده بودن دین اسلام در میان تمامی ادیان همین مطلب است. برآستی کدام تشکل را در تاریخ بشری سراغ دارید زمینه که نه تنها گردهمایی سالانه یا ماهانه و یا هفتگی، که تجمع روزانه پیروان خود فراهم کند و جالب‌تر آن‌که در یک شبانه‌روز پنج بار و حداقل سه بار افراد را در کنار هم جمع کند. آری اسلام قوی‌ترین سیستم فراخوانی جمعیت را با کم‌هزینه‌ترین شکل ممکن فراهم کرده است؛ با مسجد و نماز. اگر احزاب بزرگ دنیا، با هزینه‌های گزاف به خود می‌بالند که توانسته‌اند جمعی بزرگ از هواداران خود را در طول یکسال، یک بار جمع کنند؛ آن‌هم بدون آن‌که اطمینان به جلب رضایت همه هواداران خود داشته باشند در دین اسلام به سهولت، این اجتماع میلیونی پیروان، غالباً بیش از یک بار در شبانه‌روز، در مساجد اتفاق می‌افتد.

آیا به راستی من و شما با خود لحظاتی به این خاستگاه عظیم قدرت الهی اندیشیده‌ایم؟ آیا بخاطر می‌آوریم که بیشترین حرکت‌های توده‌ای و بسیج مردم

در انقلاب عظیم اسلامی از همین مساجد سرچشمه گرفته است؟ آیا در دوران پس از انقلاب به جایگاه مهم مساجد و نقش چشمگیر این مکان‌های مقدس، در هدایت توده‌ها و هماهنگی آنها با آرمان‌های انقلاب، استفاده شایان و مناسب را برده‌ایم؟ آیا به جایگاه مساجد، این خانه‌های خدا روی زمین بهای لازم را داده‌ایم؟ در حدیث قدسی آمده است:

«الا ان بیوتی فی الارض المساجد، تضىء لاهل السماء كما تضىء

النجوم لاهل الارض...»^۱

«آگاه باشید که خانه‌های من در روی زمین مساجد است.

آنها برای اهل آسمان همچنان می‌درخشند که ستارگان برای

اهل زمین پرتوافشانی می‌کنند».

آری براستی مساجد، خانه‌های خداوندی در روی زمین‌اند و همواره

اجازه داده از این خانه‌ها، و نام خداوند در سراسر گیتی بلند باشد و مشعل‌های

هدایت الهی از این مکان‌ها به سراسر جهان نور افشانی نماید.

مسجد موضوعی است که از جهات گوناگون در گذر زمان مورد توجه همه

مسلمانان بوده است. معماران بزرگ با تمام وجود، سعی بر برافراشتن بناهایی

ماندگار در تاریخ امت اسلامی از خود داشته‌اند و امروز در سرزمین‌های اسلامی

مساجدی با قدمت هزار ساله و بیشتر را می‌توان جست. از حیث تحولات

اجتماعی می‌توان گفت: هیچ حرکت و تحولی را در سرزمین‌های اسلامی

نمی‌توان یافت که مسجد در آن نقش نداشته باشد. از منظر فقه، کمتر موضوعی

را می‌توان یافت که به اندازه مسجد مورد اهتمام فقها قرار گرفته باشد. کمتر منابع

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

فقهی را می‌توان یافت که به نحوی متعرض مسایل مربوط به مساجد نشده باشد. احکام فقهی مسجد به چند قسمت تقسیم می‌شود:

الف: احکام مربوط به خود مسجد:

در ذیل این عنوان به بررسی مسایلی می‌پردازیم که عمدتاً به نفس مسجد ارتباط دارد و به پرسش‌های ذیل پاسخ داده می‌شود.

۱- آیا احکام پنجگانه تکلیفی (واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام)

در مورد مساجد صادق است؟

۲- چه مکانی قابلیت مسجد شدن را دارد؟

ب: احکام مربوط به سازندگان و مدیریت مساجد.

نخستین گام برای ساخت (مسجد) آن است که فردی با اموال خود بنای

مسجدی را به عهده بگیرد. در این راستا این فرد باید با انگیزه خداجویی و قصد

قربت، مکانی را به قصد مسجد وقف نماید.

گام بعدی اداره و محافظت و مدیریت این مسجد است. طبیعتاً اینجا

پرسش‌هایی مطرح است:

۱- چه کسی حق دارد «مسجدی» را بسازد؟

۲- مالی که صرف تهیه مسجد می‌شود چه شرایطی را باید داشته باشد؟

۳- چه کسانی حق دارند اداره مسجد را به عهده گیرند؟

۴- آیا احکام پنجگانه تکلیفی در مورد این افراد قابل انطباق است؟

ج: احکام فقهی مربوط به استفاده‌کنندگان از مساجد.

هرچند واقف، مسجد را وقف عام قرار داده و به حسب ظاهر همگان

می‌توانند از مساجد استفاده کنند، اما وقف عام و مکان عمومی بودن مساجد،

مانع از آن نمی‌شود که شرع مقدس شرایطی را برای ورود به آنجا در نظر گرفته

باشد. در این بخش به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱ - چه کسانی مجاز هستند به مساجد داخل شوند؟
 - ۲ - چه کسانی از ورود به مساجد ممنوع هستند؟
 - ۳ - آیا اهل کتاب هم می‌توانند از مساجد استفاده کنند؟
 - ۴ - آیا مشرکان و کفار حق ورود به مساجد را دارند؟
- د: احکام مربوط به کارکردهای مساجد.

مسجد چون یک وسیله است، لذا کارکردهای خاص خود را دارد. البته با توجه به فلسفه وجودی مساجد در اسلام بدیهی است که هرگونه کارکردی از مساجد را انتظار نداشته باشیم. به عبارت دیگر مسلم است که در جهت انجام و اهداف حرام، مساجد را نباید بکار گرفت. اما سایر احکام پنجگانه تکلیفی را در کارکرد مساجد می‌توان مشخص ساخت. در این بخش سؤال‌های ذیل پاسخ داده می‌شود.

- ۱ - کاربردهای واجب در مورد مساجد کدام است؟
 - ۲ - چه کارهای مستحبی از طریق مساجد قابل اجراست؟
 - ۳ - آیا انجام هرگونه کار مباحی را در مساجد می‌توان انتظار داشت؟
 - ۴ - کارهایی که انجام آن از طریق مساجد مکروه شمرده می‌شود کدام است؟
- این نوشتار به عنوان متن آموزشی برای امامان جماعت مساجد تدوین شده است. در این جا لازم است از پدید آورنده این اثر گرانسنگ حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله امیدی فرد تشکر و سپاسگزاری نماییم و توفیقات روزافزون ایشان را از درگاه حضرت احدیث جلّ و علا خواستاریم.

مرکز رسیدگی به امور مساجد - دفتر مطالعات و پژوهش‌ها

گروه پژوهش‌های کاربردی

علی رضایی بیرجندی

فصل اوّل

کلیات

احكام مسجد ٢٠

واژه مسجد در لغت

در متون و فرهنگ اسلامی، مسجد به مکانی گفته می‌شود که عبادتگاه مؤمنان است. وجه تسمیه عبادتگاه مسلمانان به مسجد از آن روی است که سربه سجده نهادن مظهر اوج فروتنی و کرنش آدمی در برابر خداوند است.^۱ برخی گفته‌اند: واژه مسجد عربی شده مرگت فارسی است که به همان معنا در قدیم بکار می‌رفته است. هنوز هم برخی از نیايشگاه‌های تاریخی ایران مانند اسپي مرگت (مسجد سفید) در گیلان همان نام فارسی خود را حفظ کرده‌اند. عرب‌ها پس از وام‌گیری این واژه از پارسی، از آن واژه‌هایی مانند سجود و سجاد و سجاد ساختند.^۲

واژه مسجد در قرآن

کلمه مسجد جمعاً بیست و هشت مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است که بیست و دو مورد آن به صورت مفرد و شش مورد آن به صورت جمع آمده

۱ . دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۲۰۵۲ .

2 . <http://fa.wikipedia.org>

است. در این آیات به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد، مسجد الحرام و احکام خاص آن مسجد الاقصی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است.^۱

آیات الاحکام مساجد

از دیر زمانی است که فقهای بزرگ، بخشی از تألیفات خود را به کتبی اختصاص داده‌اند که محور و موضوع این کتب آیات قرآنی است و بیانگر حکمی از احکام تکلیفی مکلف است. این‌گونه مکتوبات را به «آیات الاحکام» نام نهاده‌اند. در این‌گونه کتاب‌ها، معمولاً آیاتی که معمولاً مربوط به یک موضوع فقهی است را در یک باب گنجانده و در ذیل آن، نکات فقهی، ادبی، اصولی و... مستفاد از آن آیه را می‌نویسند، مثل آیات الاحکام مربوط به نماز، آیات الاحکام در رابطه با روزه و... به عنوان نمونه کتاب‌های «کنزالعرفان» فاضل مقداد^۲ و «زبدۃ البیان» محقق اردبیلی^۳ از نمونه‌های ارزشمند در این مورد

۱. المعجم المنهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل کلمه مسجد.

۲. ابو عبدالله مقداد بن عبدالله سیوری معروف به فاضل مقداد (یا فاضل سیوری) یکی از علمای بزرگ قرن نهم هجری است. فاضل دانشمندی فقیه و محقق فاضل و متکلمی کامل بود از مدارس بغداد و حلّه و همچنین از محضر شیخ شهید بهره‌مند بوده و خود عمری را به تحقیقات علمی مصروف نمود. یکی از آثار او کنزالعرفان در فقه و تفسیر قرآن می‌باشد.

۳. احمد بن محمد، از علماء و متکلمین بزرگ شیعه و معروف به «مقدّس» یا «مقدّس اردبیلی» است و یکی از آثار او زبدۃ البیان می‌باشد.

فصل اول: کلیات ۲۳

است. ما در این مجموعه به اقتباس از آنان آیات الاحکام پیرامون مسجد را در این جا به اختصار ذکر می‌کنیم. لازم به ذکر است که در کتب آیات الاحکام، عنوانی با این نام «آیات الاحکام مساجد» وجود ندارد و غالباً تنها به ذکر چند آیه که بیشتر به نماز ارتباط دارد پرداخته‌اند. جهت سهولت آگاهی از مفاد آیات، نخست آیه‌هایی را که در مورد مدیریت مساجد است ذکر می‌کنیم سپس آیاتی که درباره کارآیی مسجد است، آن‌گاه به آیاتی که به کاربران مساجد ارتباط دارد می‌پردازیم.

۱- مدیریت مساجد

براساس آنچه از آیات قرآن استفاده می‌شود می‌توانیم بگوییم: اداره مساجد دوگونه است:

الف) مدیریت مجاز؛

ب) مدیریت ممنوع.

مدیریت مجاز

که در واقع همان اداره مطلوب و آرمانی مساجد است از آغاز بنیان و احداث را شامل می‌شود تا تمامی مراحل تعمیر و توسعه و نظارت بر فعالیت‌ها و امامت جماعت و جمعه و... در ذیل به برخی آیات در این مورد اشاره می‌شود.

۲- عمران مساجد

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ
الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا
مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾^۱

«مسجدهای خدا را تنها کسی تعمیر می‌کند که به خدا و روز جزا
ایمان داشته و نماز بپا دارد و زکات دهد، و جز از خدا نترسد،
ایشانند که امید هست که از راه یافتگان باشند».

احکام فقهی

- ۱- اولین نکته فقهی مستفاد از آیه آن است که احداث و تعمیر و ترمیم
مساجد فقط توسط مسلمانان باید انجام گیرد.
- ۲- نکته دوم آن که افرادی مجازند مساجد را احداث و مرمت و مدیریت
کنند که دارای ویژگی‌های ذکر شده در آیه باشند. از آیه استفاده می‌شود
که اشتها این اشخاص به ویژگی‌های مذکور باید احراز گردد.
- ۳- آنچه صرف مسجد می‌شود باید از مال مباح و حلال باشد و بدیهی
است که مال مسلمان هنگامی پاک و مباح خواهد بود که علاوه بر شرایط اکتساب
آن، باید وجوهات مالی خود را هم پرداخت کرده باشد.
- ۴- نیت بانیان مساجد از ساخت و تعمیر مساجد باید انگیزه خدایی و قصد

فصل اول: کلیات ۲۵

قربت باشد تا عنوان مسجد محقق شود. ریا، تظاهر، تفاخر و قصدهای شیطانی مانع از این هدف می‌شود. این مطلب از اضافه مسجد به الله استفاده می‌شود که اضافه ملکیت است یعنی با وقف و سلب علقه مالکیت از خود این هدف تأمین می‌شود.

۵- استفاده کنندگان از مساجد نیز باید با انگیزه الهی از مسجد بهره‌برداری کنند در نتیجه اعمالی را در محیط مسجد دنبال کنند که دقیقاً (عبادت و ذکر الهی) تلقی شود یا در راستای این هدف مقدس باشد.

۶- از اضافه مساجد به الله می‌توان قداست مساجد و در نتیجه و جوب تعظیم و حرمت اهانت به مساجد را استغناء نمود.

۷- از آیه می‌توان استفاده کرد که آن‌چه صرف احداث و تعمیر مسجد شود نخست باید از ملک شخص خارج شده و در شکل وقف و هبه و... به قصد جلب رضایت الهی مصرف گردد. این مطلب از اضافه مساجد به الله استفاده می‌کنیم و ذیل آیه هم «فعسی...» مویدی براین مطلب است.

۳ - مسجد ایده‌آل

«... لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُطَهَّرِينَ»^۱

«... مسجدی که از نخستین روز، بنیان آن براساس پرهیزکاری

نهاده شده، سزاوارتر است که در آن بایستی، در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، و خدا پاکان را دوست دارد».

احکام

- ۱ - در این آیه هم بر شرایطی که در بنیان مسجد باید رعایت شود «قصد قربت سازندگان و حلال بودن مال مصرف شده در راه مسجد» تأکید شده است.
- ۲ - اموال صرف شده برای مسجد باید در قالب وقف یا دیگر قراردادهای شرعی از ملکیت فرد خارج گردد.
- ۳ - مسجد باید مرکز تزکیه و تطهیر انسان‌ها باشد و برای تحقق این هدف طبیعتاً باید کارکردهای مسجد به گونه‌ای طراحی شود که این اهداف تأمین گردد.
- ۴ - انجام هرگونه فعالیتی که در این جهت باشد در محیط مسجد مستحب است.

۱۴ - مقایسه دو مسجد

«أَمْ مَنْ أَسَسَ بُيُوتَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُيُوتَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۱

«آیا آنکه بنای خویش بر پرهیزکاری خدا و رضای او پایه نهاده بهتر است، یا آن کسی که بنای خویش بر لب سیلگاهی نهاده که فرو ریختنی است، که با وی در آتش جهنم سقوط کند، و خدا قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند».

احکام

- ۱ - نظارت بر فعالیت مساجد امری مطلوب و لازم است.
- ۲ - تقویت مساجد در جهت دستیابی به اهداف ارزشی امری بایسته است و منع از عملکرد و فعالیت‌های افراد فرصت‌طلب تحت عنوان مدیریت مساجد لازم است. این مطلب از نوع پرسشی که در آیه بکار رفته است استفاده می‌شود.
- ۳ - از مقایسه دو مسجد با هم در آیه استفاده می‌شود که آنچه مساجد را از یکدیگر متمایز می‌کند، ذات خود آنها نیست بلکه به مدیریت، انگیزه‌ها و اهداف مدیران مساجد برمی‌گردد؛ پس مسولان و اولیای امور، در صورت احراز نیات شوم سازندگان، می‌توانند از همان مراحل اولیه، مانع ساخت چنین مسجدی شوند.

۵ - جهاد در راه حفظ مساجد

«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ
وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّ صَوْمِعُ وَ بَيْعُ
وَصَلَوْتُ وَ مَسْجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَبْتَصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ

يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ^۱.

«همان کسانی که از دیارشان بیرون رانده شده‌اند بدون سبب جز آنکه می‌گفته‌اند: پروردگار ما خدای یکتا است. اگر خدا بعضی از مردم را به بعض دیگر دفع نمی‌کرد دیرها و کلیساها و کنشتها و مسجدها که نام خدا در آن بسیار یاد می‌شود ویران می‌شد، خدا کسانی را که یاری او کنند یاری می‌کند که وی توانا و نیرومند است.»

احکام

- ۱- اگر دشمن هدفش تنها انهدام مساجد باشد، مسلمانان حق دارند به دفاع و جهاد بپردازند.
- ۲- اگر دشمن متعرض معابد ادیان توحیدی که در ذمه اسلام‌اند بشود دولت اسلامی از جهت دفاع از حیثیت سرزمین اسلامی و حفظ آن معابد از انهدام مجاز به اعلام جهاد دفاعی است.
- ۳- مشروعیت و مقبولیت (نسبی) اهل کتاب و در ذمه حکومت اسلامی قرار گرفتن اهل کتاب از آیه استفاده می‌شود.
- ۴- از تأیید تلویحی که در آیه از این معابد شده است می‌توان صحت نماز در این معابد را استفاده کرد.

۱. حج: ۴۰.

مدیریت ممنوع

این نوع اداره کردن مساجد، نه مطلوب خداوند است و نه امت اسلامی مجاز به پذیرش چنین مدیریتی می‌باشد. از آیات ذیل می‌توان نشانه‌های مدیریت باطل را فهمید.

۱ - ظلم به مسجد

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱

«و چه کسانی ستمکارتر از کسانی می‌باشند که از بردن نام خدا در مساجد خدا جلوگیری کردند، و در خرابی آنها کوشیدند؟ آنان را شایسته نیست که در آن [مراکز عبادت] درآیند، جز در حال ترس [از عدالت و انتقام خدا]. برای آنان در دنیا خواری و زبونی است و در آخرت عذابی بزرگ است.»

احکام

۱ - هرکس با رفتار و گفتار خود مانع از تحقق اهداف مسجد گردد از ستم‌کنندگان به مسجد و مصداقی برای «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ» است،

بنابر نظر علامه طباطبائی:

«از ظاهر سیاق برمی آید که منظور از این ستمکاران کفار مکه‌اند و جریان مربوط بقبل از هجرت است، چون این آیات در اوائل ورود رسول خدا ﷺ به مدینه نازل شده است. او لئک ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین این جمله بخاطر کلمه «کان» که در آن است، دلالت دارد بر واقعه‌ای که قبلاً واقع شده بوده و قهراً با کفار قریش و رفتار ایشان با مسلمانان تطبیق می‌شود، چون در روایات آمده که کفار نمی‌گذاشتند مسلمانان در مسجد الحرام و در مسجدهای دیگری که پیرامون کعبه برای خود اتخاذ کرده بودند، نماز بخوانند».^۱

باید توجه داشت این که آیه در مورد خاصی نازل شده باشد نمی‌تواند مخصوص باشد و باید گفت: آیه شامل هر فردی که به مسجد به نحوی ظلم کند، می‌شود.

۲- استفاده از واژه «اظلم» به شکل افعال تفضیل و اطلاق کلام به خوبی نشانگر آن است که عمل این افراد مسلماً مصداقی از عمل‌های حرام است و چون در همین آیه وعده عذاب داده شده «وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» نشان دهنده آن است عمل این‌گونه افراد از گناهان کبیره است.

۳- از اطلاق آیه استفاده می‌شود که منع کنندگان از ذکر خدا لزوماً کفار

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۹۰.

و مشرکین نیستند بلکه چه بسا مسلمانی هم مصداق «من اظلم» قرار بگیرد.

۴- از عبارت «أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ» استفاده می‌شود که مدیریت مساجد و فعالیت‌های درون مساجد باید به گونه‌ای باشد که هر فرد خائن به سهولت نتواند به این اجتماع ارزشمند رخنه کند و تحقق این امر هم جز در پرتو یک نظارت مستمر و مدیریت منسجم، امکان‌پذیر نیست و این مدیریت منسجم با مشارکت همه مؤمنان به ویژه اداره‌کنندگان مسجد یعنی امام جماعت و متولیان و دیگر دست‌اندرکاران میسر خواهد شد و از همین نکته می‌توان تلویحاً لزوم نظارت حکومت اسلامی بر فعالیت مساجد را استفاده کرد.

۵- این قسمت آیه «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» می‌توان استفاده کرد فردی که مصداق «مانعین از مساجد» قرار گیرند قوه قضاییه حق دارد عمل او را مجرمانه تلقی کند و کیفری مناسب با جرمش در نظر بگیرد.

۲- منع مشرکان از عمران مساجد

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»^۱

«مشرکین را حق آن نیست که مساجد خدا را تعمیر کنند، با آنکه خود شاهد بر کفر خویش‌تند، چه، ایشان اعمال‌شان بی‌اثر و باطل و خود در جهنم جاودانند».

احکام فقهی

- ۱- اگر آن‌گونه که در مجمع البیان آمده است «تعمیر مساجد» را به معنای رفتن به مساجد جهت عبادت و اطاعت بدانیم، یکی از احکام مستفاد از آیه آن خواهد بود که مشرکان حق ورود به مساجد را ندارند.
- ۲- اگر تعمیر را به معنای ظاهری آن یعنی ترمیم و اصلاح ساختمان مسجد بدانیم در این صورت از آیه استفاده می‌شود که در توسعه و عمران و استمرار و حفظ و حراست ساختمان مساجد، مشرکان و غیرمسلمان حق دخالت ندارند.
- ۳- در این صورت به طریق اولی مشرکان حق دخالت در اصل احداث و بنای اصل مسجد که اصلی‌ترین و اولین نماد جامعه اسلامی است را ندارند.
- ۴- وقتی که مشرکان از تعمیر مسجد منع شده‌اند به طریق اولی در اداره و مدیریت مسجد نباید به هیچ وجه شرکت داشته باشند. از ذیل آیه استفاده می‌شود که «شُرک به خدا» از گناهان کبیره است زیرا وعده عذاب به آنها داده شده است.

۳ - فرفره‌ش‌ی در مدیریت مساجد

﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

«چگونه آب دادن به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام را با رفتار کسی که به خدا و روز جزا ایمان آورده و در راه خدا جهاد نموده

برابر می‌کنید؟ و حال آنکه این دو طائفه نزد خدا یکسان نیستند.
و خداوند مردم ستمگر را هدایت نمی‌کند».

احکام

- ۱- مدیریت مساجد امری معنوی محسوب می‌شود و هرگونه خودنمایی و فخر فروشی در این مورد نکوهیده است.
- ۲- مقایسه درجه‌بندی میان عمل‌های عبادی و معنوی امری مشروع است.
پس بین افراد واجد اوصاف معنوی نیز می‌توان تمایز قائل شویم.

۱۴ - مسجد ضرار

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَإِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا
إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا»^۱
«و کسانی که مسجدی ساخته‌اند برای ضرر زدن و (تقویت) کفر
و تفرقه میان مؤمنان و به انتظار کسی که از پیش با خدا و رسولش
ستیزه کرده، و قسم می‌خورند که جز نیکی منظوری نداریم،
و حال آنکه خدا گواهی می‌دهد که دروغ گویند».

اگر بخواهیم اسلام را به شکل مکتوب تصور کنیم قطعاً قرآن همان اسلام

۱. توبه: ۱۰۷-۱۰۸.

مکتوب است و اگر بخواهیم اسلام را در شکل آدمیان تصور کنیم بدون شک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام مظهر واقعی اسلام اند. اما اگر بخواهیم اسلام را در قالب سرزمین و مکان تصور کنیم چه مکانی این قابلیت را دارد که تجسم اسلام باشد؟ باید گفت: مسجد «نمادی» است برای نمود اسلام. از این روی باید همگان مراقب باشند تا این مظهر اسلام، ابزاری برای دشمنان اسلام نکردد.

احکام

- ۱- هر مکانی که نام مسجد بر آن نهاده‌اند هر چند با انگیزه مسجد بودن، اگر رعایت شرایط در آن نشده باشد از جهت حکم وضعی و تکلیفی احکام مسجد را نخواهد داشت.
- ۲- هر چیزی که عامل تفرقه و تبلیغ اندیشه‌های کفرآمیز و سبب گمراه کردن افراد مسلمان گردد تحت هر عنوان باشد خواه مسجد، خواه خانقاه یا کلیسا... حضور و شرکت مسلمانان در آن حرام است.
- ۳- وظیفه یکایک جامعه اسلامی به ویژه دولت اسلامی نسبت به این قبیل اماکن تخریب و نابود کردن این مکان‌ها است.

کارآیی مساجد

۱- عبادت در مسجد

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^۱

«بگو خدایم به دادگری فرمان داده است، و روی خود را نزد هر مسجدی متوجه (خدا) سازید، و او را با اخلاص در دین بخوانید، چنانکه شما را آغاز کرد برمی‌گردید».

علامه طباطبائی می‌گوید:

«... جمله و اقیموا و جوهمکم عند کل مسجد (به ضمیمه) و ادعوه مخلصین له الدین این معنا را افاده می‌کند که: بر هر عابد واجب است در عبادت خود، توجه خود را از غیر عبادت، و در بندگی برای خدا توجه را از غیر خدا منقطع سازد. یکی از چیزهایی که غیر خدا است همان عبادت او است، پس عابد نباید به عبادت خود توجه کند، زیرا عبادت، توجه است نه متوجه الیه، و توجه به عبادت، معنای عبادت و توجه به خدا بودن آن را از بین می‌برد».

در ادامه، علامه طباطبائی احتمالات دیگری را در معنای آیه نقل می‌کند:

«یکی اینکه در نماز بطور مستقیم متوجه قبله هر مسجدی شوید. دیگر اینکه در موقع سجده که همان موقع نماز است متوجه آن نقطه‌ای شوید که خدا دستور داده، و آن نقطه کعبه است. دیگر اینکه وقتی در مسجدی وقت نمازی را درک کردید همانجا نمازتان را بخوانید و نگوئید باشد تا به مسجد محل خود برگردیم. دیگر اینکه در موقع نمازهایی که باید به جماعت گزارد به سوی مسجد بروید و نیز از آن جمله است که خدا را به خلوص اطاعت کنید و در عبادت، بت‌ها را شریک او مگیرید».

قطب راوندی در کتاب فقه القرآن خود در ذیل آیات مربوط به صلاة به برخی از این اقوال اشاره کرده است.^۱

احکام

۱- از این مطلب که در هر مسجدی نماز می‌خوانید توجه شما به سمت و سوی خدا باشد فهمیده می‌شود که فلسفه وجودی مسجد، عبادتگاه بودن آن است. در نتیجه اگر زمین و لوازم دیگر آن را برای غیر جهت عبادت وقف کرده باشند، موجب می‌گردد که عنوان مسجد محقق نگردد.

۲- از اطلاق آیه، معلوم می‌شود انسان حق دارد به هر مسجدی رسید نمازش را بخواند و لازم نیست صبر کند تا مسجد متعلق به شیعیان را بیابد. همچنین از اطلاق آیه استفاده می‌شود که هر نمازی را در هر مسجدی می‌توان خواند.

۳- هر چند ظاهر این آیه خطاب به مردان است، چون صیغه جمع مذکر بکار رفته است، اما حکم مربوط به همه مکلفان است و احکام در این قبیل آیات از باب تغلیب خطاب به مردان آورده می‌شود. اگر این مطلب پذیرفته نشود پس باید قبول کنیم که زنان به هر سمت و سو حق دارند نماز بخوانند در حالی که به ضرورت فقه، نماز به غیر جهت قبله، باطل است. پس از آیه معلوم می‌شود که زنان هم به عنوان بخشی از جامعه حق مشارکت در مساجد و شرکت در عبادات دسته جمعی را دارند.

۱. فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۵۵.

۱- از این آیه استفاده می‌شود که مسجد محل عبادت‌هایی همچون نماز است که قصد قربت رکن اصلی آنهاست در نتیجه می‌توانیم مستحب بودن انجام هر عمل عبادی از جمله اقامه نمازها مخصوصاً جماعت را در مساجد اثبات نماییم.

۲- مساجد ایده‌آل.

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ. رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ. لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يُرْزِقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱

«در خانه‌هایی که خدا اجازه داده همواره محترم و با عظمت باشند و نام وی در هر بامداد و پسین در آن یاد شود. مردانی هستند که تجارت و معامله، از یاد خدا و نماز خواندن و زکات دادن غافلشان نمی‌کند. و از روزی که در اثنای آن روز دل‌ها و دیدگان زیر و رو شود بیم دارند. تا خدا بهتر از آنچه کردند پاداش‌شان دهد و از کرم خویش افزونشان کند و خدا هر که را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد».

احکام

۱ - مسجد به معنای واقعی کلمه «خانه خدا» است پس هرگونه دخل و تصرف در خانه خدا باید به اجازه صاحب خانه باشد. از این رو می‌بینیم در زبان آیات و روایات از آغازین لحظه طراحی و زمان اجرا تا زمان بهره‌برداری به نحوی دقیق و مشخص برنامه‌ریزی شده و آمده است از جمله طبق این آیه یکی از اهداف اساسی مساجد اعتلای کلمه الله و بلند آوازگی نام خدا در سراسر گیتی می‌باشد.

۲ - بسنده کردن فعالیت‌های درون مساجد به اقامه جماعت و عبادت‌های شخصی نمی‌تواند غرض و هدف غایی خداوند برای مساجد باشد؛ زیرا پر واضح است که اعتلای کلمه الله در جهان با فعالیت‌های مناسب با آن امکان‌پذیر است و تحقق این امر با یک برنامه‌ریزی دقیق و برنامه‌های آموزشی منسجم ممکن خواهد بود.

۳ - استفاده از مساجد به عنوان مرکزی برای آموزش علوم اسلامی یکی از کاربردهای مباح بلکه مستحب مساجد خواهد بود. آموزش اعتقادات و برگزاری کلاس‌های قرائت و تفسیر قرآن و مجالس وعظ و خطابه و... همه در این راستاست.

۴ - استفاده از مساجد برای کلاس‌های آموزش فنون دفاع و نحوه جنگ‌های دفاعی نیز می‌تواند مباح و مجاز باشد البته در صورتی که انجام این گونه کلاس‌ها منافات با قداست مساجد نداشته باشد.

۵ - برگزاری جلسات مناظره و گفت‌وگو بین ادیان نیز می‌تواند یکی دیگر از

کاربردهای مباح مساجد شمرده شود، زیرا؛ به منطبق برتر و قوت استدلال اندیشه‌های دینی باور داشته و اعتقاد داریم «الاسلام یعلو و لایعلی علیه».

۳ - اعتکاف در مسجد

«... وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»^۱

«و نیز هنگامی که در مسجدها اعتکاف می‌کنید با زنان نیامیزید این‌ها که گفته شد حدود خداست زنها که نزدیک آن مشوید این چنین خدا آیات خود را برای مردم بیان می‌کند تا شاید با تقوا شوند».

این بخش از آیه شریفه به عمل اعتکاف و یکی از شروط آن اشاره دارد. «اعتکاف عبادت مخصوصی است با آداب و شرائط خاص و تنها در درون مسجد قابل انجام است نه جای دیگر و یکی از احکامش آن است که معتکف از مسجد نباید بیرون رود، مگر برای عذری موجه، یکی دیگر آن است که باید در ایام اعتکاف روزه بگیرد، و چون جای این توهم بود که به حکم آیه قبلی معتکف می‌تواند در شب با زنان در آمیزد، برای دفع این توهم فرمود: «و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد»، درحالی که در مساجد اعتکاف کرده‌اید شب‌ها با زنان نیامیزید.

و گفتیم می‌توانید در آمیزید مربوط به شب‌های ایام روزه
غیراعتکاف بود).^۱

از این آیه چند نکته فقهی استفاده می‌شود:

- ۱ - مشروعیت و مطلوبیت عمل اعتکاف از «و انتم عاکفون فی المساجد»
به وضوح فهمیده می‌شود.
- ۲ - محل انجام این عمل عبادی مساجد است که از «فی المساجد» استفاده
می‌شود.
- ۳ - یکی از محرمات اعتکاف عمل آمیزش جنسی و هرگونه تلذذهای
جنسی است.^۲ که از فعل نهی «لا تباشروهن» بدست می‌آید.
- ۴ - از اطلاق آیه و جمع «المساجد» استفاده می‌شود که اعتکاف در هر
مسجدی درست است.

۴ - مسجد، بنای یادبود

«وَكذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُغْلَبُوا أَنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ أَنَّ السَّاعَةَ
لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا
رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ
عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»^۳.

۱ . ترجمه المیزان، ج ۲ ، ص ۷۰ .

۲ . تحریر الوسیله، ج ۱ ، ص ۳۰۴ تا ۳۰۸ .

۳ . بقره: ۱۸۷ .

«بدینسان کسانی را از آنها مطلع کردیم تا بدانند که وعده خدا حق است، و در رستاخیز تردیدی نیست، وقتی که میان خویش در کار آنها مناقشه می‌کردند، گفتند بر غار آنها بنائی بسازید پروردگار به کارشان داناتر است، و کسانی که در مورد ایشان غلبه یافته بودند گفتند بر غار آنها عبادت‌گاهی خواهیم ساخت.»

احکام

- ۱- از این آیه که در مورد اصحاب کهف است استفاده می‌شود که جایز است به یادبود و احترام انسان‌هایی که در مسیر حق گام نهاده‌اند، مسجد بناگردد.
- ۲- ساخت مسجد در کنار مرقد پیامبران و امامان و صالحان جایز است.
- ۳- انجام عبادات و فرائض دینی در این‌گونه مساجد صحیح است.

کاربران مساجد

مراد از این عنوان تمامی کسانی هستند که برای انجام عبادتی و یا به قصدکاری در مساجد حاضر می‌شوند.

۴- آراستگی در مساجد

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا»

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ^۱.

«ای فرزندان آدم! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی
اتخاذ کنید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید زیرا او
اسراف‌کنندگان را دوست ندارد».

احکام فقهی

۱- به کاربردن زینت در هنگام رفتن به مسجد اگر نگوییم واجب است
بدون شک مستحب خواهد بود. هم چنان که فتوای جمعی از فقها همین است.^۲
و این مطلب از فعل امر «خذوا» فهمیده می‌شود.

۲- از اطلاق آیه استفاده می‌شود که آراستگی ظاهری برای یک مسلمان
همواره امری مستحب و مطلوب است و استحباب آن منحصر به حضور در
مساجد نیست.

۳- از آن جاکه مسجد از مقدس‌ترین مکان‌ها محسوب می‌شود و از طرف
دیگر هدف اصلی از ورود به مساجد قطعاً انگیزه‌های الهی و معنوی باید باشد.
با توجه به این دو نکته، حکم سومی از آیه استفاده می‌شود که توجه به امور
دنیوی در عین انجام عمل معنوی مباح بلکه مستحب است.

۱. اعراف: ۳۱ .

۲. توضیح المسائل امام، م ۹۱۲، ص ۱۲۶ و مراجع عظام: آیت‌الله خوئی، م ۹۲۱، آیت‌الله گلپایگانی،
م ۹۲۱ و....

۴- از آیه استفاده می‌شود که زینت دارای معنای گسترده‌ای است و استفاده از آن شامل زن و مرد شده و برخی از مصادیق آن قابل ارائه در مجامع عمومی می‌باشد. بنابراین هر نوع آراستگی ظاهری در پوشش زیبا و مناسب برای زنان و مردان مصداقی از زینت است.

۵- از این آیه و آیه بعد از آن می‌توان حکم شرعی دیگری را استفاده کرد و آن مکروه بودن ژولیدگی برای مؤمن است. کسی که به بهانه زهد و بی‌رغبتی به دنیا خود را در منظر مردم به عنوان فردی ژولیده و با سر و وضع آشفته، نشان می‌دهد، نه تنها کار نیکویی نکرده بلکه مرتکب عمل مکروه شده است این مطلب از ملامتی که در آیه بعدی (قل من حرم) به شکل سؤال مطرح است به وضوح استفاده می‌شود.

فصل دوّم

احكام مسجد

باید توجه داشت که احکام پنجگانه تکلیفی در مرحله نخست متوجه مؤمنان است. اما از آنجا که موضوع این احکام می‌تواند فعل مکلف یا یک شی خارجی موضوع حکم شرعی قرار بگیرد از این رو تقسیم آن موضوع به عناوین پنجگانه قابل قبول و منطقی خواهد بود. ما در این فصل از این جهت موضوع مسجد را تحت هر یک از عناوین مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است فتاوایی را که در بیان مسائل از آنها سود می‌جوییم در مرحله نخست و در تمامی مباحث نظرات امام راحل علیه السلام را مبنا قرار می‌دهیم و در موارد اختلافی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و در صورت نیاز فتاوی دیگر مراجع عظام را یادآور می‌شویم.

الف: واجبات مسجد

مسجد به عنوان یک مکان می‌تواند محکوم به یکی از احکام پنجگانه تکلیفی قرار بگیرد. ما در این بحث درصدد آنیم آن چه در مورد مسجد واجب است رعایت گردد، را ذکر کنیم.

۱- تعظیم مساجد

هر مکانی که به نام مسجد بوسیله مسلمانی بنا شود، مراعات حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن مانند خراب کردن یا آلوده ساختن آن گناه کبیره است زیرا مسجد به آفریدگار نسبت دارد «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» و اهانت به آن اهانت به خداست. در این مورد هر چند در رساله‌ها فتوایی به این گونه مشاهده نمی‌شود اما با توجه به روایاتی که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود و آن چه که از برخی فتاوا در مورد مساجد از قبیل حرمت تنجیس و وجوب احترام و وجوب تطهیر... استفاده می‌شود،^۱ باید گفت: تعظیم مساجد یکی از مصادیق تعظیم شعائر اسلامی است و تحت عنوان وجوب می‌گنجد.

روایات زیادی در مورد تعظیم مساجد ذکر شده است که بعضی از آنها در

این جا ذکر می‌شود:

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ وَقَرَ مَسْجِدًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ. ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا وَاعْطَاهُ
كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ».^۲

«هر کس حرمت مسجد را حفظ کند، خدا را در روز قیامت با چهره‌ای خندان و شادمان ملاقات می‌کند و خداوند نامه‌اش را به دست راستش می‌دهد».

۱. العروة الوثقی مع تعالیم امام خمینی، فصل فی بعض احکام المسجد، ص ۳۱۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۰۴.

هم چنین از ایشان نقل شده است:

«مَنْ رَدَّ رِيْقَهُ تَعْظِيماً لِحَقِّ الْمَسْجِدِ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ
وَكُتِبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةٌ وَحَطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ قَالَ: لَا تَمُرُّ بِدَاءِ جَوْفِهِ
إِلَّا أَبْرَأَتْهُ»^۱

«کسی که آب دهانش را بخاطر احترام به حقّ مسجد برگرداند،
خداوند بدان جهت قوّتی در بدنش قرار دهد و برای او حسنه‌ای
نگاشته شود و گناهی از او بخشیده می شود و نیز ایشان فرمود:
هیچ بیماری در او بوجود نمی آید مگر این که بهبود یابد».

ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید: چرا امر به بزرگ داشتن مساجد
شده است؟ حضرت فرمود:

«أَمَّا أَمْرٌ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بَيْوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ»^۲
«همانا به تعظیم مساجد امر شده است چون مساجد خانه‌های
خداوند در روی زمین است».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السلام فرمود:

«مَنْ وَقَرَّ بِنِخَامَتِهِ الْمَسْجِدَ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ضَاحِكاً
وَقَدْ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ»^۳

۱ . بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۶ ؛ المحاسن، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۵ ؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۳ .

۲ . علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۸ ؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۸ .

۳ . وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۳ ؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۶ .

«کسی که به خاطر احترام مسجد آب دهانش را نگهدارد در روز قیامت خداوند را در حالی که شادمان است ملاقات کند در حالی که نامه اعمالش به دست راستش داده شده است».

حضرت صادق علیه السلام به یونس بن یعقوب فرمود:

«ملعون ملعون من لم يوقر المسجد تدرى يا يونس لم عظم الله حق المساجد؟ و انزل هذه الآية «وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً» كانت اليهود والنصارى اذا دخلوا كنائسهم أشركوا بالله تعالى فأمر الله سبحانه نبيه ان يوجد الله فيها ويعبده»^۱.
 «ملعون است، ملعون است کسی که به مسجد احترام نگذارد.
 ای یونس می دانی چرا خداوند حق مساجد را بزرگ شمرده است؟ این آیه را نازل کرده است: «وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً»^۲ مساجد برای خدا است پس با خدا احدی را نخوانید یهود و نصاری هرگاه وارد معابدشان می شدند به خداوند متعال شرک می ورزیدند پس خداوند سبحان پیامبرش را امر کرد که در آنجا خداوند را به یگانگی بخواند و پرستش کند».

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۵۵.

۲. جن: ۱۸.

۲ - تطهیر مساجد

پاکیزه گردانیدن مساجد از هرگونه آلودگی به ویژه از نجاسات، وظیفه هر مسلمان است. در این جا با استفاده از نظرات امام علیه السلام و مراجع عظام حکم برخی از عناوین را پی می گیریم:

۱ - حرمت تنجیس شامل همه اجزاء مسجد است:

«نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس که بفهمد که نجس شده است باید فوراً نجاست آن را برطرف کند و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند مگر آنکه واقف آن را جز مسجد قرار نداده باشد».^۱

«اگر مکلف ببیند که مسجدی آلوده به نجاست شده واجب است آن را ازاله کند و این تنها مخصوص کف مسجد نیست بلکه شامل همه اجزاء آن از زمین و دیوارها و سقف حتی بنا بر احتیاط شامل سمت بیرون دیوارهای مسجد می شود. هم چنان که آلوده کردن مسجد به نجاست حرام است».^۲

۱ . رساله توضیح المسائل امام خمینی علیه السلام، مسئله ۹۰۰، ص ۱۲۴ و مطابق با فتاوی مراجع تقلید، م ۹۰۰، ص ۲۵۵؛ رساله توضیح المسائل آیت الله خویی علیه السلام م ۹۰۹ با مقداری اختلاف و مسئله ۹۰۹ آیت الله گلپایگانی و م ۸۹۳ آیت الله اراکی.

۲ . تحریر الوسیله امام علیه السلام، نجاسات، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲- لزوم خیردهی از تنجیس مسجد به دیگران در صورتی که به تنهایی

نتواند:

«اگر نتواند مسجد را تطهیر نماید، یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند تطهیر مسجد بر او واجب نیست ولی اگر بی‌احترامی به مسجد باشد. بنا بر احتیاط واجب باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند اطلاع دهد».^۱

۳- جبران خسارت وارده به مسجد بر عهده نجس‌کننده است:

«اگر جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن ممکن نیست باید آن جا را بکنند،^۲ یا اگر خرابی زیاد لازم نمی‌آید خراب نمایند و پر کردن جایی که کنده‌اند و ساختن جایی که خراب کرده‌اند واجب نیست ولی اگر آن کس که نجس کرده بکند یا خراب کند در صورت امکان باید پر کند و تعمیر نماید».^۳

«اگر حصیر مسجد نجس شود بنا بر احتیاط واجب باید آن را آب

۱. توضیح المسائل امام علیه السلام، م ۹۰۱، ص ۱۲۴-۱۲۵ مسئله در رساله دیگر مراجع عظام هم به این صورت آمده است.

۲. توضیح المسائل آیت‌الله سیستانی، م ۹۱۱ یا خراب نمایند در صورتی که کندن یا خراب کردن جزئی باشد یا آن که رفع هتک متوقف بر کندن یا خراب کردن کلی باشد و الا خراب کردن محل اشکال است ...

۳. رساله توضیح المسائل امام علیه السلام، مسئله ۹۰۲، مطابق با فتاوی دیگر مراجع عظام.

بکشند ولی چنانچه بواسطه آب کشیدن خراب می شود و بریدن جای نجس بهتر است باید آن را ببرند و اگر کسی که نجس کرده ببرد باید خودش آن را اصلاح کند»^۱.

۴ - تطهیر مسجد در صورتی که منجر به خرابی کل مسجد شود:

«... اگر مسجد به نحوی نجس شده باشد که برای تطهیر آن ناچار باشند تمام مسجد را خراب کنند چنانچه متبرعی باشد که پس از تخریب آن را بسازد، خراب کردن آن جایز است و الا جایز نیست ولی اگر ممکن است باید ظاهر آن را بنا بر احتیاط تطهیر نمایند و اگر چیزی مانند آجر مسجد که ممکن است آن را برگردانند نجس شود باید بعد از تطهیر به مسجد برگردانند»^۲.

۵ - وجوب تطهیر فوری است:

«هنگامی که انسان از نجاست مسجد مطلع شد، فوراً باید آن را تطهیر کند، پس نباید به قدری معطل کند که عرفاً بگویند تأخیر کرده است»^۳.

منظور از تطهیر فوری آنست که اگر وقت نماز وسعت داشته باشد، ابتدا تطهیر مسجد از نجاست واجب است و باضیق وقت، مقدم داشتن نماز،

۱ . رساله توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۰۵ .

۲ . توضیح المسائل آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه، م ۹۱۱، ص ۱۶۰ این مسئله در رساله آیت الله صافی این گونه آمده: «اگر خراب کردن آن جایز نیست چنانچه متبرعی هم باشد که بعد از تخریب آن را بسازد جایز بودن خراب کردن آن مشکل است... مسئله ۹۱۱ و...» .

۳ . العروة الوثقی مع تعالین امام خمینی، ج ۱، ص ۴۶ .

واجب است. اگر فرد با وسعت وقت نماز بخواند گناه کرده اما بنا به فتوای امام علیه السلام نمازش صحیح است و اگر علم به نجاست یا نجس شدن در بین نماز پیدا کند، قطع نماز برای ازاله واجب نیست اگرچه وقت وسعت داشته باشد بلکه جواز قطع نماز اشکال دارد.

۵- پاک کردن مساجد واجب کفایی است:

«وجوب تطهیر آنچه گفته شد کفائی است و این تکلیف اختصاص به کسی که آنها را نجس کرده ندارد همچنانکه این تکلیف در صورت امکان تطهیر فوری است و اگر انجام این وظیفه نیازمند به دادن مال باشد دادن مال نیز واجب است و می تواند پولی را که در این راه خرج کرده از کسی که آن محل را نجس کرده بگیرد و اگر تطهیر مسجد مستلزم کردن آن و یا خراب کردن مقداری از ساختمان آن باشد جائز و بلکه واجب است و شخصی که آن را نجس کرده ضامن خسارت تعمیر می باشد و اگر مکلف نجاستی را مثلاً در مسجد ببیند و وقت نماز هم رسیده باشد واجب است قبل از نماز مسجد را تطهیر کند البته این صورتی است که وقت نماز وسیع باشد و در این صورت ترک تطهیر و ایستادن به نماز با داشتن قدرت معصیت است هرچند که نمازش صحیح است و اما در تنگی وقت واجب است اول نماز را بخواند و سپس به تطهیر مسجد بپردازد»^۱.

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، مسئله نجاسات، مسئله ۱.

۶- نجس کردن وسایل مسجد در حکم خود مسجد است:

«بنابر احتیاط حصیر مسجد و فرش آن مانند خود مسجد است پس نجس کردن آنها نیز حرام است و اگر نجس شود برطرف کردنش واجب است هرچند مستلزم آن باشد که قسمتی از حصیر و یا فرش که نجس شده بریده شود».^۱

۷- تغییر شکل مسجد حکم آن را عوض نمی‌کند:

«اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند باز هم بنابر احتیاط واجب نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است».^۲

- ۸ -

«در مساجد فرقی بین آباد و خرابه و متروکه آن ها نیست بلکه احتیاط واجب این است که در محلی هم که قبلاً مسجد بوده و فعلاً عنوان دیگری بخود گرفته مثلاً غاصبی آن را بصورت خانه یا کاروانسرا و یا دکان درآورده نجس نکنند و در صورت تنجیس تطهیر کنند».^۳

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۱۶، م ۲ .

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۱۶؛ توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله، م ۹۰۳ .

۳. تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی احکام النجاسات، م ۳، ص ۱۱۶ .

ب: مستحبات مسجد

۱- نظافت مسجد

از جمله آدابی که در روایات برای مسجد ذکر شده است، تمیز نگه داشتن و خاکروبی از آن می‌باشد و ثواب زیادی برای آن ذکر شده است. از جمله در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

«مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ، وَمَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يَقْدِي عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَزَّوَجَلَّ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ»^۱

«کسی که مسجدی را جاروب کند، خداوند، پاداش آزاد کردن بنده‌ای را برای او می‌نویسد و اگر از این مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می‌رود، غبار برگردد خداوند عزوجل دو چندان از رحمت خویش را به وی عطا فرماید».

برخورداری از رحمت مضاعف یکی از آثار تقوا و نشانه متقی بودن فردی است که به نظافت مسجد همت گماشته است چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲

۱ . المحاسن، ج ۱ ، ص ۵۷؛ وسائل الشیعة، ج ۵ ، ص ۲۳۹ .

۲ . حدید: ۲۸ .

«ای اهل ایمان! اگر تقوای الهی را پیشه سازید و به رسول خدا ایمان آورید، خداوند رحمت مضاعف خویش را به شما عطا خواهد نمود...».

غفران یکی دیگر از آثار تمیز نگه داشتن مسجد است. حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده است:

«مَنْ كُنَسَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يَدُرُّ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»^۱.

«کسی که خانه خدا را در پنج‌شنبه و شب جمعه خاکروبی کند و به اندازه غباری که در چشم می‌رود از مسجد خاک برگردد خداوند او را مورد آمرزش خویش قرار خواهد داد».

تأکید بر تمیز کردن مسجد در روز پنج‌شنبه یا شب جمعه، نشان دهنده آن است که اسلام برای اجتماع مسلمین اهمیت ویژه‌ای قائل است زیرا در این اوقات افراد بیشتری فرصت حضور در مساجد را پیدا می‌کنند اما این بدان معنا نیست که عمل تنظیف در غیر از این اوقات مطلوب نباشد. از آثار دیگر این امر، اشتیاق بهشت و حوریان بهشتی نسبت به کسانی است که به خاکروبی مسجد می‌پردازند.

امام رضا علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لَتَشْتَاتُ إِلَى مَنْ يَكْسِحُ الْمَسَاجِدَ وَيَأْخُذُ مِنْهُ الْقَدَى»^۲.

۱. من لایحضر الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳؛ ثواب الاعمال، ص ۳۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴.

۲. الاصول الستة عشر، ص ۵۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۸۲.

«بهشت و حوریان بهشتی مشتاق کسی هستند که مسجد را تمیز کند و آلودگی‌های آن را بگیرد».

عبدالله بن مسعود از حضرت رسول اکرم ﷺ نقل کرده که فرمود: در شب معراج دیدم این کلمات بر در ششم بهشت نوشته شده بود:

«... وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدِّيدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَكُنْ مِنَ الْمَسَاجِدِ...»^۱

«... و هر کس بخواهد کرم‌ها (جسد) او را در زیر زمین نخورند، بایستی مساجد را جاروب نماید...».

در مورد اهمیت جاروب کردن مسجد به نقل داستانی می‌پردازیم:
گفته‌اند که در زمان حضرت رسول، بانویی حبشی و سیاه‌پوست به نام محجنه یا ام‌محجن همواره غبار و خاشاک و مانند آنها را از مسجد جمع می‌کرد و خارج می‌ساخت. شبی او از دنیا رفت و به حضرت خبر ندادند... هنگامی آن حضرت بر قبری گذشت و فرمود: این قبر کیست؟ گفتند: قبر ام‌محجن. فرمود: آیا همان بانویی که مسجد را جاروب می‌کرد؟ عرض کردند: بله، حضرت برای او نماز خواند در حالی که مردم پشت آن حضرت صف بسته بودند، در جای دیگر ذکر شده است که حضرت فرمود: برای آن بانو نزد خدا دو چندان پاداش است.^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵.

۲. داستان‌ها و حکایت‌های مسجد، غلامرضا نیشابوری، ص ۵۸.

۲ - (روشنایی در مسجد)

روشن کردن چراغ و ایجاد روشنایی در مسجد استحباب دارد. شیخ صدوق رحمته الله علیه در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده است:

«وَمَنْ اسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءًا مِنَ السَّرَاجِ».^۱

«و هر کس چراغی را در مسجدی از مساجد خداوند روشن کند تا وقتی که نوری از آن چراغ در آن مسجد باقی است، ملائکه و حاملان عرش خداوند برای او طلب مغفرت می نمایند».

در روایتی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ ادْخَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً سَرَجًا فِي الْمَسْجِدِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً وَكُتِبَ لَهُ عِبَادَةٌ سَنَةً وَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَدِينَةٌ وَ انْ زَادَ عَلَى لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ، فَلَهُ بِكُلِّ لَيْلَةٍ يَزِيدُ ثَوَابُ نَبِيِّ، فَإِذَا تَمَّ عَشْرُ لَيَالٍ لَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ مَالَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الثَّوَابِ فَإِذَا تَمَّ الشَّهْرُ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ».^۲

«هر کس یک شب چراغی در مسجد بیفروزد خداوند برای او هفتاد سال گناهش را می بخشد و ثواب عبادت یک سال را برای

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵.

۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵.

او نزد خداوند متعال به عنوان پاداش نگاشته شود و اگر از یک شب بیشتر شود خداوند برای هر شب که زیاد شود ثواب پیامبری (یعنی مثل ثواب عمل پیامبری که چراغ روشن نماید) را می‌دهد پس اگر ده روز کامل شود کسی نمی‌تواند پاداشی که او نزد خداوند دارد توصیف نماید پس اگر یک ماه کامل گردد خداوند بدنش را بر آتش حرام می‌کند».

و از پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی ذکر شده است:

«... وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا يُظْلَمَ لِحَدِّهِ، فَلْيُتَوِّرِ الْمَسَاجِدَ...»^۱

«... و هر کس دوست داشته باشد قبرش تاریک نباشد، بایستی مساجد را روشن نگهدارد...».

«تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن مستحب است...»^۲

۳ - فوشبیه کردن مساجد

بدون تردید فضا و موقعیت‌های اماکن عمومی در جذب و دفع افراد نقش موثری دارد. از آنجا که اماکن عمومی محل تردد افراد از اقشار مختلف است و همگی آنها مقید به رعایت بهداشت فردی نیستند گاه بوهای بد این‌گونه افراد موجب نفرت و اشمئزاز دیگر افراد شده و آنها را از این مکان‌ها فراری می‌دهد.

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۶ .

۲ . توضیح المسائل امام، مسئله ۹۱۲ .

شاید راز و رمز این همه تأکید اسلام بر نظافت شخصی در همین مطلب نهفته باشد مخصوصاً تأکیدی که در مورد افراد نسبت به اماکن عمومی می‌ورزد چنان‌که در همین نوشتار ملاحظه می‌کنید اسلام افراد را از خوردن چیزهایی که موجب بوی نامطبوع دهان و در نتیجه آزار دیگران می‌گردد قبل از رفتن به مسجد منع می‌کند و در همین راستا به خوشبو کردن اماکن عمومی همچون مسجد که از قداست خاصی برخوردارند تأکید می‌کند.

در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است:

«وجمروها فی الجمع»^۱.

«مساجد خود را در جمعه‌ها خوشبو کنید».

و از امام علی علیه السلام روایت شده است:

«جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم و رفع اصواتکم و بیعکم و شراءکم و سلاحکم و جمروها فی کل سبعه ایام، وضعوا المطاهر علی ابوابها»^۲.

«از بلند کردن صدای خود در مساجد و خرید و فروش و حمل اسلحه به درون مساجد خودداری کنید و در تمام هفت روز هفته آنها را خوشبو کنید و برای مساجد دستشویی قرار دهید».

۱ . جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، علی رضایی، ص ۴۸ ، انتشارات ثقلین، چاپ اول.

۲ . الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۶۹ ؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۹ وضعوا فیها المطاهر.

۴ - سافت مسجد بدون سقف

از ملاحظه روایات و فتوای فقها چنین ظاهر است که گویا ساخت مساجد بدون سقف مطلوب و مستحب است.

این قبیل احکام براساس روایاتی است که در این زمینه وارد شده از جمله عبدالله بن سنان می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَنَى مَسْجِدَهُ بِالسَّمِيطِ ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَزِيدَ فِيهِ فَقَالَ نَعَمْ، فَأَمَرَ بِهِ فَزِيدَ فِيهِ وَبُنِيَ بِالسَّعِيدَةِ...»^۱

در این روایت امام صادق علیه السلام به تفصیل نحوه بنیان و توسعه مسجد النبی را بازگو می‌کند و اشاره می‌کند: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسجدش را با خشت خام بنا نمود، پس از آن که مسلمانان زیاد شدند به پیامبر پیشنهاد کردند: ای رسول خدا اجازه دهید مسجد را توسعه دهیم. حضرت موافقت فرمود تا این که گرما شدت گرفت سپس پیشنهاد کردند: ای رسول خدا اجازه دهید برای مسجد سایبانی ایجاد نمائیم. حضرت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر به ساختن سایبان نمودند و شاخه‌های درخت خرما را بر دیوارهای مسجد قرار دادند سپس خار و خاشاک بر آن ریختند و بدین ترتیب سایبانی درست نمودند پس از مدتی که در آن شکل سپری کردند و هنگام بارش باران افراد خیس می‌شدند، تصمیم گرفتند از سایبانی استفاده

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۵؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۲؛ بحار الأنوار،

نمایند تا آنها را از سرما و گرما و باران حفظ نماید. به همین خاطر گفتند: ای رسول خدا اجازه دهید برای مسجد با خاک و گل سقفی بسازیم حضرت رسول ﷺ موافقت نکرده، فرمودند: سایبانی نیست مگر سایبانی مانند سایبان موسی ﷺ. پس مسجد پیامبر ﷺ همین گونه بود تا حضرت وفات یافت. و در روایتی دیگر در صحیححه حلبی نقل شده است که می‌گوید:

«سئل ابا عبد الله ﷺ عن المساجد المظلة اتركه الصلاة فيها؟
فقال: نعم، ولكن لا يضرکم اليوم ولو قد كان العدل لرايتم كيف
يصنع في ذلك»^۱.

«از امام صادق ﷺ درباره مساجدی که دارای سقف است، سؤال شد که آیا نماز در آن مکروه است؟ امام ﷺ فرمودند: بلی، ولی این امر امروزه ضرری برای شما ندارد. اگر عدل برپا بود (اشاره به قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و مبسوط الید بودن خود امام ﷺ) می‌دیدید که در این زمینه چگونه عمل می‌شد...».

مستحب است مسجد دارای سقف نباشد، بلکه سایبان قرار دادن بر آن به غیر بوریا مکروه است، مگر به سبب ضرورت و یا مرجحات دیگری که با وجود آنها، بنا بر اقرب این کراهت از بین می‌رود.^۲

۱. مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۷۰۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵، بکره القیام فیها؟ قال نعم ولكن لا تضرکم الصلاة فیها.

۲. رساله توضیح المسائل مراجع، آیت الله بهجت، م ۷۵۰، ص ۱۴۹.

۵ - قرارداد دستشویی در مساجد

یکی دیگر از مستحباتی که در بنای مسجد باید مورد توجه قرار بگیرد قرار دادن دستشویی و وضوخانه برای مسجد است این عمل مستحب در رعایت بهداشت بسیار مؤثر است. معنای مصطلح و عرفی دستشویی مراد است که اعم از آبریزگاه و جای وضو گرفتن را شامل می‌شود. مستحب است دستشویی را در مدخل ورودی مسجد قرار دهند نه در وسط آن.^۱ گویا این مسئله بخاطر مصلحت مسجدیان می‌باشد.

بناء مسجد به دو نحو قابل اجراست:

- ۱ - ابتداء تمام بناهای مورد نیاز و امکانات مسجد را در زمینی بناکنند و پس از اتمام، صیغه مسجد بودن را بخوانند.
- ۲ - اول صیغه وقف را خوانده و پس از آن مایحتاج را در آن بناکنند. استحباب این که دستشویی را نزدیک به درب مسجد بسازند نه در وسط آن در صورتی است که مسجد به شکل اول بناگردد اما اگر مسجد به شکل دوم ساخته شود و مقصود از دستشویی بیت‌التخلیه باشد، قطعاً بنای آن در وسط مسجد، حرام است نه مکروه اعم از این که موجب ضرر به مسجد باشد یا نه ولی اگر مراد از آن وضوخانه باشد در صورتی که رطوبات واقع در آن سبب اضرار به مسجد باشد حرام و در غیر این صورت مباح است.^۲

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۱؛ بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۳۴۹.

۲ . شرح لمعه، ج ۱، ص ۵۴۱.

حضرت رسول اکرم ﷺ در این مورد فرمود:

«ضَعُوا الْمَطَاهِرَ عَلَى ابْوَابِ الْمَسَاجِدِ»^۱

«دستشویی‌ها را بر درب مساجد قرار دهید».

از این روایت استفاده می‌شود که قرار دادن دستشویی در مسجد مستحب است به گونه‌ای که داخل ساختمان نباشد و قرار دادن دستشویی به عنوان جزئی از ساختمان مسجد مطلوب نیست، اگر چه وقف مسجد شامل آن بشود.^۲

ج: مباحات مسجد

۱ - جواز تبدیل دستشویی به مسجد

مکان دستشویی و مانند آن یعنی جاهایی که قبلاً محل بول و غایط و نظیر این دو بوده است تبدیل به مسجد گردد در صورتی که خاک پاکیزه بر آن ریخته شود تا برگردد و در این صورت نجاست باطنی ضرری ندارد هر چند که تنجیس ظاهری مسجد حرام است^۳ و در صورت تنجیس فوراً باید تطهیر گردد اما نجاست باطنی اشکال ندارد به دلیل روایات متعددی که در این زمینه وارد شده است: مثل آنچه که ابوالجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَكَانِ يَكُونُ حَشَاثًا ثُمَّ يَنْظَفُ وَيَجْعَلُ مَسْجِدًا؟»

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۰.

۲ . جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳ . عروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۴.

قال يطرحُ عليه مِنَ التُّرابِ حَتَّى يُوَارِيَهُ فَهُوَ أَطْهَرُ».^۱

«و از امام سؤال کردم از مکانی که دستشویی بوده سپس پاک کردند و آن را مسجد قرار دادند؟ امام علیه السلام فرمود: هرگاه بر آن خاک بریزند بطوری که برگردد آن پاک می‌گردد».

و نیز روایتی که مسعدة بن صدقة از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

«سُئِلَ أَيَصْلِحُ مَكَانَ الْحَشِّ أَنْ يَتَّخَذَ مَسْجِدًا؟ فَقَالَ: إِذَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ مِنَ التُّرابِ مَا يُوَارِي ذَلِكَ أَوْ يَقَطَعُ رِيحَهُ فَلَا بَأْسَ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ التُّرابَ يَطْهَرُهُ بِهِ مَضَتْ السَّنَةُ».^۲

«از امام سؤال شد: آیا مکانی که دستشویی بوده صلاحیت دارد که برای مسجد انتخاب شود؟ امام علیه السلام فرمود: هرگاه بر آن خاک ریخته شود تا پر شود و بوی آن قطع گردد، اشکالی ندارد و این مطلب بخاطر آن است که خاک پاک کننده نجاست می‌باشد و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن بوده است».

و این روایت را شیخ طوسی از عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و در ادامه آن می‌گوید: ما هم این مطلب را قبول داریم و اگر چاه دستشویی را برای مسجد شدن می‌پذیریم منوط به آن است که جای آن با خاک پر شده

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۴۱؛ و در کتاب وسائل الشیعة آمده: عن المكان يكون خبيثا...، ج ۳، ص ۴۹۰.

۲. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۱۷۰۲.

و بوی آن از بین رفته باشد.

«الارضُ كُلُّهَا مَسْجِدُ الْاِبْرِ غَائِطُ او مَقْبَرَةٌ»^۱.

«تمام زمین‌ها قابلیت مسجد بودن را دارد غیر از چاه دستشویی

یا مقبره».

این روایات بیانگر آن است که نجاست باطنی ضرری ندارد زیرا این موارد از نجس کردن مسجد خارج هستند و ادله حرمت تنجیس مسجد شامل آنها نمی‌شود و تنها مواردی را شامل می‌شود که از ابتدا مسجد بوده سپس نجس گردد. عده‌ای از بزرگان هم قائل به احتیاط شده‌اند و گفته‌اند: یکی از شرایط مکان نمازگزار آن است که مکان نمازگزار نجس نباشد و اگر نجس است بطوری‌تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد ولی جایی که پیشانی را به آن می‌گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد^۲ این نظر با این مطلب منافات ندارد. زیرا آنچه را این بزرگان فرموده‌اند مربوط به نجاستی است که در ارتباط مستقیم با بدن و جای سجده نمازگزار باشد.

۲ - جواز تبدیل کلیساها و معابد متروکه به مسجد

هرگاه کلیساها و معابد یهودیان خراب شود، اگر استفاده کنندگان آن اهل ذمه

۱ . بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۲۹۲ .

۲ . رساله توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه، م ۸۸۵؛ رساله توضیح المسائل آیت الله اراکی رحمته الله علیه، م ۸۷۹، ص ۱۶۳ .

باشند جایز نیست به آن‌ها تعرض شود^۱ اگرچه اهل آن به بازسازی اش اقدام نکرده باشند بلکه حتی اگر فعلاً اراده ساختن آن را نیز نداشته باشند و امیدی به تجدید بنای آن نیز در حال و آینده نباشد، در همه این احوال، تصرف آن معابد و زمین آنها جایز نیست به خاطر اطلاق ادله که اموال اهل ذمه محترم بوده و حقوق آنها باید حفظ گردد.^۲

اما اگر کلیساها و معابد در مناطقی واقع شده است که مسیحیان یا یهودیانی آنجا در حال جنگ با اسلام باشند و یا اهل ذمه‌ای باشند که تمام آنها از آن سرزمین کوچ کرده‌اند در این دو صورت مسلمین حق تصرف برای ساختن مساجد در آن معابد که تخریب گشته را دارند.^۳

به فتوا و استفتائی که در این مورد مطرح شده توجه فرمایید:

«تعرض به معابد یهودیان و مسیحیان که در ذمه اسلام هستند و آن معابد هم در دست خود آنهاست جایز نیست و آن اماکن مثل مساجد محترم است و جایز نیست خراب کردن آنها مگر با شرایطی که در مساجد هم جاری است».^۴

«... جائز است کلیسا را مسجد نمود و با احتمال آن که بناء و عمله، مسلم بوده‌اند و تجس نشده اشکال ندارد، و با فرض

۱. مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۴۰۶.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله بهجت، ص ۱۵۰، م ۷۵۳.

علم به نجاست، در صورت تمکن، ظاهر آن را تطهیر کنند، کافی است»^۱.

۳ - وقف بر مساجد

آیا می‌توان ملکی یا وسیله‌ای که برای مسجدی وقف نمود تا منافعش صرف همان مسجد گردد. با توجه به آن که این ملک یا وسیله به‌طور مستقیم در آن مسجد کاربردی ندارد. مثلاً فردی، کامیونی را خریده تا منافعش صرف گردد. قبل از اثبات جواز وقف بر مسجد باید به این نکته توجه داشت که نخست مسجد بودن موقوفه باید احراز شود و برای اثبات آن باید بینیم که آیا در تحقق مسجدیت، صیغه وقف و مانند آن معتبر است یا آن که تنها قصد بانی کفایت می‌کند و نیازی به لفظ ندارد؟ در این مورد برخی معتقدند: در تحقق مسجدیت، صیغه وقف معتبر است اگر چه بگوید: جعلتہ مسجداً... و به نماز در آن اذن دهد اگر چه یک نفر باشد و ولایت عامه آن را به حاکم بسپارد. اما عده‌ای دیگر معتقدند که مجرد قصد برای مسجد بودن کفایت می‌کند و نیازی به بیان لفظ ندارد.^۲

۱. مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی رحمته، س ۱۰۹، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

۲. آیت الله اراکی رحمته و هم چنین اگر بدون صیغه، چیزی به صورت معاطات وقف کند، وقف صحیح است و بنا بر احتیاط واجب قبول هم لازم است و در وقف عام حاکم شرع قبول نمایند. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۶۰ و آیت الله خویی رحمته و تبریزی رحمته بلکه وقف به عمل نیز محقق می‌شود... و هم چنین آیت الله فاضل هم همین نظر را دارد ص ۵۶۱، توضیح المسائل مراجع.

اینک به بررسی موضوع می‌پردازیم: در این مورد بین علما اختلاف است و هر گروه دلایلی را برای اثبات نظر خود آورده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

دیدگاه عدم جواز وقف بر مساجد

کسانی که وقف بر مسجد را جایز نمی‌دانند یکی از دلیل‌های خود را این روایت ذکر می‌کنند: **أبی الضحاک** از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

«قلتُ له: رجل اشتری داراً فبناها عرصة فبناها بیت غلة ایوقفه علی المسجد؟ قال: انّ المجوس و قفوا علی بیت النار»^۱.

«به ایشان عرض کردم: فردی خانه‌ای خریده و بنایی در آن ایجاد کرده است عرصه‌ای از آن باقی مانده که جایی برای غله از آن ساخته است. آیا می‌تواند آن را وقف مسجد کند؟ امام علیه السلام فرمود: همانا مجوس بر آتشکده‌های خود وقف می‌کردند».

شیخ صدوق علیه السلام براساس این روایت قائل به عدم جواز است و با توجه به ظاهر فعل منفی (لایجوز) و سرزنش و ملامتی که از تشبیه به عمل مجوس فهمیده می‌شود فرموده جایز نیست زیرا مجوس چنین می‌کنند. شهید در کتاب

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۱؛ در حدیث عن ابی الصحراری آمده و در حاشیه فی المصدر: ابی الضحاک. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۶-۷.

فصل دَوّم: احکام مسجد ۷۱

ذکری قائل به جواز وقف بر مساجد است و ضمن اشاره به این روایت دیدگاه برخی از بزرگان را مبنی بر توجیه این روایت ذکر کرده و آن را حمل بر آن جا که عمل حرامی در کار باشد از قبیل طلاکاری و تزیین به صور حرام نموده است. مرحوم مولی محمد تقی مجلسی که احتمال داده که اینجا حدیث دلیل بر جواز است و گفته‌اند: مجوس‌ها بر آتشکده‌های خود وقف می‌کنند شما هم مجاز هستیید بر عبادتگاه خویش وقف کنید. ولی متن روایت ظهور در منع دارد.^۱ دلیل دیگر بر عدم جواز وقف بر مسجد، روایتی است که محمد بن علی بن حسین از امام صادق علیه السلام نقل نموده است:

«قال سئل الصادق علیه السلام عن الوقوف علی المساجد فقال: لایجوز

فان المجوس و قفوا علی بیوت النار».^۲

«از امام صادق علیه السلام درباره وقف بر مسجد سؤال شد امام علیه السلام فرمود: جایز نیست زیرا مجوس بر آتشکده‌هایشان وقف می‌کردند».

طرفداران عدم جواز، به ظاهر این روایت توجّه کرده و به اثبات آن پرداخته‌اند. برخی هم احتمال داده‌اند که وقف بر مسجد از آن جهت جایز نیست که مسجد مالک نمی‌شود پس وقف بر مسجد همان وقف بر مسلمین خواهد بود که در نتیجه منافع موقوفه، می‌تواند به مساجدشان برگردد.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۱.

دیدگاه جواز وقف بر مساجد

بعد از ذکر دلایل عدم جواز وقف بر مسجد و جوابی‌هایی که مخالفان بیان کردند حال به بیان دلیل جواز وقف بر مسجد می‌پردازیم. آنان به این روایت استناد کرده‌اند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«لیس یتبع الرّجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال:

صدقة اجراها فی حیاته فهی تجری بعد موته و سنة هدی سنها
فهی یعمل بها بعد موته و ولد صالح یتغفر له».^۱

«آدمی را بعد از مرگ اجر و مزدی نمی‌رسد مگر از سه خصلت:

صدقه جاریه‌ای که شخص در زمان حیاتش برای خداوند انجام داده است که پس از مرگش سودش برای او جریان خواهد داشت. سنت و روش پسندیده‌ای که شخص آن را بنا نهد و پس از مرگش نیز بدان عمل شود و فرزند صالحی که برای او استغفار می‌کند».

همان‌طور که اگر فردی مسجد بنا کند، این مسجد برای بانی‌اش از مصادیق

«باقیات صالحات» و «صدقه جاریه» است که پس از مرگ نیز وی را نفع می‌بخشد، وقف نمودن بر مسجد نیز از مصادیق صدقه جاریه است. وقف نمودن املاک، باغ‌ها، زمین‌های مزروعی و مانند آن بر مسجد باعث می‌شود تمامی و یا بخشی از هزینه‌ها و مخارج مسجد تأمین شود و مسجد رونق

۱ . الکافی، ج ۷، ص ۵۶؛ الخصال، ص ۱۵۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۷۴.

فصل دوّم: احکام مسجد ۷۳

گیرد و آباد گردد. از همین روی صاحب جواهر^۱ وقف بر مسجد را مقدّمه عمارت و آباد نگه داشتن مسجد دانسته است: ^۱ بعلاوه که از اطلاق ادله مشروعیت وقف هم می توان مباح بودن آن را در همه جا از جمله «وقف بر مسجد» برای عمران و آبادی و رونق خانه خدا به دست آورد.

به هر حال دیدگاه موافق امام خمینی^۲ از این فتواها آشکار است:

«اگر چیزی را بر مسجد وقف کنند و مصرفی برای آن مشخص نکرده باشند، منافع آن در تعمیر، نور، فرش و اجرت خادم مصرف می شود و اگر چیزی اضافه آمد به امام جماعت مسجد داده می شود».^۲

س - زمینی است وقف مسجد که متصل به آن است، آیا با نظر متولی شرعی می توانیم مقداری از زمین موقوفه را به همان مسجد اضافه و جزو آن قرار دهیم؟

ج - اگر وقف مسجد است که باید عوائد آن صرف مسجد شود، اضافه کردن آن به مسجد جایز نیست.^۳

۱ . جواهرالکلام، ج ۲۸ ؛ کتاب الوقوف والصدقات، ص ۳۰ .

۲ . تحریرالوسیله، ج ۲ ، کتاب وقف، م ۵۶ ، ص ۷۴ .

۳ . همان، ص ۳۵۹ .

۴ - تغییر مسجد به جهت ضرورت

موارد دیگری که از احکام می‌تواند به نفس مسجد مرتبط باشد و جواز یا مباح بودن از آن استفاده می‌شود این مورد است. البته باید توجه داشت که حکم به جواز در صورت ضرورت برای تبدیل مسجد به خیابان یا عنوانی دیگر جزو احکام اولیه خود مسجد محسوب نمی‌شود و مباح بودن آن صرفاً از باب ضرورت است و لذا حکم ثانوی است به هر حال توجه خوانندگان گرامی را به استفتایی که از مقام معظم رهبری شده است و این پاسخ را داده‌اند جلب می‌کنیم:

س: زمینی که جزء قسمت سرپوشیده بوده، و چون در طرح عمرانی شهرداری واقع است اکنون به خیابان تبدیل گشته و قسمتی از آن از باب اضطرار تخریب شده است، حکمش چیست؟

ج: اگر احتمال برگرداندن آن به حالت اول، یعنی مسجد بودن، بعید باشد در این صورت، ترتب آثار شرعی مسجد بر آن زمین معلوم نیست.

۵ - گنجکاری مسجد با گنج‌یافته شده با مواد نجس جایز است

این مورد در روایات و کتب فقهی پیشینیان به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است. اما از آن جهت که در حال حاضر در ساخت مساجد از مصالح موجود در بازار مسلمین استفاده می‌شود نیازی به این بحث‌ها نیست.

د: مکروهات مسجد

۱ - بلند ساختن دیوار مساجد

بلند ساختن دیوارهای مساجد کراهت دارد^۱ همانطور که جماعتی از فقهاء آن را ذکر کرده‌اند بلکه دیوار آنها باید در حدّ متوسط ساخته شود و مرجع آن عرف است.^۲

کراهت بلند ساختن دیوارهای مساجد را گرچه جمعی از بزرگان از جمله امام خمینی و صاحب عروة متذکر شده‌اند اما به نظر می‌رسد این حکم بیشتر ناظر به زمان خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص مسجد النبی صادر شده باشد زیرا، به عنوان مثال مسجد الحرام در همان زمان از مسجدهایی است که دیوارهای بلندی داشته و در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام ساخته شده است در مرکز این مسجد کعبه قرار دارد که ساختمانی است مکعب شکل و ساده با ابعاد هفت در نه متر و ارتفاع حدود ده متر می‌باشد.^۳ و علاوه بر این دیوارهای مساجد کوفه و قدس و ... مرتفع بوده است و این دو مسجد بعدها نیز در زمان امامان معصوم علیهم السلام این چنین بوده است و روش معمول در اغلب مساجد شهرها نیز همین گونه است. بلکه به نظر می‌رسد که فروتر بودن مساجد از خانه‌های مردم چندان مناسب نباشد و بهتر است که ساختمان مساجد از ساختمان‌های اطراف بلندتر باشد

۱. العروة الوثقی مع تعالیق امام خمینی، ص ۳۲۱؛ حاشیه الارشاد، ج ۱، ص ۱۲۹؛ تبصره المستعلمین،

ج ۱، ص ۴۱؛ النهایه، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. المبسوط، ج ۱، ص ۱۶۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۲۷۸؛ الروضه البهیة، ج ۱، ص ۶۴.

۳. معماری مساجد جهان، ص ۲۰.

یا طبقه‌های فوقانی ساختمان‌ها را برای مساجد اختصاص دهند برای مسجد پرچم بلندی قرار دهند تا سبب شکوه مسجد را گردد.^۱

۲ - سافت محراب در مساجد

ابتدا به تعریف واژه «محراب» پرداخته و سپس دلیل کراهت ساختن محراب برای مساجد را بیان می‌نمائیم.

برای کلمه محراب وجوه مختلفی ذکر شده است:

□ کلمه «محراب» به معنای جائی است که مخصوص عبادت باشد، خواه در مسجد باشد و خواه در خانه.

□ «محراب مسجد» را از آن جهت محراب خوانده‌اند که آن جا محل حرب و ستیز با دشمن و با هوای نفس است.

□ برخی گفته‌اند: بدین جهت آن جایگاه را محراب خوانده‌اند که جا دارد آدمی در آنجا حریب یعنی بریده از کارهای دنیا و پراکندگی خاطر باشد.

□ برخی هم عقیده دارند در اصل این کلمه محراب خانه بوده که به معنای صدر مجلس و بالای خانه است و سپس آن را در مسجد به کار بردند، صدر مسجد را هم محراب مسجد خواندند.^۲

□ به عقیده برخی در اصل لغت، کلمه «محراب» برای محل عبادت در

۱ . الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲ ، ص ۴۵۳ .

۲ . المتجد، ماده حرب، ص ۱۲۴ - ۱۲۵ .

مسجد نامگذاری شده و این نام مخصوص صدر مجلس در مسجد است و در صدر سایر مجالس هم بکار رفته است. جایی را هم که شبیه به محراب مسجد است محراب خوانده‌اند.

□ بعضی هم گفته‌اند: کلمه محراب به معنای محلی است در معبد که اهل کتاب آن را مذبح می‌گویند و آن محل عبارت است از اطاق کوچکی که در جلو، در معبد ساخته شده و بانردبانی دارای چند پله به آن وارد می‌شوند و کسی که در آن اطاق کوچک باشد از مردمی که در معبد وجود دارند پنهان است. اطاق‌های کوچک هم که در اسلام رسم شده از مقصوره کلیساهای مسیحیان تقلید شده است.^۱

□ در قرآن به معنای معبد به کار رفته است:

«یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل»^۲.

«برای او هرچه می‌خواست از معبدها و تماثال‌ها درست

می‌کردند».

چرا ساختن محراب در مساجد مکروه است؟

۱- بعضی معتقدند این که ساختن محراب در مساجد کراهت دارد محرابی است که قبلاً توضیح داده شد و مقصود از آن اطاق کوچکی بوده در جلوی مسجد برای حفظ جان خلفای جور ساخته شده بود. روایتی را زراره از

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.

۲. سبأ: ۱۲.

امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که موید این معنا است:

«اذا صلى قوم و بينهم و بين الامام سترة او جدار فليس تلك لهم
بصلاة الا من كان حياء الباب قال: و قال عليه السلام: هذه المقاصير انما
احدثها الجبارون و ليس لمن يصلى خلفها مقتدياً بصلاة من فيها
صلاة»^۱.

«اگر در نماز جماعت میان امام و مأمورین پوشش و یا دیواری
وجود داشته باشد، این نماز برای مأمومین نماز نیست، مگر برای
کسی که مقابل در قرار گرفته باشد. در ادامه راوی می‌گوید
امام علیه السلام فرمود: این اطاقک‌ها را خلفای ستم پیشه بنا نموده‌اند
و نماز کسانی که به امامت امامی که در آن قرار گرفته اقتدا
می‌کنند، صحیح نیست».

بنابراین ممکن است منظور از کراهت ساختن محاریب در مساجد همین
مقصودها باشد.^۲

۲- بعضی معتقدند منظور از کراهت ساختن محراب همان محراب داخلی
در دیوار مساجد می‌باشد^۳ و به بعضی روایات استناد کرده‌اند که اشاره می‌گردد.
طلحه بن زیاد از امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ب ۵۸ از ابواب صلاة الجماعة، ص ۴۶۰.

۲. المساجد و احکامها، ص ۱۵۰.

۳. المبسوط، ج ۱، ص ۱۶۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۲۷۹.

حضرت علی علیه السلام نقل فرموده است:

«أَنَّ عَلِيًّا كَانَ يَكْسِرُ الْمُحَارِبَ إِذَا رَآهَا فِي الْمَسَاجِدِ
وَيَقُولُ علیه السلام كَأَنَّهَا مَذَابِحُ الْيَهُودِ».^۱

«امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که در مساجد به محرابی برخورد
می نمودند. آن را شکسته و می فرمودند: اینها شبیه به مذابح
یهود است».

شهید در ذکری از قول بعضی نقل کرده است: روایت ذکر شده صراحت
در محراب‌های درون دیوار ندارد و ظاهرش آن است که محراب‌های درون
مساجد را شامل می شود زیرا در روایت «یکسر» ذکر شده که به معنای «شکستن»
می باشد که برای محراب‌های داخلی در مسجد بیشتر از محراب‌های داخل در
دیوار صدق می نماید.^۲

به هرحال در کتاب العروة الوثقی یکی از مکروهات ساخت مسجد را قرار
دادن محراب داخلی برای آن ذکر می کند بدون آن که توضیحی ارائه نماید
و امام خمینی رحمته الله نیز بدون آن که تعلیقه در این مورد داشته باشند گویا کراهت
مزبور را پذیرفته اند و از کنار این مطلب گذشته اند.^۳

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۷ و...

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۸.

۳. العروة الوثقی مع تعالین امام خمینی، فصل فی بعض احکام المسجد، ص ۳۲۱.

۳ - مرتفع ساختن مناره‌های مساجد

یکی دیگر از مکروهات در ساخت مسجد آن است که مناره‌ها را بلندتر از سطح مسجد بسازند^۱ و هم چنین مکروه است که مناره‌ها را در وسط مسجد بسازند و بهتر است در کنار دیوار مسجد یا خارج از مسجد ساخته شود.^۲ چند علت برای این کراهت است که:

۱ - هنگامی که مؤذن بالای مناره قرار می‌گیرد تا اذان بگوید بر اسرار مردم اطلاع پیدا می‌نماید چون او در مکانی بالاتر از خانه‌های اطراف قرار گرفته است.^۳

۲ - ساختن مناره‌های طولانی بدعت می‌باشد و از زمان عمر تأسیس و بوجود آمده است.

۳ - در روایات از بنای بلندتر از هفت تا هشت ذراع نهی شده است و در علت آن گفته شده است:

«بلندتر از این ارتفاع جایگاه جن و شیاطین می‌باشد».^۴

علاوه بر عللی که بیان گردید فقهاء به روایاتی در این مورد ذکر شده است استناد کرده‌اند در اینجا ذکر سه روایت می‌پردازیم.

۱ . همان.

۲ . المبسوط، ج ۱، ص ۱۶۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۲۷۹.

۳ . جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۷۹؛ الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۵۴.

۴ . جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۰.

روایت اول: سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می‌کند:

«انّ علیاً علیه السلام مرّ علی منارة طویلة، فأمر علیه السلام بهدمها، ثمّ قال:
لا ترفع المنارة الا مع سطح المسجد».^۱

«حضرت علی علیه السلام به مناره‌ای بلند برخورد کرد، فرمان داد تا آن را خراب کنند، آنگاه فرمودند: مناره را بایستی هم سطح با پشت بام مسجد ساخت.»

روایت دوم: ابی‌هاشم جعفری از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امام علیه السلام فرمود:

«اذا خرج القائم علیه السلام أمر بهدم المنار والمقاصير التي
فی المسجد...».^۲

«هرگاه حضرت قائم علیه السلام ظهور نمایند امر به خراب کردن مناره‌ها و محراب‌ها در مسجد می‌نمایند.»

روایت سوم: علی بن جعفر می‌گوید:

«سألت أبا الحسن علیه السلام عن الأذان فی المنارة أسنه هو؟ فقال:
إنّما كان يؤذن للنبي صلی الله علیه و آله فی الارض فلم یکن یومئذ مناره».^۳

۱ . تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۶؛ وسایل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۰.

۲ . وسایل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

«از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم: آیا اذان گفتن در مناره سنت است؟
امام علیه السلام فرمود: برای پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی زمین اذان می گفتند،
در آن ایام مناره‌ای نبود».

برای مکروه بودن ساخت مناره در وسط مسجد دلایلی ذکر شده است
از جمله:

- ۱ - قسمتی از فضای مسجد را می گیرد و باعث تنگی مسجد می شود
در صورتی که اگر مناره خارج از مسجد یا در کنار دیوار ساخته شود از فضای
قابل استفاده در آن مسجد نمی کاهد.
- ۲ - مناره مسجد اگر وسط آن ساخته شود باعث می گردد که حایل و مانعی
بین نمازگزاران ایجاد گردد.^۱

۴ - کنگره دار ساختن دیوار مساجد

یکی دیگر از مکروهات مسجد کنگره دار ساختن دیوار مساجد می باشد^۲
و در روایات امر به صاف و هموار ساختن آن شده است.^۳ در روایات زیادی که
از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام رسیده براین مطلب تأکید شده است.

۱ . جواهرالکلام، ج ۱۴ ، ص ۷۹ .

۲ . العروة الوثقی مع تعالیق الامام خمینی، ص ۳۲۱ ، م ۱۱ ، ص ۳۲۱ ؛ حاشیة الارشاد، ج ۱ ، ص ۱۲۹ ؛
تبصرة المتعلمین، ج ۱ ، ص ۴۱ .

۳ . المبسوط، ج ۱ ، ص ۱۶۰ ؛ السرائر، ج ۱ ، ص ۲۷۸ .

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«ابنوا المساجد و اجعلوها جمّاً»^۱.

«مساجد را در حالی که آنها را صاف و بدون کنگره قرار داده‌اید بسازید».

طلحه بن زیاد از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند:

«أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام رَأَى مَسْجِداً بِالْكُوفَةِ وَقَدْ شَرَفَ، فَقَالَ: كَأَنَّهُ بَيْعَةٌ،
و قَالَ: إِنَّ الْمَسَاجِدَ لَا تَشْرَفُ تَبِنِي جَمّاً»^۲.

«امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه، مسجدی را که دارای کنگره بود مشاهده نمود، فرمود این مسجد مانند معابد یهود و نصاری است. مساجد را بایستی صاف و بدون کنگره ساخت».

در حدیثی طولانی ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمود:
«اذقائم القائم علیه السلام سار الى الكوفة وهدم بها اربعة مساجد ولم يبق
مسجداً على وجه الارض له شرف الاهدمها و يجعلها جمّاً»^۳.
«هنگامی که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام
کند و عازم کوفه گردد و فرمان تخریب چهار مسجد را صادر کند

۱ . المجازات النبوية، ص ۶۲؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۷، ص ۱۴۹ .

۲ . من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۰ .

۳ . وسایل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۴۷ .

مسجدی را در روی زمین که دارای کنگره است را باقی نگذارد
مگر پس از آن که کنگره اش را از بین برده و آن را صاف نموده
باشد».

و در روایت دیگری از ابوبصیر چنین آمده است:

«إذا القائم عليه السلام دخل الكوفة و أمر بهدم المساجد الأربعة حتى
يبلغ أساسها و يصيرها عريشاً كعريش موسى، و يكون
المساجد كلها جمًّا لا شرف لها كما كان على عهد
رسول الله صلى الله عليه وآله».^۱

«هنگامی که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام
نماید وارد کوفه می شود و امر به خرابی مساجد چهارگانه
می نماید تا آنجا که به پایه و بنیان مساجد برسد و آنها را
مانند زمان حضرت موسی عليه السلام می سازد و تمامی مساجد صاف
و هموار بدون کنگره همانند زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله خواهد بود».

۵ - برداشتن سنگریزه از مساجد

خارج کردن سنگریزه از مسجد مورد اختلاف نظر فقهاء است بعضی قائل
به حرمت و برخی قائل به کراهت شده اند و هر یک برای نظر خود دلایلی دارند
که به برخی از آنها اشاره می شود.

۱ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، ص ۱۲۱؛ النبی، ص ۴۷۵.

صاحب جواهر قول نخست را به کتاب‌های شرایع الاسلام، مختصر النافع، الملمعه، حاشیه الارشاد و تبصره نسبت داده است و مستند اینان روایاتی است که امر به برگرداندن سنگریزه‌ها می‌کند. اینان معتقدند: چون سنگریزه جزئی از مسجد است خارج کردن آن حرام می‌باشد به دلیل روایاتی که نقل شده است مانند خبر وهب بن وهب از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام که فرمود:

«إذا أخرج أحدكم الحصة من المسجد فليردها مكانها أو في مسجد آخر فأتها تسبيح»^۱

«هرگاه یکی از شما سنگریزه‌ها را از مسجد خارج کند. باید آن را به جایگاهش برگرداند یا به مسجد دیگری برگرداند زیرا آن (سنگریزه‌ها) خداوند متعال را تسبیح می‌گویند».

تقریب استدلال این است که اگر خارج کردن سنگریزه حرام نبود برگرداندن آن واجب نمی‌گردید.

در توضیح تسبیح سنگریزه‌ها در مسجد گفته شده است:

چون سنگریزه‌ها جزئی از مسجداند که محل عبادت خداوند سبحان است تسبیح مسجد و اجزایش در این صورت کنایه از آن است که خداوند متعال را از چیزهایی که شایسته او نیست منزّه و پاک می‌دانند و ممکن است که تسبیح در این جا معنای واقعی کلمه باشد زیرا به حسب روایات احیاناً سنگریزه‌ها هم تسبیح می‌کنند همانطور که در دست پیامبر صلی الله علیه و آله تسبیح نمودند و یا منظور تسبیح

مطلق باشد که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»^۱

«هیچ چیزی وجود ندارد مگر این که خداوند متعال را تسبیح

نماید».

نتیجه آن که چون به حسب ظاهر سنگریزه شی کم اهمیتی است که خروجش اشکالی ندارد، زیرا برای هر چیزی تسبیحی است و خارج کردن آن، خالی کردن مسجد از تسبیح‌کنندگان است که سزاوار نیست زیرا خداوند متعال فرموده:

«وَمَنْ أَظْلَمَ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ»^۲

«کیست ستمکارتر از آن که مردم را از ذکر خداوند در مساجد باز

می‌دارد».

برخی احتمال داده‌اند که «تسبیح» با فتحه خوانده شود یعنی سنگریزه از نجاسات و سایر چیزهایی که شایسته مسجد نیست باید بدور باشد که کنایه از جزئیت آن می‌باشد.^۳

و در تأیید نظر قائلان به حرمت اخراج سنگریزه از مسجد می‌توان به روایت شحام از امام صادق علیه السلام اشاره کرد که چنین آمده است:

۱. اسرا: ۴۴ .

۲. بقره: ۱۱۴ .

۳. بحار الأنوار، ج ۸۴، ب ۳۰، ص ۷-۸ .

«أخرج من المسجد حصاة قال: فردها و اطرحها
في المسجد».^۱

در مورد خارج کردن سنگریزه از مسجد از امام سؤال کردم امام علیه السلام فرمود:
«باید آن را برگردانی و آن را در مسجد قرار دهی».

هم چنین روایت محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام که فرمود:
«لا ينبغي لأحد أن يأخذ من تربة ما حول الكعبة و أن يأخذ من
ذلك شيئاً ردّه».^۲

«سزاوار نیست که هیچ یک از شما خاک اطراف کعبه را برگیرد
و اگر از آن چیزی را بگیرد باید آن را برگرداند».

و به خبر معاویه از امام صادق علیه السلام که از امام سؤال کرد:

«أخذت سكاً من سك المقام و تراباً من تراب البيت و سيع
حصيات؟ فقال: بئس ما صنعت اما التراب و الحصى فرّده».^۳

از امام علیه السلام در مورد برداشتن میخی از میخ های مقام و مقداری خاک از
خاک های خانه و هفت سنگریزه سؤال کردم؟ حضرت فرمود:

«کار ناپسندی را انجام داده ای اما در مورد خاک و سنگریزه
پس باید آن را برگردانی».

۱ . من لایحضره الفقیه، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .

۲ . الکافی، ج ۴ ، ص ۲۲۹ .

۳ . همان؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .

هم چنین صاحب جواهر قائلان به کراهت اخراج سنگریزه از مسجد را، صاحبان کتاب‌های جامع المقاصد، تذکره، تحریر، ذکری، دروس ذکر می‌کند.^۱ اینان در پاسخ به استدلال‌های فوق گویند:

در دلایلی که ذکر شده تصریح به تحریم نشده است و در یکی از دلایلی که آورده شده «فَأَنهٗا تُسَبِّحُ» می‌باشد که ظهور در کراهت دارد و در روایت دیگری «لَا يَنْبَغِي» است که دلالت بر برگرداندن آن به «مسجد» می‌کند، اما نه خود همان مسجدی که سنگریزه از آن برداشته شده است و اگر اخراج سنگریزه حرام بود چون مسجد وقف است برگرداندن آن به همان مسجد واجب بود زیرا جایز نیست وسایل مسجدی را بدون ضرورت در مسجد دیگری استفاده نمایند. قائلین به حرمت برای جواب به این استدلال به روایت برقی از امام علیه السلام استناد جسته‌اند که فرموده است:

«أَمَّا جَعْلُ الْحَصَى فِي الْمَسْجِدِ لِلنَّخَامَةِ».^۲

«سنگریزه در مسجد برای پوشاندن نخامه (آب دهان و بینی)

قرار داده شده است».

پس فرقی نمی‌کند که به همان مسجد برگردانده شود یا به مسجد دیگر. در جمع بین این دو دیدگاه می‌توان گفت: در مساجدی که سنگریزه به عنوان جزئی از مسجد تلقی می‌شود مثل سنگریزه‌هایی که در زمان‌های قبل برای کف مسجد الحرام بکار برده بودند طبیعتاً اینجا خروج آن جایز نیست

۱. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۵.

۲. همان.

چون جزئی از مسجد محسوب می شود اما در سایر مساجدی که سنگریزه‌ای روی فرش افتاده و کاربرد ویژه‌ای ندارد اخراجش هم مانعی ندارد. امام خمینی قائل به احتیاط واجب در عدم اخراج سنگریزه از مساجد می باشند.^۱

اگر سنگریزه جزء زباله باشد اخراجش جایز بلکه مستحب می باشد بخاطر روایاتی که قبلاً ذکر شد.

اگر سنگریزه مشتبه شود که جزء مسجد است یا زباله و عرف، حکمی به یکی از آن دو ننماید اصل جواز اخراجش می باشد.^۲

۶ - ساقط مسجد در کنار قبور

مسجد ساختن در کنار قبور پیامبر ﷺ و امامان معصومین و صالحین در صورتی که محظوری (نیش قبر یا هتک قبور مسلمین) نباشد از نظر شیعه جایز می باشد. اما برخی آن را مکروه دانسته و استناد به احادیثی می نمایند که به بعضی از آنها اشاره می گردد.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَهَى أَنْ يُصَلَّى عَلَى قَبْرِهِ أَوْ يَقْعَدَ عَلَيْهِ أَوْ يَبْنِي عَلَيْهِ».^۳

۱ . العروة الوثقى مع تعالیک الامام خمینی، ص ۳۲۰، م ۱ .

۲ . جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۵ .

۳ . وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۶۲۲ .

«رسول خدا ﷺ از این که بر قبرش نماز خوانده شود یا بر آن بنشینند یا بر آن ساختمانی ساخته شود نهی کرده است».

عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: الأرض كلها مسجد إلا بئر غائط أو مقبره».^۱

از امام صادق علیه السلام شنیدم که ایشان فرمود:

«تمامی زمین مسجد است بجز چاه دستشویی یا مقبره».

البته دلالت این چندان روشن نیست زیرا معلوم نیست مراد از مسجد به معنای مصدری به کار رفته یا به معنای اصطلاحی آن که محل عبادت است.

و نیز در روایت دیگر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

«لا تتخذوا قبوری قبلة ولا مسجداً فان الله لعن اليهود حیث اتخذوا قبور انبیائهم مساجد».^۲

«قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید زیرا خداوند یهود را لعنت کرده

بخاطر این که قبور انبیایشان را مسجد قرار داده‌اند».

از مجموع احادیث وارده استفاده می‌شود که مراد از مسجد قرار دادن

قبور آن است که قبرها قبله قرار داده شود و مسجد قرار گیرد چنانکه رسم یهود

و نصاری بوده است و در حدیث اخری نیز بدان اشاره شد و این غیر آن است

۱. همان، ص ۴۶۱.

۲. همان، ح ۳۴۹۷.

که در کنار قبری مسجد بنا شود تا خدای یکتای بی همتا پرستش شود. به هر حال دلیل روشن بر جواز مسجد ساختن در جوار مشاهد، خود مسجد النبی ﷺ در مدینه منوره است که مرقد مطهر رسول اکرم در ضلع شرقی آن بوده و بعد از توسعه مسجد در وسط قرار گرفت و علمای بزرگ آن را حرام نشمردند.^۱

نماز خواندن بین قبور و مقابل آنها مکروه است اما در صورتی که بین نمازگزار و قبر حایلی قرار گیرد کراهت از بین می رود خواه حایل با قرار دادن عصایی باشد یا فاصله قرار دادن ده ذراع بین نمازگزار و قبور باشد البته پشت سر قبور امامان علیهم السلام و در طرف راست و چپ آن نماز خواندن اشکال ندارد، اگرچه بهتر است بالای سر بطوری که مساوی مرقد امام ﷺ نباشد (مختصری عقب تر بایستد) نماز بخواند.^۲

روایاتی هم در این مورد وارد شده از جمله: معمر بن خلاد از امام رضا علیه السلام روایت می کند که ایشان فرمود:

«لأبأس بالصلاة بين المقابر ما لم يتخذ القبر قبلة».^۳

«نماز خواندن بین قبرها اشکالی ندارد مادامی که قبر قبله واقع نگردد».

و در روایتی دیگر عمّار از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

۱ . شوق دیدار، ص ۲۹۷ .

۲ . تحریر الوسیله، ج ۱، مقدمه ۴، م ۲۰، ص ۱۳۸ - ۱۳۹؛ الروضة البهیة، ج ۱، ص ۶۶ .

۳ . وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۵۹، ح ۶۲۱۴؛ معتبر، ج ۲، ص ۱۱۵ .

«سألته عن الرجل يصلّي بين القبور؟ قال: لا يجوز ذلك إلا أن يجعل بينه وبين القبور إذا صلّى عشرة أذرع من بين يديه و عشرة أذرع عن يمينه و عشرة أذرع عن يساره ثمّ يصلّي ان شاء»^۱.

راوی می‌گوید:

«درباره مردی که بین قبرها نماز می‌خواند سؤال کردم؟ امام علیه السلام فرمود: این عمل جایز نیست مگر این‌که بین او و قبرها ده ذراع فاصله باشد ده ذراع مقابلش، ده ذراع پشت سرش، ده ذراع از سمت راست و ده ذراع از سمت چپش در این صورت اگر بخواهد نماز بخواند می‌تواند».

و علاوه بر دلایلی که ذکر شد دلیل دیگری نیز برای جواز مسجد ساختن در کنار قبور وجود دارد و آن آیه ۲۱ سوره کهف می‌باشد.
خداوند متعال می‌فرماید:

«قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»

«کسانی که از رازشان آگاهی یافتند گفتند: ما مسجدی در کنار مدفن آنها می‌سازیم».

مسجد در فرهنگ قرآن، عبادتگاهی برای ذکر خداست. قرآن این تعبیر را درباره اصحاب کهف بکار برده و متصدی ساختن مسجد در کنار مدفن آنها را

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۵۹، ح ۶۲۱۶.

برخی از موحدان معرفی می‌کند. در حالی که بتکده و سایر معابد را مسجد نخوانده است، همچنان که در سوره حج، مسجد را در مقابل صومعه، بیع و صلوات قرار داده و فرموده است:

«مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ»^۱.

«مساجدی که در آن نام خدا برده می‌شود».

این بیانگر آن است که مسجد پایگاه موحدان است و عبادت در مسجد غیر از آن عبادتی است که در سایر معابد انجام می‌شود.^۲

اصولاً ساختن این‌گونه بناهای یادبود که خاطره افراد برجسته و با شخصیت رازنده نگه می‌دارد همیشه در میان مردم جهان بوده و هست و یک نوع قدردانی از گذشتگان و تشویق برای آیندگان است. اسلام نه تنها از این کار نهی نکرده است بلکه آن را مجاز شمرده است. وجود این‌گونه بناها یک سند تاریخی بر وجود این شخصیت‌ها و برنامه تاریخی آنهاست به همین دلیل پیامبران و شخصیت‌هایی که قبر آنها متروک مانده تاریخ آنها نیز مورد تردید و استفهام قرار گرفته است. این نیز واضح است که این‌گونه بناها کمترین منافاتی با مسئله توحید و اختصاص پرستش به «الله» ندارد، زیرا «احترام» مطلبی است و «عبادت» و پرستش، مطلبی دیگر.^۳

۱. حج: ۴۰.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۶۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۸۸.

مطلبی که در اینجا ذکرش ضروری به نظر می‌رسد این است که: ساختن مسجد در قبرستان که زمین آن وقف قبرستان است جایز نیست و نبش قبور مسلمین حرام است و به مجرد ساخت مسجد نمی‌شود ولی نماز خواندن در آن منعی ندارد.^۱

۷ - تزیین مسجد به تصاویر آدمی و میوان

تزیین مساجد به صور اشیای بی‌جان از قبیل درختان به‌نظر برخی اشکالی ندارد. آنچه مورد اختلاف واقع شده تصویر انسان و حیوانات و سایر موجودات دارای روح است به نظر امام خمینی.

«بنابر احتیاط واجب مسجد را به طلا نباید زینت نمایند و هم چنین نباید صورت چیزهایی مثل انسان و حیوان که روح دارد در مسجد نقش کنند و نقاشی چیزهایی که روح ندارد مثل گل و بوته مکروه است».^۲

نماز خواندن در چند جا مکروه است و از آن جمله است... روبروی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد مگر آن که روی آن پرده بکشند... در جایی که عکس باشد اگرچه روبروی نمازگزار نباشد، مکروه است.^۳

۱. مجمع المسائل، آیت‌الله گلپایگانی رحمته، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۲۷، م ۹۰۸.

۳. رساله توضیح المسائل، امام خمینی رحمته، م ۸۹۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۲۲.

روایاتی در این مورد از امامان معصوم علیهم السلام رسیده است. عمرو بن جمیع روایت می‌کند:

«سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الصلاة في المساجد المصوّرة فقال:
أكره ذلك ولكن لا يضرکم ذلك اليوم ولو قد قام العدل لرايتم
كيف يصنع في ذلك».^۱

در مورد مساجدی که دارای نقاشی و تصویر است سؤال نمودم.
امام عليه السلام فرمود:

«من این کار را خوش نمی‌دارم ولی این امر امروزه به شما
ضرری نمی‌زند، اگر عدل برپا بود می‌دیدید که در این زمینه
چگونه عمل می‌کرد؟».

هـ: محرمات مسجد

۱ - فروش مسجد یا تغییر هیئت آن

فروش زمین مسجد و یا تغییر کاربری آن به غیر مسجد جایز نیست. این حکم
اجماعی می‌باشد و همه فقهاء بر این امر اتفاق نظر دارند. در ذکری آمده است:
«قرار دادن قسمتی از مسجد در ملک دیگری یا به عنوان جاده
و راه جایز نیست زیرا موافق با وقف نمی‌باشد و مسجد برای
عبادت و ذکر خدا بنا شده است پس نمی‌توان از آن تجاوز
نمود...».^۲

۱ . فروع الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹.

۲ . الذکری، ص ۱۵۷.

و در شرایع آمده است:

«حرام است که قسمتی از مسجد ملک دیگری یا راه و جاده قرار

گیرد».^۱

در جواهرالکلام علت حرمت، از بین رفتن آثار مسجدیت و عدم استفاده مطلوب از مسجد ذکر شده است و علت دیگر، آن است که این امر خلاف قاعده وقوف می باشد زیرا مسجد برای عبادت ایجاد شده است. بنابراین نمی توان آن را در جهت دیگر استفاده نمود و فرقی ندارد که این استفاده به این گونه باشد که قسمتی از آن در ملک دیگری وارد شود یا جاده قرار گیرد و یا در وقف دیگری واقع گردد مثل این که قسمتی از آن را مدرسه یا حسینیه و... قرار دهند.^۲ نظر امام خمینی علیه السلام هم آن است که:

«اگر مسجد خراب شود نمی توانند آن را بفروشند یا داخل ملک

و جاده نمایند».^۳

در این زمینه ذکر چند استفتائیه و فتاوا مفید به نظر می رسد:

۱- آیا عقب نشینی هنگام تجدید بنای مسجد طبق قوانین شهرداری جایز

است به نحوی چند متر از مسجد داخل خیابان واقع شود؟

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۶.

۲. همان.

۳. رساله توضیح المسائل، امام خمینی، م ۹۰۹، ص ۱۲۴؛ رساله توضیح المسائل، مراجع، م ۲۰۹،

ص ۴۷۷.

ج: اگر ضرورتی در کار نباشد جایز نیست.^۱

۲ - مسجد و حسینیه‌ای را در زمان سابق به مدرسه تبدیل کرده‌اند.

آیا این عمل جایز است؟

ج: لازم است به حالت اول برگردد.^۲

۳ - مقداری از مسجد را جهت حسینیه، جدا کرده و همین مقدار زمین را از

خارج، اضافه به مسجد نموده‌اند و درب این حسینیه به مسجد باز می‌شود این

عمل، صحیح است یا نه و آیا تبدیل به احسن در موقوفات به همین معنی است؟

و بر فرض صحت و جواز، دیواری را که حایل بین مسجد و حسینیه است بردارد

که مسجد به طرز اول باشد یا به حال خود بگذارند؟

ج: آنچه اضافه به مسجد نموده‌اند مانعی ندارد و اما آنچه را که از مسجد

جزء حسینیه نموده‌اند واجب است به حال اول برگردانند و جایز نیست مسجد را

تبدیل نمایند.^۳

۲ - فروش وسایل مسجد یا استفاده آن در مساجد دیگر

فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود

باید وسایل آنها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و چنانچه به درد آن مسجد

نخورد باید در مسجد دیگر مصرف شود ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم

۱ . جامع المسائل، آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه، س ۲۷۵ ، ص ۸۷ .

۲ . همان، س ۲۸۴ ، ص ۸۹ .

۳ . مجمع المسائل، آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه، س ۵۲۶ ، ص ۱۶۱ .

نخورد می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند.^۱

در توضیح این مسئله فقهاء شرایطی را برای استفاده وسایل یک مسجد برای مسجد دیگر ذکر کرده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:

۱ - علم به بی‌نیازی آن مسجد داشته باشد.^۲

۲ - هرگاه مسجد در معرض خرابی باشد بطوری که امیدی برای نماز خواندن در آن نباشد بخاطر این که اطراف آن بطور کلی از بین رفته و راهش بسته شده است در این صورت استفاده وسایل آن مسجد برای مسجد دیگر اشکال ندارد.^۳

۳ - مسجد دیگر به آن نیاز بیشتر داشته باشد بخاطر این که نمازگزاران در آن بیشتر است.^۴

در کتاب جواهر آمده است:

«هرگاه مسجدی خراب شود جایز است وسایل آن را برای آبادانی مسجد دیگری از مساجد استفاده نمود زیرا مالک یگانه، خداوند متعال است».^۵

۱ . رساله توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۱۰، ص ۱۲۵؛ فتاوی مراجع معظم تقلید، م ۹۱۰، ص ۲۵۷.

۲ . مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۲۹۶.

۳ . جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۴.

۴ . مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۲۹۶.

۵ . جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۴.

و در جواهر چنین آمده است:

«اشکالی ندارد که اصلاح بعضی از مساجد توسط بعضی دیگر صورت گیرد بخاطر مصلحتی که وجود دارد زیرا غرض از مساجد و آنچه در آن قرار دارد، برای اقامه و برپایی شعائر دین و انجام عبادت در آن می باشد و در این مورد اختلافی بین مساجد وجود ندارد و این عملی نیکو و حسن شمرده می شود و از طرف دیگر واقف آن راضی است خصوصاً هنگامی که ترس تلف در بقای آن وجود داشته باشد».^۱

۳ - زینت کاری مسجد با طلا

زینت کاری مسجد به طرق مختلف قابل تصور است بدیهی است هرگونه زینت کردن مساجد و اماکن مقدس حرام نیست مثلاً استفاده از سنگ های معدنی و مصنوعی هر چند گران قیمت باشد به خودی خود حرام نیست حتی زینت با برخی از فلزها از قبیل مس و روی و آلومینیوم و... حرام نیست تنها زینت کردن مساجد با طلا مورد نهی قرار گرفته است در ذیل به برخی دیدگاه ها و دلایل اشاره می شود.

«بنا بر احتیاط واجب مسجد را به طلا نباید زینت نمایند و همچنین نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد نقش کنند».^۲

۱ . همان، ص ۸۵ - ۸۶ .

۲ . توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۰۸ .

زینت کاری مسجد حرام است^۱ یعنی زینت آن به طلا بلکه احوط ترک نقش به صورت و تصویر می باشد.^۲ البته اکثر فقهاء معتقدند که: بنا بر احتیاط واجب مسجد را نباید به طلا زینت کرد.^۳

در کتاب های فقهی، دلایل مختلفی برای اثبات حرمت ذکر گردیده است که به آن اشاره می گردد:

۱ - زینت کاری مساجد بدعت می باشد زیرا در زمان پیامبر ﷺ این گونه نبوده است.

۲ - زینت کاری مساجد اسراف می باشد در روایتی که از ابن مسعود نقل شده و از وصایای پیامبر ﷺ به وی می باشد. پیامبر ﷺ فرمود:

«یا ابن مسعود! ما ینفع من یتنعم فی الدنیا اذا اخلد فی النار،
«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ
هُمْ غَافِلُونَ»^۴».

«ای ابن مسعود، کسی که در آتش جاویدان خواهد بود از بهره بردن از دنیا چه سودی می برد؟ تنها ظاهری از این زندگی دنیوی را می دانند و از آخرت غافلند».

۱ . عروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۰۵، بل یحرم تزین المساجد والمشاهد المشرفة....

۲ . مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، م ۱، ص ۵۲۲.

۳ . رساله توضیح المسائل، مطابق با فتاوی مراجع، م ۹۰۸، ص ۱۴۷.

۴ . روم: ۷.

فصل دّوم: احكام مسجد..... ۱۰۱

«بينون الدور و يشيدون القصور و يزخرفون المساجد...»^۱
«خانه‌ها می‌سازند و قصرها برپا می‌کنند و مساجد را با طلا زینت
می‌کنند...».

از نکوهش رسول خدا ﷺ فهمیده می‌شود که زینت کاری مساجد،
سبب غفلت از یاد آخرت شده و با محل عبادت بودن مسجد منافات دارد.
روایات دیگری نیز از پیامبر اکرم ﷺ در مقام نکوهش و مذمت زینت کاری
مساجد ذکر شده که به دو روایت اشاره می‌گردد.

روایت اول:

«لاتزخرفوا مساجدکم كما زخرفت اليهود و النصارى
بیعهم»^۲.

«مساجد خود را با طلا زینت نکنید همچنان که یهود و نصاری
معابد خود را با طلا زینت نمودند».

روایت دوم:

«إذا رأیتم المصاحف حلّیت و المساجد زینت و المنارة طولت
و اتّخذ القرآن مزامیر و المساجد طرقا، المؤمن فی ذلك الزّمان
أعزّ من الکبریت الأحمر أمّا ان مساجدهم مزخرفة و ابدانهم
نقیة و قلوبهم أنتن من الجیفة»^۳.

۱ . مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی، ص ۴۴۹ .

۲ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳ ، ص ۳۷۲ .

۳ . روضة الواعظین، ص ۳۳۸ .

«هنگامی که دیدید قرآن‌ها آراسته و مساجد تزیین شده و مناره‌ها طولانی و بلند بنا شده و قرآن به صورت آهنگین تلاوت می‌شود، مساجد راه عبور قرار داده شده است، مؤمن در آن زمان از طلای سرخ و خالص کمیاب‌تر است. مساجد آنان آراسته و بدن‌هایشان پاکیزه ولی دل‌های آنان از مردار، بد بوی‌تر است».

صاحب جواهر معتقد است: زینت‌کاری مساجد حرام نمی‌باشد و دلایل ذکر شده کامل نیست و بر حرمت دلالت نمی‌کنند. وی در پاسخ به دلایل ذکر شده می‌گوید: هر چیزی که در زمان پیامبر ﷺ نبوده و بعداً بوجود آمده بدعت و حرام نمی‌باشد و تزیین مسجد اسراف بشمار نمی‌آید و چون برای آن غرض عقلایی وجود دارد و روایت لب‌اللباب دلیل بر حرمت نیست علاوه بر این که سیاق آن، سیاق مکروهات می‌باشد پس جواز آن موافق اصل می‌باشد و مؤید آن (جواز) وجود درب کعبه می‌باشد که در زمان پیامبر ﷺ با طلا زینت شده بود و تفاوتی در اقسام زینت‌کاری نیست بلکه بعید نیست که زینت مساجد اگر به قصد بزرگداشت و احترام آن باشد مستحب باشد زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

«وَمَنْ يَعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَانْهَاهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱

«هر کس شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد (خوشا بر او که)

این صفت دل‌های با تقوا است».

فصل دوّم: احکام مسجد ۱۰۳

و نتیجه می‌گیرد که منقّش کردن مساجد به غیر طلا جایز است زیرا دلیلی بر حرمت وجود ندارد و می‌گوید: براسستی دلیلی شایسته برای اثبات حرمت زینت کاری بطور مطلق نیافتیم.^۱

۱ . جواهرالکلام، ج ۱۴ ، ص ۹۱ .

فصل سوم

احکام فقهی کارکردهای مساجد

الف: واجبات

مقصود ما از واجبات در این فصل کارهایی است که الزاماً باید درون مسجد انجام بگیرد و خارج از مسجد صحیح و مشروع نخواهد بود. باید توجه داشت اصولاً هرکسی نذر کند یا عهد نماید یا سوگند یاد کند برانجام عملی در مسجد معین یا یکی از مساجد آن عمل واجب می‌شود اما این مورد نظر ما نیست زیرا این وجوب از جهت عمل به منذور است نه به خصوصیت مسجد بودن. مراد ما از «واجبات» در این فصل پنجم انجام کارهایی است که الزاماً درون مسجد باید انجام پذیرد به لحاظ ویژگی مسجد بودن و ماهیت آن عمل همچون اعتکاف.

با توجه به این توضیح از خود می‌پرسیم چه اعمالی است که الزاماً درون مساجد باید انجام گیرد؟ در پاسخ می‌توانیم از چند عمل عبادی نام ببریم که الزاماً درون مساجد شکل می‌گیرد هر چند برخی از آنها منحصرأ در برخی مساجد مشخص است در این جا به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم.

۱- اعتکاف

اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد و به قصد عبادت با شرایط خاص. یکی از آن شرایط مربوط به مکان اعتکاف است که آیا در هر مسجدی قابل انجام است یا در مساجد مشخص باید انجام پذیرد. امام خمینی علیه السلام این مطلب را در ضمن شرط پنجم از شرایط اعتکاف در کتاب تحریر الوسیله چنین بیان کرده‌اند. شرط پنجم اینکه اعتکاف در یکی از مساجد چهارگانه یعنی مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه و مسجد بصره باشد و در غیر این چهار مسجد محل اشکال است پس احتیاط ترک نشود یعنی اگر خواست در سایر مسجد جامع‌ها انجام دهد بقصد رجاء انجام دهد یعنی به امید اینکه مطلوب باشد نه بعنوان عمل به یک دستور استحبابی دینی و اما در غیر مسجد جامع مانند مسجد محله یا مسجد بازار جائز نیست.^۱

۲- امراة از مسجد شجره

مورد دیگری از کارهایی که لزوماً باید درون مسجدی انجام بگیرد به گفته برخی از فقها احرام در مسجد شجره برای کسانی که از مدینه به قصد حج یا عمره عازم مکه هستند. البته در این مورد جای بحث فراوان هست زیرا برخی از فقها هم محرم شدن را از مسجد شجره و اطراف آن صحیح می‌دانند و خصوصیتی برای

۱. تحریر الوسیله، بحث اعتکاف.

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۰۹

نفس «مسجد» قائل نیستند.^۱ اما برخی از فقها محرم شدن را از درون مسجد لازم می‌دانند که در این صورت می‌توانیم بگوییم یکی از کارکردهای برخی از مساجد معین محرم شدن است. نظر امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد آن است که:

«احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود

نه خارج آن هر چند نزدیک به آن باشد».^۲

۳ - انجام طواف و نماز آن در حج و عمره

مورد دیگری که می‌توانیم در زمره اعمال واجب درون مساجد نام ببریم برخی از اعمال حج و عمره است از جمله طواف‌ها و نمازهای طواف واجب. به هر حال برخی از اعمال حج و عمره در همه اقسام حج که مرکب از چندین عمل است و برخی از مهم‌ترین اعمال آن یعنی طواف زیارت در حج تمتع و طواف نساء و نمازهای هر کدام الزاماً باید درون مسجدالحرام انجام داد. این را می‌توانیم جزء عملکردهای حج لحاظ کنیم.

۱ . مناسک حج، آیت‌الله صانعی، ص ۷۷ .

۲ . مناسک حج، امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۵۵ ، م ۲ از فصل اول.

ب: مستحبات

عبادات

فلسفه وجودی مساجد انجام عبادات است و در این مکان مقدس انسان مجاز است هر عملی را که ماهیت عبادی داشته باشد انجام دهد خواه نمازهای یومیه باشد یا نمازهای نافله و خواه تلاوت قرآن باشد یا اذکار و ادعیه، اما در روایات در مورد انجام برخی از عبادات در مسجد تأکید بیشتر و سفارش اکیدتری شده است از قبیل برگزاری نمازهای جماعت یومیه. شاید دلیل این تأکیدها از آن جهت باشد که مسجد نمادی از امت اسلامی است و از طرف دیگر انجام نمازهای جماعت نیز از ویژگی‌های جامعه اسلامی، پس طبیعی خواهد بود که این نشانه‌های اسلامی و این شعائر اسلامی در مناسب‌ترین مکان‌ها که همان مساجد است برگزار گردد.

ج: مباحات

انجام چه کارهایی درون مسجد، مباح است؟ در پاسخ باید بگوییم: با در نظر گرفتن وقفی بودن مسجد و این که هدف و انگیزه اصلی در وقف مساجد، جهت عبادت و بندگی خداوندست، پس برای مباح بودن کاری در مسجد رعایت شرائط ذیل لازم است:

۱- نفس آن کار حرام نباشد مثل غیبت کردن که در همه حال حرام است و شاید گناه آن در مسجد بیشتر باشد به جهت آن که هتک مسجد نیز محسوب می‌شود.

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۱۱

- ۲- انجام آن کار منافات با قداست و احترام مسجد نداشته باشد. مثل انجام کارها و فعالیت‌های ورزشی یا دیدن مسابقات.
 - ۳- به ساختمان و امکانات مسجد زیان مادی نرساند.
 - ۴- برای دیگران در انجام عبادات‌شان، ایجاد مزاحمت نکند. مثل گوش کردن به تلاوت قرآن از طریق رادیوی شخصی.
 - ۵- نفس کاری که می‌خواهد انجام دهد تحت عنوان دیگری حرام نباشد. مثل پنهان کردن خود در مسجد برای فرار از پرداخت دیون.
- به هر حال فقهای بزرگوار در ضمن فتاوا و استفتاءات برای انجام کارهای مباح مثال‌هایی را ذکر نموده‌اند یا در متن سؤال ذکر شده است که ما در این جا چند نمونه آن را بیان می‌کنیم:

۱- روضه خوانی

اگر مسجد را برای روضه خوانی چادر بزنند و فرش کنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای در آن ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود، اشکال ندارد.^۱

۲- ولیمه ازدواج

در برخی مناطق، بویژه در روستاها، مجالس عروسی را در مساجد برپا می‌کنند،

۱. توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۰۷.

یعنی مجلس رقص و غنا را در خانه برگزار می‌کنند ولی نهار یا شام را در مسجد می‌دهند، آیا این کار شرعاً جایز است یا نه؟

ج - غذا دادن به میهمانان، در مسجد، به خودی خود اشکال ندارد ولی برپا کردن مجالس عروسی در مساجد مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جایز نمی‌باشد و ارتکاب محرمات شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی، مطرب، حرام است مطلقاً.^۱

آیا انجام تمرین‌های ورزشی در مسجد محل یا خوابیدن در آن جایز است؟ این کارها در مسجدهای دیگر چه حکمی دارد؟

مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد، باید پرهیز شود، و خوابیدن در مسجد هم مکروه است.^۲

د: مکروهات

۱ - صمیت درباره امور دنیوی

مسجد محل عبادت خداوند متعال است و شایسته است که اهل مسجد نیز جز ذکر و یاد خدا و آن چه درین جهت است در مسجد سخنی بر زبان نیاورند. پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر در این مورد فرمود:

۱ . اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۲۰، س ۴۰۶ .

۲ . استفتاء آیت‌الله خامنه‌ای.

«یا أباذر، کل جلوس فی المسجد لغو الا ثلاثة: قراءة مصلّ
أو ذاكر الله تعالى أو مسائل عن علم...»^۱

«ای ابوذر، هر نشستنی در مسجد لغو و بیهوده است الا سه چیز
نماز خواندن یا ذکر و یاد خداوند متعال یا بحث و گفتگو درباره
مسائل علمی...».

در بعضی از روایات از این که مردم در آخرالزمان مسجد را برای بیان امور
دنیوی انتخاب نموده و بجای خواندن نماز و ذکر و یاد خدا با پرداختن به مسائل
غیردینی به بیان امور مادی و مشکلات دنیوی مورد نکوهش قرار گرفته اند از
جمله پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این مورد فرمود:

«یأتی فی آخرالزمان قوم یأتون المساجد، فیقعدون حلقة ذکرهم
الدنیا و حبّ الدنیا، لا تجالسوهم فلیس لله فیهم حاجة».^۲
«در آخرالزمان، مردمی یافت می شوند که در مساجد حضور
یافته و تشکیل جلسه می دهند. آنگاه از دنیا و دوستی دنیا سخن
می گویند. شما با چنین افرادی همنشینی نکنید (که خداوند آنان
را به حال خود رها کرده) و کاری به آنان ندارد».

«صحبت کردن راجع به کارهای دنیا و مشغول صنعت شدن
و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد، مکروه است».^۳

۱. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۶۶؛ وسایل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۹.

۲. شرح لمعه، ج ۱، ص ۵۴۸؛ وسایل الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۶۸ - ۳۶۹.

۳. توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۱۴.

۲ - اعلام گمشده در مساجد

از جمله کارهای مکروه در مسجد آن است که اشیاء گمشده را در مسجد اعلام نماید^۱ تا اگر کسی آن را پیدا نموده به صاحبش برگرداند یا این که اگر شیء پیدا شده و صاحبش مشخص نیست اعلام نمایند تا صاحبش به آن شیء برسد اما در احادیث و روایات این عمل نکوهش شده است.

امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می‌کند:

«نهی رسول الله صلی الله علیه و آله ان ینشد الشعرا و تنشد الضالة فی المسجد».^۲

«رسول خدا صلی الله علیه و آله از این که در مسجد شعر خوانده شود یا گمشده خود را اعلام نمایند نهی فرموده است».

در علل الشرایع آمده است:

«ان رجلا جاء الى المساجد ینشد ضالة له فقال رسول الله صلی الله علیه و آله قولوا له: لا رد الله عليك فانها لغير هذا بنیت».^۳

«مردی به مسجد آمده گمشده خود را اعلام نمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود به او بگویند: خداوند گمشده‌ات را به تو برنگرداند؛ مسجد برای غیر این کار ساخته شده است».

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۲؛ مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۷۰۷؛ جامع المدارک، ج ۱، ص ۵۱۵ و...

۲. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۶.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

نظر امام خمینی رحمته الله علیه آن است:

«... و نیز مکروه است آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد و گمشده‌ای را طلب کند...»^۱

۱۳ - شعر خواندن در مساجد

یکی از دیگر کارهای که انجام آن درون مسجد مکروه است شعر خواندن در مسجد می‌باشد. به نظر می‌رسد مقصود از کراهت شعر خواندن در مساجد آن باشد که مسجد را به صورت کانون شعر و جلسات ادبی درآوردن باشد. یعنی کارآیی مسجد را در حد یک محیط شعر خوانی پایین آوردن مراد باشد. و الا صرف خواندن شعری به مناسبت موعظه یا در مدح قرآن، پیامبر و اهل بیت بعید است مکروه باشد. بخاطر حفظ احترام و عظمت مسجد است و روایات زیادی بر نهی از شعر خواندن در مسجد وارد گشته است. امام سجاده علیه السلام نقل می‌کنند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به مسلمانان می‌فرمایند:

«من سمعتموه ینشد الشعر فی المساجد فقولوا: فض الله فاك انما

نصبت المساجد للقرآن»^۲

«به کسی که در مسجد شعر می‌خواند، بگوئید: خداوند دهانت را

خرد کند، مساجد را برای قرآن خواندن ساخته‌اند».

۱ . توضیح المسائل، م ۹۱۴، ص ۱۲۶ .

۲ . المعبر، ج ۲، ص ۴۵۳؛ تذکره النقیه، ج ۱، ص ۹۱؛ شرح لمعه، ج ۱، ص ۳۶۳ و ۵۴۷؛ و

و در حدیثی دیگر امام صادق علیه السلام می فرمود:

«انّ امیرالمؤمنین علیه السلام رأى قاصاً فی المسجد فرضبه بالذّره
و طرده».^۱

«امیرالمؤمنین علیه السلام شخصی را دیدند که در مسجد برای مردم قصه
می گفت، پس او را با شلاق زد و از مسجد بیرون کرد».

این روایات بیانگر این است که شعر خواندن و قصه گفتن در مسجد
کراهت دارد اما در برخی از احادیث که شعر خواندن در مسجد را بدون اشکال
اعلام می کند. مثل این روایت که علی بن جعفر از برادر گرامیش حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام پرسید:

«سئلته عن الشعر ایصلح ان ینشد فی المسجد؟
فقال: لا بأس...».^۲

«از امام علیه السلام درباره شعر سؤال کردم که آیا شایسته است
در مسجد شعر خوانده شود؟ امام علیه السلام فرمود: اشکال ندارد».

به چند طریق می توان بین این دو دسته روایات جمع نمود:

وجه اول: شهید اول علیه السلام در کتاب ذکر گفته است روایاتی که بر جواز انشاد
شعر دلالت دارد محمول بر اشعاری باشد که با الفاظ کم، حاوی معانی و منابع
کثیره ای باشند نظیر اشعاری که مشتمل بر حکمت و موعظه یا ابیاتی که به عنوان

۱ . الکافی، ج ۷، ص ۲۶۳؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۴ .

۲ . ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۲۵۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۰ .

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۱۷

شاهد برای معنای لغتی از لغات قرآن یا احادیث مرویه از پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذکر می‌شود و روایاتی که منع می‌کند حمل بر اشعار دیگر شود زیرا در کتب سیره و تاریخ چنین آمده است که در محضر حضرتش در مسجد اشعاری خوانده شده اما ایشان انکار نکرده‌اند.^۱

محقق کرکی در جامع المقاصد در تأیید این توجیه افزوده است:

«به این سنخ اشعار، ابیاتی که مشتمل بر موعظه یا مدح پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یا مرثیه برای حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام باشد ملحق می‌شود چه آنکه سرودن و انشاد این نحو از اشعار عبادت بوده و با غرض و هدف وضع مساجد (محل عبادت) منافاتی ندارد».^۲

شهید ثانی رَحِمَهُ اللهُ بعد از آوردن استدلال کتاب ذکری و جامع المقاصد این چنین

می‌نویسد:

«لیس ببعید» این کلام دور از صواب نیست و می‌توان نهی وارد در کلام حضرت نبوی را حمل بر غالب اشعار عرب نمود که از این نحو اسالیب خارج و «نوعاً در وصف دنیا» و منافات با وضع مسجد برای عبادات دارد.^۳

۱. الذکری، ص ۱۵۶.

۲. جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۱.

۳. الروضة البهیة، ج ۱، ص ۵۴۸.

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب بحارالانوار بعد از ذکر مطلب ذکری بیان می‌کند:

«آنچه که ذکر شد خالی از قوت نیست و امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌های خویش که غالباً در مسجد ایراد می‌شد، به ابیاتی از اشعار شعراء استشهد نموده‌اند و نیز شاعران مداح مانند حسّان در حضور معصومین علیهم السلام اشعار خود را خوانده‌اند این دیدگاه را تأیید می‌کند که مدح آنان خود خود عبادتی بزرگ است و مسجد نیز جایگاه عبادت است. پس مراد از روایات مانعه، اشعار باطل و بی‌فایده است».^۱

در روایت صحیح، علی بن یقین از امام رضا علیه السلام در مورد شعر خواندن در طواف پرسید. حضرت علیه السلام فرمود:

«شعری که خواندن آن اشکال نداشته باشد خواندن آن در طواف اشکال ندارد».^۲

«... و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد، مکروه است...».^۳

۱ . بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۶۴ .

۲ . جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۰ .

۳ . توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله، م ۹۱۴ .

۴ - خوابیدن در مساجد

خوابیدن در مسجد مکروه است^۱ زیرا از سوئی مسجد محل عبادت است که با خوابیدن منافات دارد و از سوی دیگر با احترام و بزرگداشت مسجد ناسازگار است و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز در این مورد سفارش کرده‌اند. از جمله در روایتی پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوابیدن بدون عذر در مسجد را نهی فرموده است:

«من نام في المسجد بغير عذر ابتلاه الله بداء لازوال له»^۲

«کسی که بدون عذر در مسجد بخوابد، خداوند او را به دردی که

دوا ندارد مبتلا می‌نماید».

در روایت دیگر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: در صورتی که فرد ناچار

است، اشکال ندارد در مسجد بخوابد و ایشان افزودند:

«ان المساكين كانوا يبیتون في المسجد على عهد رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۳

«همانا مساکین در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شب‌ها در مسجد

می‌خوابیدند».

بنابراین «خوابیدن در مسجد اگر انسان ناچار نباشد و... مکروه است»^۴

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۲؛ النهایة، ص ۱۰۹؛ السرائر، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۳.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۷.

۴. توضیح المسائل، امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ، م ۹۱۴، ص ۱۲۶.

و این کراهت در مورد دو مسجد یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ شدیدتر می‌باشد.^۱ زیرا خوابیدن با احترام به مسجد منافات دارد چون انسان در هنگام خواب مانند کودکان و دیوانگان بر افعال و کردار خود تسلطی ندارد و احتمال خروج حدث و خبث از هر فرد خوابیده می‌رود که منافات با احترام و قداست مساجد دارد به همین دلیل خوابیدن در مساجد مکروه است مخصوصاً در دو مسجد مقدس که ذکر گردید^۲ در این مورد روایت زراره از سند صحیح از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«فقلت لأبي جعفر عليه السلام ما تقول في النوم في المساجد؟ فقال:

لا بأس إلا في المسجدين: مسجد النبي ﷺ و مسجد الحرام...»^۳

از امام باقر علیه السلام در مورد خوابیدن در مساجد سؤال کردم؟ امام علیه السلام فرمود:

«اشکالی ندارد مگر در دو مسجد، مسجد النبی و مسجد الحرام...».

اما روایتی از اباعبدالله علیه السلام نقل شده که اگر فرد مضطر باشد خوابیدن وی در

مسجد الحرام نیز مکروه نمی‌باشد اسماعیل بن عبد الخالق روایت می‌کند:

«سألت أبا عبد الله عليه السلام عن النوم في المسجد الحرام؟ فقال: هل بدّ

للناس من أن يناموا في المسجد الحرام؟ لا بأس به قلت الرجیح

تخرج من الانسان؟ قال: لا بأس»^۴.

۱ . النهاية، ص ۱۰۹ .

۲ . جواهر الکلام، ج ۱۴ ، ص ۱۲۳ .

۳ . جواهر الکلام، ج ۱۴ ، ص ۱۲۳ ؛ بحار الأنوار، ج ۸۰ ، ص ۳۵۸ .

۴ . جواهر الکلام، ج ۱۴ ، ص ۱۲۳ ؛ بحار الأنوار، ج ۸۰ ، ص ۳۵۷ .

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۲۱

از أباعبدالله علیه السلام درباره خوابیدن در مسجد الحرام سؤال کردم؟

امام علیه السلام فرمود:

«اگر مردم از این که در مسجد الحرام بخوابند ناگزیر بوده‌اند

اشکال ندارد».

البته برای این حدیث احتمالاتی وارد شده است:

۱ - ممکن است حمل بر ضرورت شود زیرا مساکین مضطر و ناچار

بوده‌اند.

۲ - ممکن است حمل بر زوائد مسجد الحرام گردد.

نظر حضرت امام علیه السلام چنین است:

«خوابیدن در مسجد اگر انسان ناچار نباشد و صحبت کردن راجع

به کارهای دنیا و مشغول صنعت شدن و خواندن شعری که

نصیحت و مانند آن نباشد، مکروه است و نیز مکروه است

آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد، و گمشده‌ای

را طلب کند و صدای خود را بلند کند، ولی بلند کردن صدا برای

اذان مانعی ندارد».^۱

۱ . توضیح المسائل، امام خمینی علیه السلام، م ۹۱۴ .

۵ - قضاوت در مساجد

در مورد قضاوت کردن در مساجد چند دیدگاه وجود دارد.^۱

۱ - عده‌ای قائل‌اند که قضاوت نمودن در مساجد کراهت دارد.

۲ - گروهی گفته‌اند که قضاوت نمودن در مساجد اشکالی ندارد.

۳ - عده‌ای قائل به مطلق یا مقید بودن روایت شده‌اند.

گروه نخست به روایتی استناد کرده‌اند که در این مورد ذکر شده و از قضاوت کردن و اجرای حدود در مساجد نهی کرده است. روایت از امام صادق علیه السلام می‌باشد:

«جَنَّبُوا مَسَاجِدَکُمْ الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ وَالْمِجَانِينَ وَالصَّبِيَّانَ
وَالْأَحْکَامَ وَالْحُدُودَ وَرَفَعَ الصَّوْتِ».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در مساجدتان از خرید و فروش و ورود دیوانگان و کودکان
به مسجد و قضاوت کردن و اجرای حدود و بلند کردن صدا
خودداری نمائید».

کسانی که قائل به عدم کراهت هستند در پاسخ به فائزین قول اوّل چند
جواب دادند:

اوّلًا: روایتی که ذکر شده است، سندش خدشه‌دار است زیرا بطور مرسل
ذکر گردیده است.

۱ . جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۶ .

۲ . مختلف الشیعة، ج ۳، ص ۹۲ .

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۲۳

ثانیاً پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام در مساجد به قضاوت می پرداختند. مخصوصاً حضرت علی علیه السلام در مسجد جامع کوفه قضاوت نموده و در بین مردم حکم می کرد و اختلافی در آن نیست و در مسجد کوفه امروزه مکانی معروف به «دکه القضاء» وجود دارد و معروف است که در آنجا حضرت به قضاوت می پرداختند.^۱

ثالثاً حکم و قضاوت کردن، طاعت و عبادت است، پس واقع شدن آن در مساجد جایز می باشد زیرا مساجد برای عبادت و طاعت ایجاد شده است.^۲

۶ - اجرای حدود در مساجد

در مورد اقامه و اجرای حدود در مساجد دو نظریه وجود دارد:

- ۱ - بعضی قائلند اجراء و اقامه حدود در مساجد مکروه است.
- ۲ - بعضی دیگر قائل به حرمت اجراء و اقامه حدود در مساجد می باشند. قائلین به قول اول دلیل شان روایتی است از امام صادق علیه السلام که فرمود:
«جنبوا مساجدکم... الاحکام والمحدود...».^۳

«در مساجدتان از قضاوت کردن و اجرای حدود خودداری

نمائید».

۱ . السرائر، کتاب الصلاة، ج ۱ ، ص ۲۷۹ .

۲ . همان.

۳ . السرائر، ج ۱ ، ص ۲۷۹ ؛ وسائل الشیعة، ج ۳ ، ص ۵۰۷ ، ب ۲۷ .

هم چنین به عمل حضرت علی علیه السلام استناد کرده اند که امام علیه السلام امر فرمود از مسجد خارج شود.^۱

گروه دوم نیز دلیل شان دو روایت می باشد:

۱ - روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود:

«لا تقام الحدود فی المساجد».^۲

«در مساجد اقامه حدود نمی شود».

روایتی از حضرت علی علیه السلام که فرمود:

«نهی رسول الله صلی الله علیه و آله أن تقام الحدود فی المساجد و ان یرفع فیها

الاصوات...».^۳

«رسول خدا صلی الله علیه و آله از اقامه حدود در مساجد و بلند کردن صدا در

آن نهی فرموده اند».

در مورد اجرای حدود در مساجد می توان گفت: هر چند ظاهر برخی از

روایات دلالت بر منع می کند و از طرفی عمل امیرالمؤمنین نشان دهنده جواز

است. اما نظر به آن که مسجد خانه خداست و مظهر الطاف خداوند به بندگان

است اگر بنا باشد در هر ایام سال و در تمامی شکایات و فصل خصومت ها،

مسجد به عنوان شعبه ای از محاکم درآید طبیعتاً با اهداف اصلی و کارکرد حقیقی

۱ . الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۶۷ .

۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۲ .

۳ . الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۸۸ ؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۰ .

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۲۵

مساجد در قضاء خواهد بود اما در بعضی وقایع مهم یا در حالات ناچاری مثل اوایل انقلاب با استفاده فضایی از برخی مساجد برای اهداف خاصی اشکال ندارد و شاید به این طریق بین دو دیدگاه بتوانیم جمع کنیم.

۷ - آویزان کردن شمشیر در مساجد

در زمان نبی اکرم ﷺ مسلمانان معمولاً در حال جنگ و ستیز با کفار و مشرکین بوده‌اند اعزام قشون اسلام به جنگ در بسیاری از غزوه‌ها و سرایا پس از به جای آوردن نمازهای فریضه و از محلّ مسجد بوده است و طبعاً در بسیاری از اوقات مؤمنین با سلاح خود که معمولاً شمشیر بوده است در مسجد حاضر می‌شده‌اند. ولی با وجود این در روایات از آویزان کردن شمشیر رو به قبله و نیز از آویزان کردن آن در مسجد اعظم نهی شده است. علی به جعفر روایت می‌نماید:

«سألته موسى بن جعفر عليه السلام عن السيف هل يصلح أن يعلق في

المسجد؟ فقال: أمّا في القبلة فلا، و أمّا في جانب فلا بأس»^۱.

از برادرم موسی بن جعفر عليه السلام سؤال کردم:

«آیا جایز است شمشیر را در مسجد، آویزان نمود؟ امام عليه السلام

فرمود: در قبله مسجد جایز نیست اما در سمت راست یا چپ

قبله، مانعی ندارد».

۱. قرب الاسناد، ص ۲۹۰؛ من لایحضر الفقیه، ج ۴، ص ۹۰.

در روایتی دیگر حلبی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند
وی می‌گوید:

«سألته أیعلق الرجل السلاح فی المسجد؟ فقال: نعم، و أما فی
المسجد الأكبر فلا، فان جدی علیه السلام نهی رجلاً أن یرى مشقصاً
فی المسجد».^۱

از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا شایسته است که فردی سلاحش را در مسجد
آویزان نماید؟ امام علیه السلام فرمود:

«اشکال ندارد، اما در مسجد اعظم نباید عمل را انجام دهد
زیرا جدم علیه السلام مردی را از تراشیدن تیر در مسجد نهی فرمودند».
می‌توان از این قبیل روایات چنین استفاده کرد که اصولاً در هر زمانی ورود
افراد مسلح به مسجد امر مطلوبی نیست خواه اسلحه را در هنگام ورود به مسجد
کنار گذاشته و یا با همان حالت مسلحانه وارد شود و اینکه روایت موسی بن جعفر
نهی از گذاشتن شمشیر رو به قبله شده است گویا مراد این است که اگر در شرایطی
فردی ناگزیر به حمل اسلحه به مسجد شده است به جهت آن که سبب جلب
توجه مسجدیان از امور معنوی به امور مادی و دنیوی نشود از گذاشتن اسلحه
خود مقابل چشمان مردم خودداری نماید.

۱. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۹۸؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۶۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳.

۸ - برکشیدن شمشیر در مساجد

این عمل باعث ناامنی و ایجاد رعب و ترس در میان مردم می‌گردد و در روایات متعددی پیامبر ﷺ و امامان معصومین از این کار نهی نموده‌اند. از جمله در روایتی از امام باقر یا امام صادق آمده است که ایشان فرمود:

«نهی رسول الله ﷺ عن سلّ السیف فی المسجد و بری التبل فی المسجد قال: انما بنی لغير ذلك».^۱

پیامبر اکرم ﷺ از کشیدن شمشیر در مسجد و تراشیدن تیر در مسجد نهی نمود و فرمود:

«مسجد برای غیر این کار بنا شده است».

برخی گفته‌اند:

«ظاهراً منظور از برکشیدن شمشیر در این روایت بخاطر تمرین یا جنگیدن یا چیزهایی از این قبیل می‌باشد نه بخاطر اصلاح آن و مانند آن».^۲

در این مورد هم مانند حمل سلاح به درون مساجد، باید بگوییم: اصولاً این‌گونه کارکردها برای مساجد با هدف اصلی و کارکرد اصلی مساجد در تضاد است. زیرا وقتی در مسجد فردی اسلحه می‌کشد طبیعتاً به دلیلی این کار را می‌کند در این صورت باید پرسید چه علتی باعث شده تا در مرکز توجه و التفات

۱. منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۸؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲. الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۶۹.

به خدا فردی دست به اسلحه ببرد. در اینجا اگر قصدش دفاع از جان یک مؤمن باشد (مانند محافظان شخصیت‌ها) قطعاً عملش واجب است نه مکروه و اگر قصد تخویف مسلمانی را داشته و می‌خواهد از قدرت اسلحه سود جوید قطعاً عمل تخویف مؤمن حرام است مخصوصاً در مسجد که مکان محترم است.

۹ - داد و ستد و صنعت‌گری در مساجد

انجام دادن خرید و فروش و اعمالی نظیر نجاری، آرایشگری و... در مسجد مکروه می‌باشد و در روایات نیز از انجام آنها در مساجد نهی شده است. در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که ایشان فرموده:

«جئبوا مساجدکم بیعکم و شراءکم...»^۱

«در مساجدتان از خرید و فروش خودداری نمائید.»

در علل الشرایع آمده است:

«ان رسول الله ﷺ مرّ برجل یبری مشاقص له فی المساجد فنهاه

و قال: انہا لغير هذا بنیت»^۲

رسول خدا ﷺ در مسجد به مردی که تیرهای خود را می‌تراشید برخورد

نمودند. وی را از این کار منع کرده و فرمودند:

«مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند.»

۱ . المعتمر، ج ۲، ص ۴۵۲ .

۲ . الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۸۷ ؛ جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۴ .

مشهور از این‌گونه روایات مکروه بودن هرگونه صنعت را در مسجد استفاده کرده‌اند و به گفته علامه مجلسی اگر این‌گونه کارها موجب تغییر هیأت مسجد (کاربری) یا مزاحمت برای نمازگزاران گردد حرام خواهد بود.^۱

۱۰ - محل عبور قرار دادن مساجد

منظور از این‌که مسجد را محل عبور قرار دهند این است که بدون عبادت در مسجد برای این‌که راهشان نزدیک تر گردد از یک درب مسجد وارد شوند و از درب دیگر خارج گردند البته اگر ضرورت ایجاد کند اشکال ندارد.^۲

باید یاد آور شد که اگر مسجد را محل عبور قرار دهند در صورتی مکروه است که هیئت مسجد تغییر ننماید زیرا در غیر این صورت حرام می‌باشد.^۳

محل عبور قرار دادن مساجد مکروه است مگر این‌که در آن دو رکعت نماز خوانده شود.

مساجد برای عبادت و اجتماع مردم برای نماز بنا شده است نه این‌که محل عبور و مرور قرار گیرد زیرا این عمل مخالف و منافی با احترام و بزرگداشت مساجد می‌باشد زیرا مساجد، خانه‌های خدا بر روی زمین و بهترین مکان‌هاست.

«قال رسول الله ﷺ لجبرئیل ﷺ یا جبرئیل ای البقاع احب الی

۱ . بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۸ .

۲ . جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۱ .

۳ . المساجد و احکامها، ص ۱۵۴ .

الله عزوجل؟ قال: المساجد واجب أهلها الى الله أو لهم دخولاً
و آهرهم خروجاً منها»^۱.

رسول خدا ﷺ از جبرئیل سؤال می‌کند ای جبرئیل بهترین مکان از نظر
خداوند عزوجل کدام است؟ جبرئیل می‌گوید:

«مساجد و بهترین اهل مساجد نیز خداوند کسی است که اول از
همه وارد مسجد گردد و آخر از همه بیرون می‌آید».

و از طرف دیگر در روایات از این عمل منع شده است. از جمله در روایتی
از رسول گرامی اسلام ﷺ آمده است:

«لا تجعلوا المساجد طرقاً حتى تصلوا فیها رکعتین»^۲.

«مساجد را محل عبور قرار ندهید مگر این که در آن دو رکعت
نماز به جای آورید».

هـ: محرمات

۱ - تعطیلی مساجد

تعطیلی مساجد و ویران کردن آنها به هر صورت که باشد گناه است و گناهی است
که عاقبت آن رسوایی در این جهان و شکنجه و عذاب آن جهان است
که به موجب مفهوم مخالف از آیه ۱۱۴ سوره بقره استنتاج می‌شود زیرا در این

۱ . وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۵۳، ب ۶۸ .

۲ . مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۱۵۴؛ کشف اللثام، ج ۱، ص ۲۰۱ .

آیه آمده است:

«مَنْ أَظْلَمَ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

«کیست ستمکارتر از آن کسی که مانع از ذکر نام خدا در مساجد خدا باشد و در ویرانی مساجد سعی کند این کسانی را حق آن نیست که به مسجدها درآیند، مگر در حال خوف و هراس رسوایی در این دنیا مخصوص آنان است و در آخرت عذاب بزرگ نصیب آنها است».

و روایت دیگر در این مورد روایت جابر از پیامبر ﷺ می باشد که ایشان

فرمود:

«یجی یوم القيامة ثلاثة يشكون: المصحف و المسجد و العترة، يقول المصحف: يا رب حرّفوني و مرّفوني و يقول المسجد: يا رب عطّلوني و ضبّعوني، و تقول العترة: يا رب قتلونا و طردونا و شردونا فاجثو اللرکبتين في الخصومة فيقول الله عزّوجلّ لي: أنا أولى بذلك منك»^۱.

«در روز قیامت سه کس (به خداوند متعال) شکایت می کنند: قرآن، مسجد و عترت پیامبر ﷺ؛ قرآن شکایت می کند: پروردگارا! مرا تحریف (تفسیر و تأویل های نادرست) کردند

۱ . البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۲۷ - ۲۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۴۹.

و باره پاره نمودند (به برخی از دستوراتم عمل کردند و برخی را رها کردند)، مسجد نیز می‌گوید: خداوندا! مرا تعطیل و ضایع نمودند و عترت پیامبر ﷺ می‌گویند: خداوندا! ما را کشتند و طرد نمودند و کنار زدند. آنگاه این سه آماده مخاصمه با مرتکبین اعمال فوق می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید: من خود با این اشخاص مخاصمه می‌کنم (و جزای آنها را خواهم داد).

و در روایت دیگری از پیامبر ﷺ آمده است:

«الغرباء فی الدنیا أربعة: قرآن فی جوف ظالم، و مسجد فی نادى قوم لا یصلی فیہ و مصحف فیہ بیت لا یقرأ فیہ، و رجل صالح مع قوم سوء».^۱

«در دنیا چهار چیز غریبند: قرآنی که در خاطر ظالم است، و مسجدی که در ناحیه مردمی قرار دارد که نماز در آن خوانده نمی‌شود، و قرآن در منزلی که در آن خوانده نمی‌شود و شخص صالحی که در میان مردم بد زندگی می‌کند».

و امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

«ثلاثة یشکون الی الله عزوجل: مسجد خراب لا یصلی فیہ اهله و عالم بین جهال و مصحف معلق قد وقع علیه الغبار لا یقرء فیہ».^۲

۱ . میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۵۲۹ .

۲ . کشف الغطاء، ج ۲، ص ۲۹۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، م ۸، ص ۵۹۶-۵۹۷ .

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۳۳

«سه چیزند که به خداوند متعال شکایت می‌کنند: مسجدی که خراب باشد و کسی که در آن نماز نخواند و دانشمندی که بین افراد ناآگاه قرار گرفته باشد یعنی از او استفاده نشود و قرآنی که روی آن غبار گرفته و خوانده نمی‌شود».

و روایتی از حضرت علی علیه السلام نیز درباره شکایت مسجد از خرابی و سرور و شادمانی آن از عمران و آبادانی است ایشان می‌فرمایند:

«انَّ المسجد يشكو الخراب الي ربّه و أنّه ليتبشش من عّاره اذا غاب عنه ثمّ قدم كما يتبشش احدكم بغائبه اذا قدم عليه».^۱
«هر آینه مسجد به پروردگارش از خرابی خود شکایت می‌کند به درستی که مسجد از تعمیرکنندگان وقتی که به آنجا روند و برمی‌گردند خوشحال می‌شود همان‌گونه که یکی از شما وقتی عزیزش برمی‌گردد احساس خوشحالی می‌کند».

در مورد تعطیلی مساجد باید بگوییم: گاهی مراد از تعطیلی مسجد آن است که مسجدی به دلیل پرت بودن از جمعیت یا ترک کردن اهالی آن محل از رونق و کثرت رفت و آمد مؤمنان برخوردار نیست و به حسب نظر عرف، چنین مسجدی تعطیل شده به حساب می‌آید. در این صورت چون این نحوه تعطیلی، امری ناخواسته است و ارتباطی به مدیریت سوء ندارد علی القاعده نمی‌توان آن را حرام شمرد و حداکثر می‌توان آن را مکروه شمرد اما اگر تعطیلی

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۵، ب ۵.

مسجد برنامه‌ریزی شده باشد که پیامد مدیریت سوء باشد می‌توان گفت چنین تعطیلی حرام است. نظر امام خمینی چنین است:

«تعطیل مسجد کراهت دارد و در خبر آمده که مسجد یکی از سه چیزی است که در روز قیامت به درگاه خدای عزوجل شکوه می‌کند یکی دیگر عالم در بین جاهلان است و سومی قرآنی است که آن را نخوانند و غبار روی آن را بگیرد و در حدیث آمده که کسی که به سوی مسجد از مساجد خدا قدم بردارد بهر قدمی که برمی‌دارد تا بخانه‌اش برگردد ده حسنه داده می‌شود و ده گناه از او محو نموده ده درجه به او داده می‌شود».^۱

۲- جشن عروسی

س- اینجانب قصد دارم طبق سنت صدر اسلام مجلس عروسی و ولیمه از دواج پسر را با حفظ تمام شعائر مذهبی در مسجد برگزار نمایم. استدعا دارم نظر شریف را در این مورد مرقوم فرمائید.

ج- برگزار نمودن مجلس عروسی در مسجد، در صدر اسلام به صورت یک سنت، معلوم نیست و بهتر این است که این‌گونه مجالس را در منازل خود تشکیل دهید و نسبت به مسجد اگر مزاحمت با نمازگزاران باشد حرام و الا سزاوار نیست، زیرا مناسب وضع مسجد نیست و هتک است.^۲

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، مسئله ۱۷.

۲- مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۳۶، س ۳۵.

۳ - حکم میت در مساجد

- ۱ - نهادن جسد میت در مسجد چه حکمی دارد؟
- ۲ - آیا غسل دادن میت در مسجد جایز است؟
- ۳ - آیا نماز خواندن بر میت در مسجد صحیح است؟
- ۴ - آیا می‌توانیم مردگان را در مسجد دفن نماییم؟

۱ - حکم نهادن جسد میت در مسجد

نهادن جسد میت در مسجد پیش از غسل دادن آن اگر موجب سرایت نجاست به مسجد و یا مستلزم هتک احترام نباشد مانعی ندارد ولی بهتر آن است که جنازه میت را در مسجد نگذارند. اما بعد از غسل بی‌اشکال است و صحن مسجد اگر مسجد نباشد شستن و غسل دادن میت در آن جا اگر مخالف با وقف نباشد و موجب هتک نشود اشکال ندارد.

۲ - حکم نماز خواندن بر میت در مسجد

نماز خواندن بر میت در مساجد مکروه می‌باشد البته بجز مسجد الحرام^۱ مستند این حکم روایاتی است که از امامان معصوم علیهم‌السلام در این مورد ذکر شده است.

ابوبکر بن عیسی می‌گوید:

۱ - تحریرالوسیله، کتاب الطهاره، ج ۱، ص ۸۷، و منها ان لاتوقع فی المساجد عدا مسجد الحرام.

«كنت في المسجد وقد جيء بجنازه فأدرت أن أصلي عليها فجاء أبو الحسن الأول عليه السلام فوضع مرفقه في صدري فجعل يدفني حتى أخرجني من المسجد ثم قال: يا أبابكر إن الجنائز لا يصلي عليها في المسجد».^۱

«در مسجد بودم که جنازه‌ای آوردند، خواستم بر آن نماز بگذارم امام موسی کاظم علیه السلام دست در سینه من گذاشته تا این که مرا از مسجد، بیرون کردند، آنگاه فرمودند: ای ابابکر! در مسجد بر جنازه‌ها نماز گزارده نمی‌شود».

روایات دیگری نیز دلالت بر جواز نماز خواندن بر میت در مسجد می‌نماید. فضل بن عبدالملک روایت می‌کند:

«سألت أبا عبد الله عليه السلام هل يصلي على الميت في المسجد؟ قال: نعم».^۲

«از امام صادق علیه السلام سؤال کردم آیا می‌توان بر میت در مسجد نماز خواند؟ امام علیه السلام فرمود: بلی».

با توجه به دو دسته روایاتی که ذکر شد می‌توان گفت: که مقصود از روایاتی که از این کار منع می‌کند بیان کراهت می‌باشد.

۱. مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲. المعبر، ج ۲، ص ۳۵۶؛ ذکری، ص ۶۲؛ مجمع الفائده، ج ۲، ص ۴۴۴.

۲ - حکم دفن میت در مسجد

علامه حلی رحمته الله گفته است:

«دفن میت در مساجد جایز نیست زیرا مخالف آن چیزی است

که مسجد برای آن بنا شده است».^۱

و شهید اول رحمته الله در ذکری می‌گوید:

«دفن میت در مساجد جایز نیست چون این امر باعث می‌شود

مسجد مشغول به چیزی شود که برای آن وضع نشده است».^۲

صاحب جواهر رحمته الله در این مورد می‌گوید:

«دفن میت در مسجد معمولاً مستلزم تنجیس مسجد می‌گردد

افزون براین که دفن میت در مسجد با ملاحظه این که نبش قبر،

حرام است برخی انتفاعات از مسجد را در صورت لزوم توسعه

دچار اشکال می‌کند. همچنین دفن میت در مسجد معمولاً موجب

نفرت نمازگزاران و یا کراهت نماز آنان است که خود نوعی

ضرر به آنها به حساب می‌آید».^۳

و برخی هم گفته‌اند:

«مساجد برای عبارت و ذکر خدا بنا شده است نه برای دفن

اموات در آن».^۴

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۹۱.

۲. ذکری، ص ۱۵۷.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۱.

۴. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۸.

بزنطی در این مورد روایت می‌کند:

«سألت أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن قبر فاطمة عليها السلام؟
فقال عليه السلام: دفنت في بيتها، فلما زادت بنو أمية في المساجد صارت
في المسجد».^۱

«از حضرت رضا عليه السلام درباره قبر حضرت فاطمه عليها السلام سؤال کردم؟
امام عليه السلام فرمود: ایشان در خانه‌شان دفن شدند اما بنو امیه مساجد
را توسعه داد پس قبر ایشان در مسجد واقع شد».

فتوای امام خمینی رحمته الله در این مورد این است:

«میت را نباید در جای غصبی دفن کنند و دفن کردن در جایی که
برای غیر دفن کردن وقف شده و در مسجد اگر ضرر به مسلمانان
باشد یا مزاحم نمازشان باشد جایز نیست، بلکه اقوی آن است
که اصلاً در مسجد دفن نکنند و در زمینی که مثل مسجد برای
غیر دفن کردن وقف شده جایز نیست».^۲

۴ - بردن عین نجس به مساجد

علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر عليه السلام نقل کرده است:

«سألته عن الرجل يمشي في العذرة و هي يابسة، فتصيب ثوبه

۱. جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۰۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۷، ب ۳۷.

۲. توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله، م ۶۲۲، ص ۹۷.

و رجلیه هل یصلح له أن یدخل المسجد فیصلی و لا یغسل ما
أصابه؟ قال: اذا كان یابساً فلا بأس».^۱

«از امام علیه السلام پرسیدم: درباره مردی بر عذره راه رفته در حالی که
خشک بوده است و لباس و پایش بدانها برخورد نموده است
آیا شایسته است به مسجد داخل شده نماز بخواند در حالی که
بخاطر آنچه به او رسیده خود را شستشو ننموده است؟
امام علیه السلام فرمود: اگر خشک بوده اشکال ندارد».

در توضیح این روایت گفته شده که منظور از «اذا كان یابساً...» لباس و پای
وی و نیز عذره می باشد که در سؤال تأکید شده است.^۲

امام خمینی علیه السلام در این مورد می گوید:

«بردن عین نجس مانند خون در مسجد اگر بی احترامی باشد
حرام است و هم چنین چیزی که نجس شده در صورتی که
بی احترامی به مسجد باشد حرام است».

۴ - محل عبور قرار دادن مساجد

مساجد برای عبادت و اجتماع مردم برای نماز بنا شده است نه برای این که آن
محل عبور و مرور قرار گیرد زیرا این عمل مخالف و منافی با احترام

۱ . بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۳۸۷.

۲ . همان.

و بزرگداشت مساجد که خانه‌های خدا بر روی زمین و بهترین مکان‌هاست چنانکه که از پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است از جمله:

«قال رسول الله ﷺ لجبرئيل عليه السلام يا جبرئيل اى البقاع احب الى الله عزوجل؟ قال: المساجد واحب اهلها اولهم دخولا و آخرهم خروجاً منها»^۱.

«رسول خدا ﷺ از جبرئیل سؤال می‌کرد: ای جبرئیل! بهترین جای زمین از نظر خداوند عزوجل کدام است؟ جبرئیل پاسخ داد: مساجد است و بهترین اهل مساجد کسانی‌اند که اول از همه وارد مسجد گردد و آخر از همه بیرون می‌آید».

و در روایتی دیگر از رسول گرامی اسلام ﷺ آمده است:

«لا تجعلوا المساجد طرقاً حتى تصلوا فيها ركعتين...»^۲.

«مساجد را محل عبور قرار ندهید مگر این که در آن دو رکعت نماز به جای آورید».

منظور از قرار دادن مسجد را محل عبور آن است که بدون انجام عمل عبادی در مسجد فقط برای این که راهشان نزدیک تر گردد^۳ از یک در مسجد وارد شده و از درب دیگر خارج گردند البته اگر ضرورت ایجاد کند اشکال

۱ . منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۲۸۶؛ ذخیره‌المعاد، ج ۲، ص ۲۴۶ .

۲ . کشف‌النام، ج ۱، ص ۲۰۱؛ مفتاح‌الکرامه، ج ۳، ص ۲۴۱ .

۳ . السرائر، ج ۱، ص ۲۷۹ .

فصل سوم: احکام فقهی کارکردهای مساجد ۱۴۱

ندارد. همچنان که کراهت در صورتی است که هیئت مسجد تغییر ننماید
و الا حرام می‌باشد.^۱

محل عبور قرار دادن مساجد مکروه است مگر این‌که در آن دو رکعت
نماز خوانده شود.

به اختصار باید گفت: با استفاده از روایات و فتاوا مواردی را به‌عنوان
احکام فقهی و کاربردی از مسجد تحت عنوان مستحب و مباح و مکروه و حرام
ذکر کردیم ولی باید توجه داشت که این احکام منحصر به این موارد نیست.
می‌توان به‌عنوان یک ضابطه چنین گفت: هر عمل که دارای ماهیت عبادی است
انجام آن با قصد قربت در مساجد مجاز است و هر عملی که به قصد اضرار
به مسجد یا اهانت بدان یا وهن مسلمانان درون مسجد انجام بگیرد حرام و ممنوع
است و سایر کارها به حسب مورد می‌تواند مستحب یا مباح یا مکروه عنوان
بگیرد.

فصل چهارم

احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن

یکی از جهات مهم بحث پیرامون مساجد موارد احداث، مرمت، توسعه، حفظ و اداره مساجد است. ما به منظور سهولت خوانندگان همه این موارد را تحت عنوان «مدیریت مساجد» نام‌گذاری می‌کنیم. در این فصل قصد داریم احکام فقهی کارکنان مساجد را تبیین نماییم و به سؤال‌های ذیل پاسخ خواهیم داد.

- ۱ - مدیریت مساجد چه کسانی هستند؟
- ۲ - این افراد دارای چه ویژگی‌هایی باید باشند؟
- ۳ - مقصود از مدیریت مطلوب در مساجد چیست؟
- ۴ - مدیریت سوء و ممنوع در مساجد چه نوع مدیریتی است؟

الف: افراد و گروه‌های مدیریت مساجد

از آنجا که مسجد از جهت بعد مادی آن همچون سایر پدیده‌های طبیعی است (و برخوردار از یک موقعیت ویژه) مراحل پیدایش، استمرار حیات و سرانجام مرحله انهدام و نیستی را سپری می‌کند، طبیعتاً در هر مرحله‌ای نقش آفرینانی باید باشند تا با ایفای نقش و مسئولیت خود بتوانند گذراندن و طی این مراحل را در مسجد هستی بخشند. این نقش آفرینان عبارتند از: افرادی که به تنهایی یا به صورت جمعی هر یک به ایفای نقش خویش می‌پردازند:

الف) واقف و بانی: نخستین فرد یا افرادی که در ایجاد مسجد سهیم هستند بانی یا بانیان یا واقفان هستند زیرا برای ایجاد و احداث بنای مسجد باید فرد خیر و نیکوکاری گام پیش نهد و با واگذاری قطعه زمین مناسب و اعطای هزینه و مصالح موجب شوند تا مسجدی شکل گیرد.

ب) مهندسان و معماران: در بنای هر ساختمانی از جمله مسجد بدون شک این اقدار یعنی طراحان، معماران، بناهای ماهر و کارگران زحمتکش نقش عمده را دارند.

ج) متولی و ناظر: از آنجا که واقفان پس از واگذاری زمین و سرمایه غالباً مسئولیت خویش را پایان یافته تلقی می‌کنند طبیعتاً افراد صالح و شایسته‌ای را برای اتمام کار احداث و نظارت بر روند امور به عنوان متولی و ناظر انتخاب می‌کنند که شرع و قانون به این انتخاب احترام گذاشته و آنان را به رسمیت می‌شناسد.

د) هیأت امناء و شورای مسجد: اینان مجموعه‌ای متشکل از افراد توانمند و شایسته هستند که با هماهنگی اهالی محل یا طبق وقف‌نامه و یا به شکل دیگر بر ساخت مسجد و اداره آن تأثیر گذارند.

ه) امام جماعت که به فرموده مقام معظم رهبری مدظله‌العالی مدیر طبیعی مسجد است در بسیاری از شهرستانها و روستاها برای اقامه جماعت از یک روحانی خوش نام و خوش سابقه به پیشنهاد اهالی محل دعوت می‌گردد، و با حکم مرکز رسیدگی به امور مساجد و با هماهنگی عالی‌ترین مقام روحانی

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۴۷

منطقه به این سمت گمارده می‌شود. در حال حاضر در بسیاری از مناطق کشور این قشر تأثیرگذار مدیران مساجد (به معنای واقعی کلمه) محسوب می‌شوند. (و) خادم و خادمان: هر مسجدی با تناسب کوچکی و بزرگی و درجه اهمیت آن همواره تعدادی از این افراد را دارد و همین نقش آنها در حفظ و کمک به اداره مساجد بر کسی پوشیده نیست.

ز) حکومت و دولت: از آنجا که وظیفه حاکمان آبادکردن خانه خداست، حکومت اسلامی موظف است به حمایت همه جانبه مادی و معنوی مساجد بپردازد و در این ارتباط مسؤولیتی سنگین برعهده دارد.

به هر حال باید توجه داشت که ذکر این موارد و این اقشار بیشتر از آن جهت مورد اهمیت بحث ماست که هرکدام به نحوی در پیدایش و استمرار و یا تعمیر و توسعه مساجد اثرگذار هستند. در هر حال آن چه در این کتاب برای ما مهم است؛ بررسی مسائل فقهی مدیریت مساجد است که با توجه به آیات و روایات و فتاوا در سه محور زیر قابل پیگیری است:

۱ - مدیریت مطلوب.

۲ - مدیریت ممنوع.

۳ - احکام فقهی مدیریت.

مدیریت مطلوب

با کمی تأمل در آیات قرآن می‌توانیم دو نوع مدیریت را برای مساجد بیابیم:

۱ - مدیریت مطلوب و آرمانی.

۲ - مدیریت ممنوع و شیطانی.

در اداره مساجد به شکل اول آن چه در تمامی مراحل ساخت، توسعه عمران، تعمیر و نظارت و انجام هرگونه فعالیت در مورد مسجد مورد توجه می باشد داشتن سمت و سوی الهی و قصد قربت در این افراد است و بدیهی است که دستیابی به این جایگاه کار چندان آسانی نیست. رهنمودهایی که از آیات و روایات جهت کسب این شایستگی ها استفاده می شود در طی مباحث آینده به اختصار مورد بحث قرار خواهد گرفت قبل از ورود به مباحث به عنوان مقدمه نگاهی به اهمیت و فضیلت های احداث مسجد خواهیم داشت.

فضیلت بنای مسجد

احداث و بنای مسجد در اسلام اهمّیت خاصی دارد و خداوند برای آن ثواب و پاداش ویژه ای را قرار داده است. در روایات و احادیث فراوان به این مسئله اشاره و یا تصریح شده است. می توان به فرموده حضرت رسول اکرم ﷺ اشاره نمود:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا اعطاهُ اللهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَةَ مَنْ ذَهَبَ وَ فِضَّةً وَ لَوْ لَوْ وَ زَبْرَجِدًا»^۱

۱ . العروة الوثقى، ج ۱، ص ۵۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۹۲؛ تحریر الوسيلة، ج ۱، م ۱۸، ص ۱۳۸.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۴۹

«هر کس در دنیا مسجدی بسازد، خداوند متعال در ازاء و جب آن (یا فرمود و هر ذراع آن)^۱ شهری به اندازه چهل هزار سال راه رفتن از طلا و نقره و مروارید و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ به او عنایت فرماید».

و در روایت مشابهی در کتاب «عقاب الاعمال» از شیخ صدوق^۲ از ابن عباس در خطبه‌ای طولانی از پیامبر اکرم^ﷺ نقل شده است که ایشان فرمودند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا اعطاهُ اللهُ^۲ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ، او قَالَ - بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ - مَسِيرَةَ اَرْبَعِينَ اَلْفَ عَامٍ مَدِيْنَةَ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ وَ دُرٍّ وَ ياقُوْتٍ وَ زُمْرَدٍ، وَ فِي كُلِّ مَدِيْنَةَ اَلْفِ اَلْفِ قَصْرٍ، وَ فِي كُلِّ قَصْرِ اَرْبَعُونَ اَلْفَ دَارٍ وَ فِي كُلِّ دَارٍ اَرْبَعُونَ اَلْفَ اَلْفِ بَيْتٍ، وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ اَرْبَعُونَ اَلْفَ سُرِيْرٍ عَلٰى كُلِّ سُرِيْرٍ زَوْجَةٌ مِنَ الْحُوْرِ الْعِيْنِ وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ اَرْبَعُونَ اَلْفَ اَلْفِ وَصِيْفٍ وَ اَرْبَعُونَ اَلْفَ اَلْفِ اَلْفِ وَصِيْفَةٍ وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ اَرْبَعُونَ اَلْفَ اَلْفِ مَائِدَةٍ عَلٰى كُلِّ مَائِدَةٍ اَرْبَعُونَ اَلْفَ اَلْفِ قِصْعَةٍ، وَ فِي كُلِّ قِصْعَةٍ اَرْبَعُونَ اَلْفَ اَلْفِ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ وَ يُعْطٰى اللهُ وَ لِيَّبِهِ مِنْ

۱. هر ذراع برابر با طول آرنج تا انتهی انگشت میانی است. قاموس المحيط، ج ۳، فصل الذال ماده ذرع، ص ۲۲؛ فرهنگ خیام، عربی - فارسی، فصل ذال ماده ذرع، ص ۲۱۰؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین، عربی - فارسی، فصل ذال، ص ۵۰۶.

۲. بنی الله له... .

القوة ما يأتي به الأزواج و على ذلك الطعام و ذلك الشراب في يوم واحد.^۱

«هرکس در این دنیا مسجدی بسازد، خداوند به هر وجبی یا ذراعی از آن شهری در بهشت از طلا و نقره و دُرّ و یاقوت و زمرد و زبرجد و مروارید برای او بنا می‌کند که بزرگی آن به اندازه پیمودن مسافت چهل هزار هزار سال راه باشد و در هر شهری چهل هزار هزار قصر و در هر قصری چهل هزار هزار تخت و بر هر تختی همسری از حوریان و در هر اتاقی چهل هزار هزار خادم و چهل هزار هزار نوع از انواع طعام وجود دارد و خداوند به «دوست خود» چنان نیرو و توانی عنایت می‌فرماید که بتواند از همه همسران و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها در یک روز بهره برد».

نکات قابل توجه در این حدیث آن است که خداوند متعال بانی مسجد را «ولی الله» یعنی دوست خویش نامیده است که این مقامی پس والاست و خداوند متعال نعمت‌های فراوانی در بهشت در اختیار وی قرار می‌دهد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ بنای مسجد را از اعمالی که پس از مرگ به او ملحق می‌شود و فرمود:

«انّ ممّا يلحق المؤمن من عمله و حسناته بعد موته، علماً علمه

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۵۱

و نَشْرَهُ، وَ وِلْداً صَالِحاً تَرَكَهٗ اَوْ مُصْحِفاً وَّرَثَهُ، اَوْ مَسْجِداً
بِنَاهُ...»^۱

«از آنچه به مؤمن بعد از مرگش ملحق می شود از اعمال
و خوبی ها، علم و دانشی است که به وسیله او منتشر شده
و فرزند صالحی است که از او باقی مانده و کتاب و نوشته ای
که بعد از خود می گذارد یا مسجدی که بنا نموده است...».

و همچنین رسول خدا ﷺ در روایتی فرمود: در شب معراج دیدم این
کلمات بر در ششم از بهشت نوشته شده بود:

«لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ، مَنْ اَحَبَّ اَنْ يَكُوْنَ
قَبْرُهُ وَاَسْعَا فِلْيَبَيْنِ الْمَسَاجِدِ...»^۲

«خدایی جز الله وجود ندارد، محمد رسول خداست،
علی ولی خداست، کسی که دوست دارد قبرش وسیع باشد
پس باید مساجد بنا نماید».

علامه مجلسی رحمته الله علیه در بحار الانوار در توضیح «قبر» چنین گفته است: در اکثر
اخبار مقصود از قبر، محل روح است نه جسم و این از واضحات است که وسعت
و تنگنا از مقتضیات روح است زیرا می دانیم برای هر فردی، جسم و روحی
است که ممکن است در تنگنا و وسعت قرار گیرد. آیا نمی بینی کسی که

۱ . مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۴۶۹ .

۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵ .

قرض‌های زیادی دارد در حالی که در باغ بزرگی راه می‌رود، می‌گوید: من در تنگنای شدیدی قرار دارم، زیرا روحش در تنگناست و همچنین کسی که در خانه کوچکی زندگی می‌کند وقتی که به او بشارت می‌دهند که مال زیادی به او می‌رسد می‌گوید: الحمدلله، من در وسعت هستم. بنابراین روح و جسم در ارتباط با یکدیگرند و از تأثیر جسم به نیکی یا سختی روح متأثر می‌شود.^۱

امام صادق علیه السلام در اهمیت و فضیلت بنای مسجد فرمود:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا وَلَوْ كَمَفْحَصِ قِطَاةِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ».^۲

«هرکس مسجدی بنا کند اگر چه به اندازه لانه مرغی باشد

خداوند متعال برای او خانه‌ای در بهشت بنا کند».

در این حدیث، مسجد به «مفحص قطاه» تشبیه شده است: قطاه پرنده‌ای به اندازه کبوتر است که طوقی شبیه فاخته یا قمری به گردن دارد^۳ و ظاهراً همان اسفروند فارسی است و مفحص، محلی است که پرنده آن را انتخاب کرده و با سینه‌اش آن جا را برای قرار دادن تخم‌هایش نرم و هموار می‌نماید. این تشبیه، مبالغه در کوچکی است^۴ و مقصود این است که مسجد هر قدر کوچک و بی‌ساز و برگ باشد ثواب مزبور برای بانی آن ثابت است اگرچه از مسجد بودن تنها واجد رسم و نشانه آن باشد، مشروط به این که با موقعیتی که

۱. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۴۹.

۲. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۲۶۰؛ تذکرة النقیها، ج ۱، ص ۹۰؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۷۵.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۵۳

دارد بتوان از آن در اقل مراتب مسجدی استفاده کرد هر چند دیوار و سقف و فرش نداشته باشد. شاهد بر این معنا، ذیل حدیث است. ابو عبیده حدّاً ناقل این خبر می‌گوید: در راه مکه مشغول مسطح کردن سنگ‌ها بودم تا زمین را به جهت مسجد هموار و صاف کنم در این هنگام حضرت امام صادق علیه السلام از این محل گذشتند. عرض کردم. فدایت شوم، امیدوارم در هموار کردن زمین ثواب بنای مسجد به من داده شود. حضرت فرمودند: بلی چنین است.^۱

توجه به این روایات روشن می‌نماید که اسلام اهتمام زیادی به بنای مسجد دارد و چون امامان معصوم علیهم السلام همواره در انجام فضایل اولین افراد بوده‌اند می‌بینیم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از هجرت اولین کاری که انجام دادند بنای مسجد بود^۲ و امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام می‌کند در پشت کوفه مسجدی بنا کند که دارای هزار دست است».^۳

- فقهای بزرگوار نیز ضمن پذیرفتن مضمون بسیاری از این روایات فتوهای خویش را در این راستا صادر نموده‌اند از جمله امام خمینی رحمته الله علیه در تحریر الوسیله چنین نگاشته‌اند:

«یکی از مستحبات اکیده ساختن مسجد است که در آن اجری

۱. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۶۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۷۴؛ مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۷۰۲.

۲. تفسیر نماز، ص ۳۵؛ هزار و یک نکته در باره نماز، نکته ۱۴۵، ص ۴۶.

۳. انوار البهیة فی احوال خاتم الانبیاء، ص ۳۵۲؛ هزار و یک نکته در باره نماز، نکته ۲۷، ص ۱۵؛

الارشاد، ص ۷۰۲.

عظیم و ثوابی بسیار هست به طوری که در حدیث آمده که رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که در دنیا مسجدی بسازد خدای تعالی بهر وجب از آن مسجد - و یا فرمود - به هر ذراع از آن - که حدود نیم متر است - شهری از طلا و نقره و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ می دهد که طول آن هزار سال راه باشد...»^۱

شرایط بانیان مسجد

خداوند متعال در آیاتی نورانی قرآن کریم، ویژگی های احداث کنندگان تعمیر کنندگان مساجد را بیان می فرماید:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِهِمْ خَالِدُونَ * أَمَّا يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ * أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ»^۲

«مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتی که به کفر خود شهادت می دهند آنان اعمال شان نابود گشته و در

۱ . تخریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۶، م ۱۸ .

۲ . توبه: ۱۷ - ۱۹ .

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۵۵

آتش دوزخ جاوید خواهند بود. تعمیر مساجد به دست کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز (پنجگانه) بپا دارند و زکات مال خود را بدهند و از غیرخدا نترسند آنها امیدوار باشند که از هدایت یافتگان هستند. آیا رتبه آب دادن حاجیان و تعمیر کردن مسجدالحرام را با مقام آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورده در راه خدا جهاد کردند یکسان شمردید؟ هرگز آن نزد خدا یکسان نخواهند بود که خدا ستمکاران را هرگز هدایت نخواهد کرد».

در این آیات برای سازندگان و تعمیرکنندگان مسجد شرایطی ذکر شده است که آنها بررسی می‌نماییم.

۱- ایمان به خدا

از سیاق کلام در آیه «أَمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ» استفاده می‌شود که انحصار این امتیاز که مستفاد از کلمه «انما» است خاص مؤمنان است. ممکن است شخصی توهم کند که هم مؤمنان حق دارند مساجد خدا را تعمیر کنند و هم مشرکان، آیه در رد پندار، حق مزبور را منحصر در مؤمنین کرده است.^۱ اما ایمان چیست؟ و مؤمن چگونه شناخته می‌شود؟ در پاسخ می‌گوییم: در واقع ایمان دارای سه بعد است:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۰۱.

۱- بعد اعتقادی که خاستگاه آن قلب است.

۲- بعد گفتاری که ابزار آن زبان و قلم است.

۳- بعد رفتاری که ظهور و بروز آن در جزء جزء اعضای بدن است.

سؤال از این که کدام بعد مهم تر است پاسخ دشوار است زیرا از سویی چگونه می توان پذیرفت که کسی به چیزی در قلبش باور داشته باشد در حالی که در عمل هیچ گونه رفتار مناسب با آن را نداشته باشد، از سوی دیگر اگر صرفاً بر عمل یا گفتار تنها بسنده کنیم از کجا معلوم می شود که این عملکرد از روی نفاق نبوده است؟ آدمی از این توانایی برخوردار است که به سهولت به گفتار مطلبی را گوید که در دل هرگز باور ندارد یا در دل به چیزی باور و یقین داشته اما در زبان آن را انکار نماید هم چنان که خداوند در توصیف کافران فرماید:

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾^۱

«کافران معجزات حضرت موسی را از روی ظلم و سرکشی انکار

کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند».

امام صادق علیه السلام در پاسخ به ابی عمر و زبیری که در مورد ایمان پرسید، پاسخی مشروح دادند در این جا سخن امام را با توضیح علامه طباطبایی از کتاب المیزان نقل می کنیم ایمان، تنها و صرف علم نیست، به دلیل آیات زیر که از کفر و ارتداد افرادی خبر می دهد که با علم به انحراف خود کافر و مرتد شدند، مانند آیه: «ان الذین ارتدوا علی ادبارهم من بعد ما تبین لهم الهدی و آیه ان الذین

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۵۷

كفروا و صدوا عن سبيل الله و شاقوا الرسول من بعد ما تبين لهم الهدى و آيه و جحدوا بها و استيقنتها انفسهم و آيه و اضله الله على علم». پس بطوری که ملاحظه می فرمایید این آیات، ارتداد و کفر و جحود و ضلالت را با علم جمع می کند.

پس معلوم شد که صرف علم به چیزی و یقین به اینکه حق است، در حصول ایمان کافی نیست، و صاحب آن علم را نمی شود مؤمن به آن چیز دانست، بلکه باید ملتزم به مقتضای علم خود نیز باشد، و بر طبق مودای علم عقد قلب داشته باشد، به طوری که آثار عملی علم - هر چند فی الجمله - از وی بروز کند، پس کسی که علم دارد به اینکه خدای تعالی، الهی است که جز او الهی نیست، و التزام به مقتضای علمش نیز دارد، یعنی در مقام انجام مراسم عبودیت خود و الوهیت خدا برمی آید، چنین کسی مؤمن است، اما اگر علم مزبور را ندارد، ولی التزام به آن را ندارد، و علمی که علمش را بروز دهد و از عبودیتش خبر دهد ندارد چنین کسی عالم هست و مؤمن نیست و از اینجا بطلان گفتار بعضی که ایمان را صرف علم دانسته اند، روشن می شود به همان دلیلی که گذشت و نیز بطلان گفتار بعضی که گفته اند: ایمان همان عمل است، چون عمل با نفاق هم جمع می شود، و ما می بینیم منافقین که حق برایشان ظهوری علمی یافته، عمل هم می کنند، اما در عین حال ایمان ندارند و چون ایمان عبارت شد از علم به چیزی به التزام به مقتضای آن، به طوری که آثار آن علم در عمل هویدا شود، و نیز از آنجایی که علم و التزام هر دو از اموری است که شدت و ضعف و زیادت و نقصان می پذیرد، ایمان هم که از آن دو تألیف شده قابل زیادت و نقصان

و شدت و ضعف است، پس اختلاف مراتب و تفاوت درجات آن از ضروریاتی است که به هیچ وجه نباید در آن تردید کرد.

این آن حقیقتی است که اکثر علماء آن را پذیرفته‌اند، و حق هم همین است، دلیل نقلی هم همان را می‌گوید، مانند آیه مورد بحث که می‌فرماید: «لِیَزِدُوا اِیْمَانًا مَعَ اِیْمَانِهِمْ» و آیاتی دیگر و نیز احادیثی که از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده، و از مراتب ایمان خبر می‌دهد... و نیز در همان کتاب (کافی) به سند خود از ابی‌عمر و زبیری از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که گفت: به حضورش عرضه داشتم: ای عالم مرا خبر ده از این که کدام یک از اعمال نزد خدا افضل است؟ فرمود: آن چیزی که سایر اعمال جز به وسیله آن قبول نمی‌شود. پرسیدم آن چیست؟ فرمود: ایمان به خدایی که جز او معبودی نیست، این از همه اعمال درجه‌اش بالاتر و منزلتش شریف‌تر و برکاتش بیشتر است.

می‌گوید: پرسیدم: آیا مرا از ایمان خبر نمی‌دهی که آیا صرف گفتن شهادتین است و یا عمل کردن؟ فرمود: ایمان همه‌اش عمل است، و گفتن شهادتین هم عمل زبان است که خدا و جوب آن را در کتابش و نور و واضحش بیان کرده، و دلیلش از ناحیه عقل هم تمام است. کتاب هم شاهد عقل است، و به سوی رهنمودهای عقل می‌خواند. عرضه داشتم: فدایت شوم توضیح بدهید تا بفهمم. فرمود: ایمان، حالات و درجات و صفات و منازلی دارد، بعضی از آن مراتب مرتبه تام است، که دیگر به منتهی درجه رسیده است، و بعضی از آن ناقص است، و نقصانش روشن است، و بعضی از آن نه به آن تمامیت است و نه به این نقص، بلکه از طرف نقصان بسوی کمال ترجیح دارد. عرضه داشتم

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۵۹

مگر ایمان تام و ناقص، و کم و زیاد دارد؟ فرمود: بله. پرسیدم: چطور؟ فرمود: برای اینکه خدای تعالی ایمان را بر تمامی اعضای بنی آدم واجب، و در همه آنها تقسیم کرده، هیچ عضوی از اعضا نیست مگر آنکه موظف به داشتن ایمانی است غیر آن ایمانی که اعضای دیگر دارند.

پس هرکس خدا را دیدار کند در حالی که اعضای خود را حفظ کرده، و هر یک را در انجام وظیفه‌ای که داشته به کار بسته، خدا را با ایمان کامل دیدار کرده، و اهل بهشت است و هرکس که در یکی از آنها خیانت کرده و یا از حدودی که خدا معین نموده تعدی کند خدا را ناقص‌الایمان ملاقات کرده است. عرضه داشتم: نقصان و کمال ایمان را فهمیدم حال بفرمایید این زیادتیی ایمان از کجا می‌آید؟ فرمود: از آمادگی، همچنان که خدای عزوجل پاسخ این سؤال را چنین می‌دهد:

«و اذا ما انزلت سوره فنهم من يقول ايكم زاده هذه ايماننا فاما الذين آمنوا فزادتهم ايماناً و هم يستبشرون و اما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجسا الى رجسهم».

«و چون سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی‌ها می‌پرسند: کدام یک از شما است که این سوره ایمانش را زیاد کرده باشد؟ و اما آنهایی که ایمان دارند، آن سوره ایمانی بر ایمانشان بیفزاید و خوشحال می‌شوند، و اما آنهایی که در دل می‌ریزند همان سوره، پلیدی جدیدی بر پلیدیشان می‌افزاید».

و نیز می‌فرماید:

«نحن نقص عليك نباهم بالحق، انهم فتية آمنوا بربهم
و زدناهم هدی».

«ما اخبار آنان را به حق برایت نقل می‌کنیم، آنان جوان مردانی
بودند که به پروردگار خود ایمان آورده بودند، و ما هدایتشان را
بیشتر کردیم و اگر ایمان در همه افراد یکی می‌بود، و هیچ زیادت
و نقصانی در بین نبود، دیگر احدی بر دیگری برتری نمی‌داشت،
و نعمت‌ها و مردم همه برابر می‌شدند، و فضیلتی در کار نمی‌بود،
و لیکن این تمامیت ایمان است که مؤمنین را بهشتی می‌کند،
و این زیادتی آن است که مؤمنین را از نظر درجاتی که نزد خدا
دارند مختلف می‌سازد، و این کمی ایمان است که مقصرین را
داخل آتش می‌سازد».^۱

۲ - ایمان و اعتقاد به قیامت

از جمله شرایط و خصایص آبادکنندگان مسجد ایمان و اعتقاد به روز رستاخیز
است ... «والیوم الاخر» خداوند در ابتدای سوره بقره یکی از ویژگی‌های متقین
را ایمان به رستاخیز معرفی می‌کند و می‌فرماید:

۱ . ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸ ، منتخب از ص ۳۸۷ - ۴۰۶ .

«و بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»^۱.

«و آنها خود به عالم آخرت یقین دارند».

در این آیه خداوند علاوه بر شرط ایمان به خدا، ایمان به روز جزا را ذکر کرده است به این جهت که مشرکین خدا را قبول داشتند و تفاوت شان با مؤمنین صرف نظر از شرک، این بود که به روز جزا ایمان نداشتند. ایمان به رستاخیز آثار تربیتی فراوانی دارد و به انسان‌ها یک هدفی مقدس و الهی می‌بخشد، ایمان به قیامت انسان را در برابر گناهان کنترل می‌کند، و او را به کارهای خیر و نیک و می‌دارد. هرچه ایمان به آخرت در انسان‌ها قوی‌تر باشد گناه کمتر خواهد کرد. خداوند به حضرت داود خطاب می‌کند و می‌فرماید:

«و لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»^۲.

«هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شدند چون روز حساب (قیامت) را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد».

طبق آیات شریف قرآن، اگر انسان اعمال صالحه‌ای انجام بدهد ولی به آخرت ایمان نداشته باشد و تکذیب آخرت کند، اثرش حبط و باطل می‌گردد. در سوره اعراف آمده است:

۱. بقره: ۴.

۲. ص: ۲۶.

«وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ»^۱

«کسانی که آیات و دیدار رستاخیز را تکذیب و انکار می‌کنند
اعمال‌شان حبط و نابود می‌گردد».

۳ - اقامه نماز

آبادکنندگان مساجد کسانی باید باشند که نماز با حدود و مقررات آن را بپا دارند
«و اقام الصلوة». چون نماز رمز ارتباط انسان با خدای خویش است و بزرگترین
عامل تربیت انسان است.

علاوه؛ فلسفه اصلی بنای مسجد جهت عبادت و پرستش خداوند سبحان
است و کسی که نماز نخواند و آن را محترم نشمارد صلاحیت بنای مسجد را
نخواهد داشت، در روایات متعددی نیز آمده است که هدف اصلی بنای مسجد
عبادت و پرستش است.

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيَذُكَّرَ اللَّهُ فِيهِ بَنَى لِيُحْتَسَبَ فِي الْجَنَّةِ...»^۲

«کسی که مسجدی را به آن انگیزه که یاد خدا در آن شود
بنا نهد خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود».

۱ . اعراف: ۱۴۷ .

۲ . روضة الواعظین، ص ۳۳۷ .

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۶۳

و در جای دیگر فرمود:

«... أَمَّا نَصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^۱.

«... مساجد را برای قرآن خواندن ساخته‌اند».

چنین سخنانی به روشنی رسالت اولیّه مسجد را که پرستشگاه بودن آن است بیان می‌کند. در این صورت چگونه می‌توان پذیرفت کسی که خود اهل نماز و عبادت نیست در امور مسجد که اصلی‌ترین نماد جامعه اسلامی است حق دخالت داشته باشد؟ آری براساس این آیه شریفه باید گفت: چنین اشخاصی نمی‌توانند از تعمیرکنندگان مساجد باشند.

۴ - پرداخت زکات

شرط دیگری که آیه شریفه برای سازندگان و تعمیرکنندگان مساجد ذکر می‌کند پرداخت زکات است «آتَى الزَّكَاةَ» بانی مسجد نه تنها با اقدام خداپسندانه با خدای خویش پیوند خود را محکم کند و از طرف دیگر در فکر مستحقین و مستمندان نیز می‌باشد و پیوند خود را با آنها نیز با پرداخت زکات محکم می‌سازد همان‌طور که گفته شد: ایمان فقط اقرار و اعتراف و عقیده قلبی به یگانگی خدا نیست بلکه علاوه بر آن، عمل به اعمال دینی و افعال واجبه نیز جزء ایمان است و مقصود از ذکر نماز و زکات، ذکر نمونه‌ای از اعمال صالحه است، و اگر از میان اعمال صالحه این دو را نام برد، چون این دو هر یک در باب

۱ . المعبر، ج ۲، ص ۴۵۲؛ منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۸۸.

خود رکن هستند نماز در عبادت‌های الهی و زکات در آنچه مربوط به مردم است.^۱

حضرت علی علیه السلام درباره این دو رکن مهم سخنی ارزشمند داشته و در آن اصحاب خود را به این دو سفارش نموده و فرمود: امر نماز را مراعات کنید که معراج مؤمن و ستون دین و نخستین چیزی است که در قیامت از بنده بازپرسی می‌شود اگر قبول شد سایر اعمال پذیرفته است و اگر به حساب نیامد هیچ یک از اعمال سودی ندارد و آن را محافظت نمائید، از وقت فضیلت آن غافل نمائید؛ و بسیار به جا آورید، بوسیله آن به خدا نزدیک شوید زیرا نماز همان طور که در قرآن کریم آمده:

«كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا»^۲.

بر مؤمنین فریضه‌ای نوشته و وقت آن تعیین گردیده است، آیا گوش دل به پاسخ اهل دوزخ نمی‌دهید آنگاه که از آنها می‌پرسند:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»^۳.

چه چیز شما را گرفتار دوزخ ساخت؟ می‌گویند از نمازگزاران نبودیم و نمازگناهان را می‌ریزد مانند برگ از درخت و رها می‌کند، مانند رها کردن بندها (از گردن چهارپایان) و رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آب تشبیه فرمود

۱. مسجد در آئینه قرآن و روایات، بخش ۱، ص ۳۸.

۲. نساء: ۱۰۳.

۳. مدثر: ۴۲ - ۴۳.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۶۵

که بر در خانه مردی باشد و شبانه روزی پنج نوبت از آن شستشو کند، معلوم است دیگر بر چنین کسی چرک باقی نخواهد ماند، و حق نماز را مردانی از مؤمنین شناخته‌اند که آرایش کالای جهان و روشنی چشم از فرزند و دارائی آنان را از آن باز نمی‌دارد خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید:

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيمُ تِجَارَةً وَ لَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ»^۱

«مردانی هستند که بازرگانی و خرید و فروش آنها را از یاد خدا و به جا آوردن نماز و دادن زکات غافل نمی‌گرداند».

و رسول خدا ﷺ با این که به بهشت مرزده داده شده بود و برای نماز خود را به رنج می‌افکند به جهت فرمان خداوند سبحان در قرآن کریم که می‌فرماید:

«وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ وَ اضْطِرَّ عَلَيْهَا»^۲

«اهل خود را به خواندن نماز امر کن و خویشتن بر انجام آن شکبیا باش».

پس آن حضرت هم اهل خود را به نماز امر می‌فرمود و خود را به شکبایی به رنج آن وا می‌داشت.

پس برای مسلمانان زکات با نماز وسیله آشنایی قرار داده شده (ادای آن مانند نماز وسیله تقرب به خداست) هر که آن را به میل و رغبت و خوشدلی اداء

۱. نور: ۳۷ .

۲. طه: ۱۳۲ .

نماید برای او کفاره و پوشاننده (گناهان) و مانع و نگاهدارنده از آتش دوزخ است، و نباید کسی که آن را پرداخت به یاد آن باشد، و نباید از آن بسیار اندوه به خود راه دهد، زیرا به یاد مال بودن و اندوه خوردن بر اثر علاقه به دارائی است و علاقه به آن منافی با تقرب به خداست و کسی که آن را از روی بی میلی عطاء کند و در عوض به آن جا از آن برتر است (بهشت جاوید) امیدوار نباشد، پس او در دعوی دوستی با خدا دروغگو و به سنت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نادان است زیرا سنت برای ادای آن است که به طیب نفس و خوشدلی باشد، نه از روی اکراه و نگرانی، چنانکه در قرآن کریم خداوند می فرماید:

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا *
 إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾.^۱

«بر اثر دوستی خدا بینوا و کودک بی پدر «مسلمان» و اسیر
 «از مشرکین را طعام می دهند» «به این قصد که» برای دوستی خدا
 شما را اطعام می دهیم و پاداش و سپاسگزاری از شما
 نمی خواهیم».^۲

۵- ترس از خدا

مطلب دیگری که از ادامه آیه «وَلَمْ يَخْشِ اللَّهَ» فهمیده می شود آن است

۱. انسان: ۷-۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰، ص ۶۴۵-۶۴۷.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۶۷

که تعمیرکنندگان مسجد فقط از خداوند ترس دارند و با احداث مسجد راه هدایت را به سوی خود باز می‌کنند خدای متعال می‌فرماید:

﴿أَتَخْشَوْنَهُمْ فَأَلَّهٗ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ﴾^۱

آیا از آنها بیم دارید؟ و حال آنکه سزاوارتر است که از خدا بترسید و بس اگر اهل ایمانید.

در تفسیر نمونه در توضیح «لَمْ يَخْشِ إِلَّا اللَّهَ» آمده است: و جمله «لَمْ يَخْشِ إِلَّا اللَّهَ» نشان می‌دهد که عمران و آبادی و نگاهداری مساجد جز در سایه شهادت و شجاعت ممکن نیست، هنگامی این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانون‌های انسان‌سازی و کلاس‌های عالی تربیتی در می‌آید که بنیان‌گزاران و پاسدارانی شجاع داشته باشد، آنها که از هیچ کس جز خدا و نترسند، و تحت تأثیر هیچ مقامی و قدرتی قرار نگیرند، و برنامه‌ای جز بر برنامه‌های الهی در آن پیاده نکنند. و در پایان اضافه می‌کند در این گروه که دارای چنین صفاتی هستند ممکن است هدایت شوند و به هدف خود برسند و در عمران و آبادی مساجد خدا بکوشند و از نتایج بزرگ آن بهره‌مند شوند «فَعَسَىٰ أَوْلِيٰكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۲.

به اختصار باید گفت: نشانه‌های مدیریت مطلوب بر مساجد عبارت است

از:

۱. توبه: ۱۳ .

۲. تفسیر نمونه، ص ۴۹ - ۵۱ .

- ۱- اداره مسجد به دست انسان‌های شایسته و با کفایت است.
- ۲- کارآیی مساجد در راستای اهداف الهی است.
- ۳- مسجد مرکزی است برای عبادت و جایگاهی برای نشر معارف اسلامی و محلی است برای پرورش انسان‌هایی که به گفته قرآن:

«... رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ».

مدیریت سوء

در این بخش به بیان مدیریت سوء و ممنوع می‌پردازیم. قرآن نشانه‌های چنین مدیران مساجد را با ذکر اوصاف و نشانه‌های آن بازگو می‌کند و ما به اختصار آنها را مرور می‌کنیم.

۱- منع از فعالیت‌های مؤمنان در مساجد

یکی از اهداف مهم در ساخت و عمران مساجد انجام فرائض دینی و عبادت در مسجد است. در این صورت وقتی که شخصی مانع از این هدف گردد بدون شک از جمله کسانی می‌باشد که قرآن آنها را ستمگران به مساجد نامیده است:

«مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۶۹

آری، این‌گونه افراد در نخستین گام خود از مسجد چهره‌ای بی‌خاصیت ارائه می‌دهند تا آن‌جا که (مسجد) به عنوان قلب طپنده جهان اسلام در دستان این نابخردان به صورت شی‌بی‌خاصیتی درمی‌آید که بود و نبود آن یکسان است.

۲ - تبدیل مسجد به پایگاه دشمنان امت اسلامی

مسجد ضرار نمونه بسیار روشنی از این نحوه مدیریت سوء است در حقیقت منافقان قصد داشتند با تسلط بر بنایی تحت نام مسجد، مکان امنی برای دشمنان دین خدا درآورند.

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا
إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا»^۱

باید توجه داشت در هر زمان و در هر سرزمینی این امکان هست که مسجد به سهولت به دست این‌گونه افراد قرار گیرد پس نباید مسجد ضرار را تنها یک نمونه تاریخی غیرقابل تکرار تلقی کرد.

۳ - تبدیل مسجد به مرکز نشر اندیشه‌های کافران

یکی از اهداف بسیار مهم در بنای مسجد، اعتلای نام خداوند است که از طریق

۱ . توبه: ۱۰۷-۱۰۸ .

نشر افکار و اندیشه‌های دینی صورت می‌گیرد ﴿...فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ...﴾ و شگفت است که با اندکی غفلت از سوی مؤمنان، امکان دارد کارآیی مساجد، به نقطه مقابل این هدف تبدیل گردد.

۴ - استفاده از مسجد برای ایجاد تفرقه بین صفوف مؤمنان

وجود پر برکت مسجد در هر شهر و آبادی و در تمامی سرزمین‌های اسلامی بدون شک نمادی از وحدت اسلامی است. در عین حال با مدیریت سوء افراد فرصت طلب، در صورتی که زمینه برای آنها فراهم آید این عامل وحدت‌ساز را به عاملی وحدت سوز تبدیل می‌کنند.

۵ - استفاده ابزاری از مقدسات در مدیریت سوء

از آن‌جا که در امت اسلامی، افراد دقیق و آگاه کم نیستند طبیعتاً اگر جریانی و افرادی بخواهند با نفوذ در مدیریت مساجد به آن اهداف شیطانی خود جامه عمل بپوشانند، کاری چندان آسان نخواهد بود. پس در اولین گام خود متوسل به فریب کاری شده و با سوگند دروغ، خود را خیر خواه امت اسلامی نشان می‌دهند. پس برای مصون ماندن جامعه، نظارت همگانی بر عملکرد مدیران شرط اساسی برای جلوگیری از این سوء استفاده‌های احتمالی است. می‌توان گفت: اهتمام قرآن به ذکر آثار و نشانه‌های مدیریت مطلوب در مساجد و مدیریت سوء به قصد بالا بردن سطح آگاهی جامعه اسلامی بوده است تا در نتیجه از بروز این پیامدهای خطرناک و سوء در میان مردم مسلمان جلوگیری نماید.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۷۱

احکام فقهی

در این گفتار نخست به بیان احکامی می‌پردازیم که رعایت و عمل بدان‌ها برای اداره‌کنندگان مساجد به تناسب کار و مسئولیت‌شان لازم است:

الف) مباح بودن

از آنجا که زمین و امکانات صرف شده برای مسجد در مقدس‌ترین مورد مصرف می‌شود بدیهی است که تنها مال حلال و مباح این قابلیت را داشته باشد نه هر مالی، از این روی مالی که از حرام از قبیل دزدی، غصب، قمار و... بدست آید برای احداث و هزینه کردن در راه مساجد کفایت نمی‌کند و مسجد با آن محقق نمی‌گردد علاوه بر آن که یکی از شرایط وقف مباح بودن مال است.^۱

ب) وقف و واقفان

یکی از نکاتی که در مورد احداث‌کنندگان و تعمیرکنندگان و مدیریت مساجد باید مورد توجه قرار بگیرد آن است که ملکیت مسجد را از آن خود ندانند و با مسجد و اموال آن همچون سرمایه‌های شخصی برخورد نکنند. اسلام برای تأمین این غرض، نخستین گامی را که بر سازندگان مسجد الزام نموده است آن است که زمین و مصالح و آنچه در بنای یک مسجد بکار گرفته می‌شود در قالب وقف انجام بگیرد البته همه فقهای عظام در این مسئله اتفاق نظر دارند

۱. تحریرالوسیله، کتاب وقف، م ۳۱، ص ۶۶.

که ملک شخصی و اموال خصوصی هرگز تحت عنوان مسجد و احکام آن فرا نمی‌گیرد. اما در این‌که برای تحقق عنوان مسجد شدن، لزوماً باید تمام شرایط وقف رعایت گردد یا خیر مورد اختلاف می‌باشد در ذیل توجه شما را به فتاوا و استفتاءاتی که از امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم و سایر مراجع عظام شده است جلب می‌کنیم.

۱ - صیغه وقف

از مشهور علماء نقل شده که گفته‌اند برای اینکه زمینی به عنوان مسجد وقف شود باید صیغه وقف آن جاری گردد به این معنا که واقف بگوید:

«وقفها مسجدا قریة الی الله تعالی».

«من این زمین را بمنظور تقرب بدرگاه خدایتعالی وقف کردم تا مسجد باشد».

ولکن اقوی این است که اجراء صیغه لازم نیست همین‌که بنائی را به قصد اینکه مسجد باشد بنا کند و منظورش از این عمل تقرب به خدایتعالی باشد و به اذن بانی یک نفر هم در آن نماز بخواند مسجد می‌شود.^۱

۲ - کفایت قصد

در وقف مسجد ناگزیر باید عنوان مسجدیت قصد شود، پس اگر محلی را وقف

۱. تحریر الوسیله، امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۶، م ۱۹.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۷۳

کند برای نمازگذاران و عبادت مسلمانان وقفش صحیح است لکن آن محل مسجد نمی‌شود و احکام مسجد را ندارد مگر آن که منظورش از همانکه گفته عنوان مسجد باشد و ظاهراً همین که بگوید: «من اینجا را مسجد قرار دادم» کافی است هر چند که سخن از وقف و حبس به زبان نیاورده باشد، لکن نزدیک‌تر به احتیاط این است که بگوید: «من اینجا را وقف کردم تا مسجد باشد» و یا «من این جا را بنا بر مسجد شدن وقف کردم».

۲ - معاطات در وقف

ظاهراً در وقف کردن برای مسجد و مقبره و راه عبور و خیابان و پل و کاروانسرا که برای پیاده شدن مسافران ساخته می‌شود، و نیز در وقف درختان کاشته شده برای استفاده رهگذران از سایه و میوه آن بلکه حتی در مثل حصیر برای مسجد و قندیل برای مشاهد و امثال این‌ها هر چیزی که به منظور مصالح عامه وقف می‌شود معاطاة هم کافی باشد، و بنابراین اگر بنائی به عنوان مسجد بسازد و به عموم مردم اجازه دهد ببینند و در آن جا نماز بگذارند و بعضی از مردم در آن جا نماز خوانده باشند در وقفیت و مسجد شدنش کافی است، و همچنین اگر قطعه زمینی جهت قبرستان اختصاص بدهد و بین زمین و صاحبان اموات رفع مانع نموده اذن عام دهد که هر کس بخواهد می‌تواند میت خود را در اینجا دفن کند و بعضی از اموات هم در آن دفن بکنند آن زمین وقف می‌شود هر چند که صاحبش د صیغه وقف را نخوانده باشد، و همچنین اگر پلی بسازد و به عموم عابران اجازه عبور دهد و عبور هم صورت بگیرد وقف می‌شود و همچنین هر وقف دیگر.

۴ - معاطات همراه قصد

مسئله ۴:

«این که گفتیم در وقف محلی برای مسجد شدن معاطاة کافی است زمانی است که اصل بنا به قصد مسجدیت باشد به این که نیت کرده باشد که به عنوان مسجد آن را بسازد و یا تعمیر کند خصوصاً در زمینی که برای ساختن مسجد آن را حیازت کرده و به همین قصد بنا ساخته باشد، اما اگر چنانچه بنائی دارد ساخته شده از قبیل خانه و خان و او بخواهد آن را مسجد کند و مردم را برای عبادت بدانجا بخواند بدون اینکه صیغه وقف بخواند مشکل است که معاطاة اکتفاء شود، و همچنین است حال در کاروانسرا و پل».^۱

۵ - عدم نیاز به قبول در وقف

لازم نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگویند، این کتاب را بر طلاب علم وقف کردم، وقف صحیح است. بلکه وقف، به عمل نیز محقق می شود، مثلاً چنانچه حصیری را به قصد وقف بودن در مسجد بیندازد، و یا ساختمانی را به طوری که مساجد را به آن طور می سازند به قصد مسجد بودن بسازد وقفیت محقق می شود.

۱ . تحریرالوسیله، امام خمینی رحمته الله علیه، کتاب وقف.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۷۵

و در موقوفات عامه مثل مسجد و مدرسه یا چیزی که برای عموم وقف کند، یا مثلاً بر فقرا یا سادات وقف نماید، قبول کردن کسی در صحت وقف لازم نیست.^۱

۶ - جواز صیغه وقف به غیرعربی

«انشاء لفظی در وقف، شرط نیست زیرا تحقق آن به معاطات هم ممکن است و همچنین در انشاء وقف به لفظ، عربی بودن صیغه آن هم شرط نیست.»^۲ لازم نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگوید خانه خود را وقف کردم وقف صحیح است و وقف به عمل نیز محقق می شود مثلاً چنانچه حصیری را به قصد وقف بودن در مسجد بیندازد و یا جایی را به قصد مسجد بودن بسازد و در اختیار نمازگزاران بگذارد و قفیت محقق می شود...»^۲

ب: مستحبات

یکی از مطالبی که توجه و عمل بدان برای مدیریت مساجد امری بایسته است

۱ . توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۰۹ .

۲ . فاضل لنکرانی رحمته الله علیه مسئله ۲۸۴۱، اگر مسجدی را وقف کنند، بعد از آنکه واقف به قصد واگذار کردن اجازه دهد که در آن مسجد نماز بخوانند همین که یک نفر در آن مسجد نماز خوانند، وقف درست می شود و به احتیاط واجب در اوقاف عامه از قبیل مدارس و مساجد و امثال اینها قبض معتبر است و اگر کسی مسجدی بسازد و آنرا تحویل متولی بدهد وقف ثابت و محقق می گردد و همین طور است اگر زمین را وقف مسجد نماید و تحویل متولی آن دهد.

و بدان فراوان سفارش شده احداث و تعمیر مسجد است. توسعه و هر عملی که در عمران مسجد نقش داشته باشد در این عنوان می‌گنجد فضایل بسیاری برای تعمیرکنندگان مساجد در احادیث ذکر گردیده که به بعضی از آن اشاره می‌گردد: یکی از فضایل آنان این است که مانع نزول عذاب الهی هستند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان الله أراد أن يصيب أهل الأرض بعذاب قال: لولا الذين يتحابون بجلالی^۱ و يعمرّون مساجدی و يستغفرون بالاسحار، لولا هم لاتزلت عذابی».^۲

«چون خداوند متعال بخواهد اهل یک آبادی را در اثر نافرمانی عذاب کند، گوید: اگر (در میان شما) مؤمنانی نبودند که یکدیگر را به خاطر من دوست داشته باشند و مساجد مرا آباد کنند و در سحرگاهان استغفار کنند، اگر آنان نبودند، عذابم را بر شما فرود می‌آورم».

دومین فضیلت آنها این است که خانواده‌های الهی هستند رسول خدا صلی الله علیه و آله

می‌فرماید:

«انّ عمّارَ بیوتِ الله اهلُ الله عزّوجلّ».^۳

۱. يتحابون فی در حدائق ناضره.

۲. منتهی المطلب، ج ۴، ص ۱۹؛ الحدائق الناضره، ج ۷، ص ۲۶۴.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۱.

فصل چهارم: احکام فقهی سازندگان مسجد و مدیریت آن ۱۷۷

«آبادکنندگان خانه‌های خدا، خانواده‌های الهی هستند».

فضیلت سوم عامران مسجد آن است که مسجد، چون عزیزی آنان را دوست دارد و از دیدار آنها مسرور و شادمان می‌گردد حضرت علی علیه السلام فرمود:

«انَّ الْمَسْجِدَ لِيَتَشَكُو الْخَرَابَ إِلَى رَبِّهِ وَ أَنَّهُ لِيَتَبَشِّشَ مِنْ عَمَّارِهِ إِذَا غَابَ عَنْهُ ثُمَّ قَدَمَ كَمَا يَتَبَشِّشُ أَحَدُكُمْ بِغَائِبِهِ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ».^۱
«مسجد به پروردگارش از خرابی خود شکایت می‌کند و به درستی که مسجد از تعمیرکنندگانش وقتی که از آن مسجد غایب می‌شوند سپس به آنجا برمی‌گردند، خوشحال می‌شود همان‌گونه که یکی از شما وقتی عزیزش برمی‌گردد احساس خوشحالی می‌کند».

چند فتوا در مورد تعمیر مساجد

اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را بکلی خراب کنند و دوباره بسازند. مسجدی که خراب نشده و قابل استفاده است اگر نیاز به توسعه دارد می‌تواند آن را خراب کرد و بهتر و بزرگتر ساخت.^۲

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۵؛ احکام نماز، احکام مسجد، ۱۴۱.

۲. مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، م ۱۳، ص ۵۲۱؛ رسائل توضیح المسائل مطابق بافتاوی مراجع معظم

تقلید ص ۲۵۷؛ الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۲۶؛ مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۵.

«ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می‌باشد مستحب است. و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند. بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند».^۱

مباحات

برخی کارها برای مدیریت مساجد مباح است از جمله مورد ذیل که در استفتاءات از مقام معظم رهبری آمده است:

س - اگر مسجد نیاز به ترمیم داشته باشد آیا واجب است از حاکم شرع و یا وکیل او اجازه گرفته شود؟

ج - در ترمیم به صورت داوطلبانه (از مال مسجد و یا افراد داوطلب خیر) نیازی به اجازه از حاکم شرع نیست.

س - برای توسعه مسجد جامع نیاز به بریدن چند درخت از صحن آن است، آیا این کار جایز است؟ با توجه به این که صحن مسجد بزرگ بوده و درختان زیادی در آن است؟

ج - اگر نیاز به توسعه مسجد باشد داخل کردن صحن مسجد در مسجد و قطع درختان تغییر و تبدیل در وقف شمرده نشود، اشکال ندارد.

۱ . توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۱۱ .

محرمات

استفتائات در مورد کارهایی که بر اداره کنندگان مساجد حرام است:

س - رأی جنابعالی در این مسئله چیست؟ در یکی از قریه‌ها مسجدی وجود دارد که روبه خرابی است مجوزی برای خرابی آن وجود ندارد، زیرا مانع از قطع راه نیست. آیا جایز است این مسجد به شکل کامل خراب شود؟ مسجد یاد شده دارای مقداری اثاثیه و اموال است این اشیاء به که داده شود؟ ج - ویران کردن و تخریب مسجد شرعاً جایز نیست و بطور کلی خرابی مسجد آن را از مسجد بودن بیرون نمی‌کند. اثاث و لوازم مربوط به مسجد اگر در این مسجد مورد استفاده نباشد، نقل آن به مسجد دیگر برای استفاده اشکال ندارد.

س - مکان وقفی است که در آن مسجد، مدرسه علوم دینی (حوزه)، و کتابخانه عمومی ساخته شده که تمام آن فعلاً فعال است. این مکان در حال حاضر در نقشه اماکن تخریبی شهرداری واقع است. همکاری با شهرداری برای تخریب آن و گرفتن امکانات لازم جهت تبدیل آن به ساختمان بهتر، چگونه است؟

ج - اگر شهرداری اقدام به تخریب آن به قصد تسلیم دادن عوض آن می‌کند، اشکال ندارد ولیکن نفس خراب کردن مسجد و مدرسه موقوفه بدون مصلحت مهمی، جایز نیست.

س - مسجدی که از خود ملکی ندارد، تا از خلال آن امکان اداره امور مسجد وجود داشته باشد، لذا شورای نظارت بر مسجد در نظر دارد، زیرزمینی را

۱۸۰ احکام مسجد

زیر قسمت سرپوشیده مسجد، برای ساختمان کارگاه و تأسیسات خدمات
عمومی مسجد احداث نماید. آیا این کار جایز است یا نه؟

ج- کندن قسمت زیرین و سرپوشیده مسجد جهت تأسیس کارگاه و مانند
آن جایز نیست.^۱

۱ . توضیح المسائل، مراجع، احکام مسجد، ص ۴۸۶ - ۴۸۸ .

فصل پنجم

حکم استفاده کنندگان از مساجد

(کاربران)

الف: واجبات

هنگامی که شخصی قصد دارد وارد مسجدی شود، رعایت چه نکاتی بر وی لازم است؟ مراد ما از «واجبات کاربران» پاسخ به این گونه وظائف است. در کتاب‌های فقهی طرح مسائل بدین‌گونه مرسوم نبوده است اما با توجه به برخی احکام و فتواها در ابواب دیگر می‌توان پاسخ مناسب را در این زمینه جست. در ذیل به برخی از این نکات اشاره می‌کنیم:

۱- مسلمان بودن

از فتوای بسیاری از فقها پیداست که یکی از شرط‌های اساسی برای دخول به هر مسجدی، مسلمان بودن است و بر همین اساس ورود کفار و مشرکین به تمام مساجد ممنوع است. اما فتوای برخی از فقها در این مورد برای ورود به غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی جواز است و ورود به این دو مسجد را لزوماً فقط برای مسلمانان جایز می‌دانند. از آن‌جا که این بحث تحت عنوان ورود مشرکان به مساجد به عنوان یکی از محرمات کاربران مورد بحث قرار خواهد گرفت در این جا از اطاله کلام خودداری می‌کنیم.

۲ - طهارت از حدث اکبر

یکی از چیزهایی که بر هر مسلمان هنگام ورود به مساجد رعایت آن لازم است پاک بودن از (حدث اکبر) است منظور از حدث اکبر، جنابت و حیض و نفاس می باشد. البته در این مورد مساجد دارای حکم یکسان نیستند. برخی از مساجد همچون مسجدالحرام و مسجدالنبی حتی ورود از یک در و خروج از در دیگر هم ممنوع است. اما در مساجد دیگر اگر صرف گذر باشد بدون درنگ کردن اشکالی ندارد. به نظرات امام در تحریر الوسیله توجه فرمایید:

«شخص جنب و زن حائض یا نفساء نباید به مسجدالحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله وارد شوند، هر چند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون رود، یعنی حتی عبور از این دو مسجد برای چنین افرادی حایز نیست. توقف جنب و حائض و نفساء در مسجد - هر مسجدی باشد - حرام است».

۳ - پاک بودن بدن و لباس از نپاست

یکی دیگر از چیزهایی که هنگام ورود به مساجد باید مورد توجه قرار بگیرد آن است که بدن و لباس و هر چه همراه فرد است پاک باشد و اگر پاک نیست به گونه ای خشک باشد که موجب آلوده کردن مسجد نگردد. در این مورد فتوای امام و سایر فقها مبنی بر این که «نجس کردن مسجد حرام است» و هم چنین «همراه بردن عین نجس اگر اهانت به مسجد تلقی شود حرام است»: مؤید این مطلب است.

«بردن عین نجس، به مسجد، مانند خون و چیزی که نجس شده، مثلاً لباس نجس، اگر بی‌احترامی به مسجد باشد حرام است».^۱

ب: مستحبات

بخش مهمی از آنچه که رعایت و عمل بدان‌ها برای استفاده‌کنندگان از مساجد (کاربران) مستحب است تحت عنوان «آداب ورود به مساجد» در کتب فقهی و روایی آمده است. ما در اینجا برخی از آنها را به اختصار متذکر می‌شویم:

۱ - آراستگی و زینت

اسلام اهمیت زیادی به زینت و آراستگی ظاهر مسلمانان و دوری از هرگونه آلودگی و پلیدی می‌دهد و افراد را تشویق و ترغیب می‌نماید تا در همه جا و در همه حالت‌ها هنگام رفتن به مساجد پاکیزه و تمیز باشند و از آنجا که همیشه امامان معصوم علیهم‌السلام، خود بهترین الگوی رفتاری برای ما مسلمانان هستند در این مورد نیز عمل و گفتار آنان بهترین راهنمای ما است. امام حسن مجتبی علیه‌السلام برای اقامه نماز، بهترین لباس‌هایش را می‌پوشید. علت را از وی پرسیدند: چرا؟ حضرت فرمود:

«انَّ اللَّهَ (تعالی) جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ:

۱ . توضیح المسائل، امام خمینی رحمته‌الله، م ۹۰۶ .

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱

«فَأَحَبُّ أَنْ الْبَسَ أَجْوَدُ ثِيَابِي»^۲

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. من برای خدایم خود را آراسته می‌کنم چون او می‌گوید: زینت خود را نزد هر نمازی به تن کنید و من دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم.

رعایت بهداشت و نظافت در همه جا و برای هر مسلمان یک وظیفه است مخصوصاً برای اهل مساجد که چه بسا ضرورت داشته باشد زیرا حضور در مکانی که مظهر اسلام و نماد جهانی آن محسوب می‌شود اهمیت موضوع بیشتر روشن می‌شود کافی است در این رابطه به دستورات اسلام در مورد اهل مسجد و آداب ورود به هنگام رفتن به مسجد از پوشیدن لباس‌های تمیز و پاک به تن کردن و در مراسم عبادت با هیأت زیبا شرکت نمودن و... توجه شود.

در کافی به سند خود از یحیی بن ابی العلاء از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده است که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام عبدالله بن عباس را پیش ابن‌الکواء و پیرانش روانه کرد، ابن‌عباس آن روز پیراهن نازک و حله‌ای به تن داشت اصحاب ابن‌الکواء وقتی او را دیدند گفتند: ای ابن‌عباس تو بهترین مردان ما بودی؛ و ما تو را از همه مردم بهتر می‌دانستیم؛ حالا می‌بینیم که این‌گونه لباس به تن کرده‌ای؟ گفت و همین لباس اولین چیزی است که من بر سر آن با شما بحث خواهم کرد،

۱. اعراف: ۳۱ .

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۹ .

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد ۱۸۷

و به شما ایراد خواهم نمود (زیرا شما آن را حرام می‌دانید و مرا به پوشیدن آن ملامت می‌کنید) در حالی که خدای سبحان فرمود:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^۱

و نیز فرموده:

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۲

و در کافی از یوسف بن ابراهیم روایت کرده که گفت: وارد بر ابی‌عبدالله علیه السلام شدم در حالی که طیلسان و کلاهی از خز بر تن داشتم، حضرت نگاه‌ی به من کرد و چیزی نگفت، من عرض کردم: فدایت شوم جبه و طیلسان من از خز است درباره آن چه می‌فرمائید؟ حضرت فرمود: خز عیبی ندارد، عرض کردم تاری که در بافت آن بکار رفته ابریشم است، فرمود: این نیز اشکال ندارد؛ چه حسین بن علی علیه السلام کشته شد در حالتی که جبه‌ای از خز بر تن مبارکش بود، آنگاه حضرت داستان عبدالله بن عباس و خوارج و احتیاج او را علیه آنان نقل کرد.^۳

و نیز در همان کتاب از احمد بن ابی‌عبدالله از محمد بن علی نقل می‌کند که وقتی سفیان ثوری در مسجدالحرام قدم می‌زد. امام صادق علیه السلام را دید

۱. اعراف: ۳۲ .

۲. وسایل الشیعة، ج ۳، ص ۳۴۸ .

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲ .

که لباس های زیبا و گران بها پوشیده بود، گفت بخدا سوگند، می روم و ملامتش می کنم، نزدیک رفته عرض کرد: یا بن رسول الله به خدا سوگند رسول خدا ﷺ و علی بن ابیطالب و هیچ کس از پدران از این لباس ها نپوشیدند، حضرت فرمود: رسول خدا ﷺ در روزگاری تنگ زندگی می کرد و به مقتضای فقر و تنگدستی رفتار می نمود، و پس از آن حضرت، روزگار به وسعت گرائید، و سزاوارترین مردم به استفاده از نعمت ها ابرار و نیکانند، آنگاه آیه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^۱ را تلاوت نموده و فرمود: ما از هر کس دیگری بر استفاده از داده های پروردگار سزاوارتریم. ای ثوری من این لباس ها را که بر تنم می بینی برای آمیزش با مردم پوشیده ام و گرنه لباسی که برای خودم می پوشم این است. در این جا دست ثوری را گرفته با خود برد و لباس های زیبا را کنار زده لباس زیری را از زیر آن نشان داد و فرمود این را برای خود و آنچه را می بینی برای مردم پوشیده ام. آنگاه لباس های پشمینه و زبر ثوری را کنار زده لباس نرمی نمایان ساخت و فرمود تو این را برای خود می پوشی و آن پشمینه ها را برای نشان دادن به مردم.^۲

و نیز از ابن قداح روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام در حالی که لباسی زیبا از جنس پارچه های مروبه تن داشت و به دست من تکیه کرده بود به عباد بن کثیر برخورد نمود، عباد عرض کرد: یا ابا عبدالله تو از خاندان نبوتی و پدرت علی امیرالمؤمنین بود که همیشه کرباس می پوشید؛ این لباس های فاخر

۱. اعراف: ۳۲.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۲۴۲ - ۲۴۳.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد..... ۱۸۹

مروی چیست که به تن کرده‌ای؟ چرا به لباس ساده‌تری اکتفا نمودی؟ فرمود: وای بر تو ای عباد این چه اعتراضی است که می‌کنی؟ زینت خدایی و طیبیات رزق را کی حرام کرده؟ خدای عزوجل وقتی به بنده‌اش نعمتی داد دوست دارد آن نعمت را در بنده‌اش ببیند، استفاده از آن مانعی ندارد.^۱

در المنثور آمده است که ترمذی در جزو روایات حسن خود از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند دوست دارد اثر نعمت خود را در بنده‌اش ببیند.

در قرب الاسناد حمیری از احمد بن محمد بن ابی‌نصر روایت شده است: حضرت رضا ﷺ در ضمن حدیثی طولانی به من فرمود: درباره لباس خشن چگونه فکر می‌کنی؟ عرض کردم شنیده‌ام که حسن این‌گونه لباس می‌پوشیده، و نیز شنیده‌ام که جعفر بن محمد هر وقت لباس نو تهیه می‌کرد در آب می‌شست تا به نظرها مستعمل بیاید، فرمود: لباس خوب بپوش و خود را بیارای، علی بن الحسین ﷺ جبه‌های خز پانصد درهمی و ردای خز پنجاه دیناری می‌پوشید، و وقتی زمستان تمام می‌شد می‌فروخت و پول آنها را صدقه می‌داد، آنگاه حضرت رضا ﷺ آیه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^۲ را تلاوت نمود.^۳

در کافی، محمد بن یعقوب از بعضی از اصحاب از امام صادق ﷺ

۱. همان، ص ۴۴۳ - ۴۴۴.

۲. اعراف: ۳۲.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۹۳.

نقل می‌کند که: علی بن حسین علیه السلام را در شب سردی در حالی که جبه و ردا و عمامه‌ای از خز بر تن داشت و در حالی که خود را به عطرهاى مختلف خوشبو نموده بود دیدم به او گفتم: فدایت شوم در این ساعت با این هیئت به کجا می‌روید؟ حضرت فرمود: به سوی مسجد جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله که در آن فرشتگان با خداوند عزوجل سخن می‌گویند.^۱

برای زینت در آیه شریفه «خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۲ معانی دیگری را نیز آورده‌اند که از جمله می‌توان به معانی ذیل اشاره کرد:

۱- «خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» در تفسیر المیزان آمده است که «زینت» به معنای «به همراه داشتن زینت در موقع رفتن به سوی مسجد» آرایش ظاهری نیست، بلکه آرایشی است معنوی که مناسب با نماز و طواف و سایر عبادات باشد پس معنای آیه برمی‌گردد به امر به زینت کردن نیکو برای نماز و غیر آن و اطلاق آن شامل نماز اعیاد و جماعات و نمازهای یومیه و سایر وجوه عبادت و ذکر می‌شود.^۳

۲- در کتاب فقیه است که شخصی از حضرت رضا علیه السلام پرسید مرا از زینت در آیه: «خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» چیست؟ فرمود: از آن جمله است شانه زدن قبل از هر نمازی.^۴

۱. وسائل الشیعة، ج ۲، ب ۲۳، ص ۵۰۳؛ الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۵۱.

۲. اعراف: ۳۱.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۹.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۹۲.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد..... ۱۹۱

۳- «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱ هرگاه به مسجد می‌روید یا خودتان

زینت هم ببرید.

۴- حجة الاسلام قرائتی زینت را با توجه به آیه دیگر قرآن یعنی: «الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۲ مال و فرزندان زینت زندگی دنیا هستند. زینت را به معنای مال و فرزندان آورده و گفته است: فرزندان خود را با مسجد آشنا کنید و مقداری مال (پول) همراه خود به مسجد ببرید تا اگر فقیری بود کمکش کنید.^۳

۵-.... و کسی که می‌خواهد مسجد برود، مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد و ته کفش خود را واریسی کند که نجاستی به آن نباشد و موقع داخل شدن به مسجد اول پای راست و موقع بیرون آمدن اول پای چپ را بگذارد. همچنین مستحب است از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود.^۴

۲- فُضُوعٌ وَ فَشُوعٌ

علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند

۱. اعراف: ۳۱ .

۲. کهف: ۴۶ .

۳. یکصد و چهارده نکته در باره نماز، بخش ۵، نکته ۹۰، ص ۸۳-۸۴؛ هزار و یک نکته در باره نماز، نکته ۷۰۰، ص ۲۲۲ .

۴. توضیح المسائل، امام خمینی رضی الله عنه، ص ۱۴۱-۱۴۲، م ۹۱۲ .

به این مضمون: هرگاه به در مسجد رسیدی، پس بدان که تو آهنگ سلطان بزرگ و ملکی عظیم کرده‌ای که بر بساطش، جز پاکیزگان کسی پانهد و برای مجالست با او جز به راستگویان و راست کرداران اجازه داده نشود؛ آنگاه که بر بساط او قدم نهی بدان که اگر اندک غفلتی از تو سر بزند، در خطری عظیم و پرتگاهی سهمگین قرار گرفته‌ای؛ پس در پیشگاه او به ناتوانی مو تقصیر خود اعتراف کن، زیرا که قصد عبادت و انس با او کرده‌ای و اسرار او را بر او عرضه کن و بدان که او پنهان و آشکار همه آفریده‌ها را می‌داند و در حضور او بسان فقیرترین بندگان باش و قلبت را از آنچه تو را از او باز می‌دارد و به خود مشغول می‌کند، خالی کن، زیرا او جز پاکیزه‌ترین و خالص‌ترین دل‌ها را نپذیرد و نیک بنگر نام تو از کدامین دفتر خارج می‌شود پس اگر حلاوت مناجات با او را چشیدی و لذت سخن گفتن با او را احساس کردی و از جام رحمت و کرامت او نوشیدی، این نشانه حسن اقبال او به تو و اجابت دعوت از سوی اوست و بدان که برای خدمت او شایسته هستی، پس داخل مسجد شو که اذن و امان به تو داده است.^۱

۱ - با طهارت بودن

رسول گرامی اسلام فرموده است که خداوند می‌فرماید:

«الا ان بیوتی فی الارض المساجد ترضی لاهل السماء کما ترضی

النجوم لاهل الارض الا طوبی لمن کانت المساجد بیوته الا

۱. رضایی، علی، جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، ص ۵۰.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد..... ۱۹۳

طوبی لعبد توحاً فی بیته ثم زارنی فی بیتی الا ان علی المزور
گرامه الزائر».^۱

همانا مساجد خانه‌های من هستند در زمین، برای اهل آسمان می‌درخشند
آن چنان‌که ستارگان برای اهل زمین پرتو افشانی می‌کنند. همانا خوشا به حال
کسی که مساجد خانه‌اش باشد و خوشا به حال کسی که در خانه‌اش وضو بگیرد
سپس به زیارت من در خانه‌ام بیاید، همانا بر زیارت شده است که زائرش را
گرامی بدارد.

و در خبر دیگری از آن حضرت آمده است:

«لا تدخل المساجد الا بالطهاره».^۲

«داخل مساجد نشوید مگر با وضو».

۲ - انکار و ادعیه

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که به هنگام ورود به مسجد این دعا خوانده
شود:

«بسم الله و علی الله توکلت و لا حول و لا قوه الا بالله».^۳

۱ . کشف اللتام، ج ۱ ، ص ۸؛ عوالی اللتالی، ج ۱ ، ص ۳۵۱ .

۲ . مصباح المنهاج، ج ۳ ، کتاب طهاره، ص ۲۰۲ ؛ مستدرک الوسائل، ج ۱ ، ص ۲۹۸ ؛ بحار الأنوار،
ج ۸۰ ، ص ۳۷۸ .

۳ . مستدرک الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۹۲ - ۳۹۳ .

از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده است که رسول خدا هنگامی که قصد ورود به مسجد را داشتند این دعا را می خواندند:

«اللهم اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک».^۱

«خدایا گناهانم را ببخشای و درهای رحمتت را برایم بگشای».

۳ - گام نهادن با پای راست

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اذا دخلت فی المسجد فادخل رجلك الیمنی و صل علی نبی و آله».^۲

«به هنگام ورود به مسجد پای راست را پیش بدار و بر پیامبر

و خاندانش درود فرست».

۴ - واریسی ته کفش^۳

در کتاب مکارم الاخلاق از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره گفتار خداوند متعال «خُذُوا زینتکم عند کُلِّ مَسْجِدٍ» فرمود: «تَعَاهَدُوا وَاَنْعَالَكُمْ عِنْدَ ابْوَابِ الْمَسَاجِدِ»^۴ هنگامی که به درب مسجد می رسید مواظب و مراقب کفش های خود باشید.

۱ . وسایل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۷ .

۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۳ .

۳ . روایات وارده و توضیح به کتاب های مستدرک الوسائل، ج ۳ و بحار الأنوار، ج ۸۰ مراجعه شود.

۴ . الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۷۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۸۱ .

در این حدیث مقصود از مراقبت کفش‌ها هنگام ورود به مسجد طهارت و پاکیزگی فرد در هنگام ورود اراده شده است و شایسته است که این مراقبت را برای هر چیزی که گمان می‌کند آلوده باشد مانند چوبدستی، عصا، چرخ ویلچر و... رعایت کند؛ زیرا احتیاط مقتضی است که حتی الامکان رعایت طهارت مسجد بشود.

۵ - خواندن نماز تحیت

پس از داخل شدن به مسجد، مقتضای رعایت ادب و احترام نسبت به خانه خداوند آن است که انسان مؤمن در آغاز ورود و قبل از نشستن دو رکعت نماز به عنوان «نماز تحیت مسجد» به جای آورده.^۱

ابوذر از حضرت رسول اکرم ﷺ نقل نموده است: بر پیامبر ﷺ وارد شدم در حالی که در مسجد نشسته بود فرمود: اباذر، برای مسجد تحیت است. گفتم تحیت آن چیست؟ فرمود: دو رکعت نماز که بجا آوری. من عرض کردم: یا رسول الله شما که مرا به نماز امر می‌فرمایید جایگاه نماز چیست؟ فرمود: نماز بهترین چیز است هر که خواهد کم و هر که خواهد بسیار بخواند.^۲ ... همان‌طور که از این روایت پیداست نماز تحیت مسجد کمتر از دو رکعت نخواهد بود و از اطلاق روایات استفاده می‌شود که شخص در هر بار که از مسجد خارج می‌شود و دوباره به آن داخل می‌شود هر چند زمان آن کوتاه باشد مستحب است

۱. نهاية الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۰؛ عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰، و هی رکعتان و یجزی عنها الصلوات الواجبه او المستحبه.

۲. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۱۸.

نماز مزبور را تکرار نماید.

البته لازم نیست نماز نامبرده نماز مخصوصی باشد بلکه هر نماز مستحب و فریضه‌ای را می‌توان بجا آورد و این نماز تحیت را جبران می‌کند^۱ اگرچه به نیت تحیت هم نیامورد زیرا مقصود از خواندن نماز تحیت این است که نشستن در مسجد بدون عبادت و موجب هتک احترام مسجد نشود و بدیهی است این غرض همانطوری که با خواندن نماز تحیت حاصل می‌شود. با اداء غیر آن نیز تحصیل می‌گردد البته افضل این است که در فریضه یا نماز مستحبی که می‌خواند تحیت را تداخل نداده و هر کدام را علی حده به جای آورد.^۲

در برخی از روایات «نماز تحیت» به عنوان حقی که مسجد به عهده مؤمنین دارد، یاد شده است. در کتاب دعائم الاسلام آمده است که:

«عن علی عليه السلام، أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مِنْ حَقِّ الْمَسْجِدِ إِذَا دَخَلْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ وَ مِنْ حَقِّ الرَّكَعَتَيْنِ أَنْ تَقْرَأَ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ وَ مِنْ حَقِّ الْقُرْآنِ أَنْ تَعْمَلَ بِمَا فِيهِ».^۳

«علی عليه السلام، می‌فرمود: از جمله حقوق مسجد آن است که به هنگام ورود در آن، دو رکعت نماز (تحیت) به جای آوری و ادای حق دو رکعت نماز به آن است که سوره فاتحه را در هر رکعت بخوانی^۴ و حق قرآن این است که بدانچه در آن آمده عمل کنی.»

۱. مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، م ۱ الثامن، ص ۵۲۳.

۲. شرح لمعه، ج ۱، ص ۵۴۳.

۳. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، کتاب الصلاة، ص ۳۹۵.

۴. ام القرآن (ام الكتاب) از نام‌های سوره مبارکه حمد است. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳.

و اگر شخص داخل مسجدی شد و امام جماعت در نماز واجب بود کراهت دارد نماز تحیت بخواند چنانچه اگر ورودش به مسجد موقعی بود که نماز به پا شده یا عنقریب بپا می‌شود بطوری که اگر به نماز تحیت بایستد قبل از فراغت از آن امام نماز را شروع می‌کند در این فرض نیز مکروه است آن را بخواند بلکه تکلیف این است که اگر طهارت ندارد یا مانعی از تحصیل آن دارد ذکر بگوید.^۱

می‌توان گفت: «نماز تحیت» در حقیقت به منزله سلام مؤمن به مسجد است و این امر از جهتی نهایت تکریم و تعظیم خانه خداوند به حساب می‌آید. گویا نمازگزار با این عمل نشان می‌دهد که مسجد موجودی دارای ادراک و احساس است و مانند سایر مکان‌های معمولی نیست که انسان بتواند به طور عادی در آن رفت و آمد کند بلکه مکروه است که انسان مسجد را راه قرار دهد مگر این که هنگام خارج شدن و وارد شدن در آن نماز بگذارند.^۲

وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند، و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.^۳

۱. شرح لمعه، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۱۵۳.

۳. توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۱۴۳، م ۹۱۳.

۶ - خوشبو کردن خود

... مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد و ته کفش خود را واریسی کند که نجاستی به آن نباشد و موقع داخل شدن به مسجد اول پای راست و موقع بیرون آمدن اول پای چپ را بگذارد. همچنین مستحب است از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود.^۱

۷ - سایر آداب

کثرت رفت و آمد به مساجد و جلوس طولانی در آن جا و پرداختن به نماز و تلاوت و تفسیر قرآن و... از آداب ورود به مساجد است که روایات متعدد در این زمینه وجود دارد و ما به جهت اختصار از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

ج: مکروهات

۱ - خوردن پیاز و سیر هنگام ورود به مساجد

یکی از مکروهات در مورد استفاده کنندگان از مسجد آن است که فردی پیاز یا سیر یا دیگر چیزهایی که بوی نامطبوع و تند دارد بخورد و در حالی که بوی آنها باقی است بخواهد وارد مسجد شود. ورود به مسجد در این حال

۱. همان، ص ۱۴۳، م ۹۱۲.

فصل پنجم: حکم استفاده کنندگان از مساجد..... ۱۹۹

مکروه می باشد. ^۱ پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در این مورد سفارش زیادی کرده اند که به بعضی از آن روایات اشاره می گردد. از جمله پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«من اكل هذه البقلة الخبيثة فلا يقربن مسجدنا حتى يذهب ريحها».^۲

«هر کس از سبزی های که بوی نامطبوع دارند بخورد به مسجد نزدیک نشود تا بوی آن از بین برود».

و در حدیث دیگر فرمودند:

«... فقال: ألم أنهكم عن هذه البقلة الخبيثة من أكلها فلا يغشانا في مسجدنا فان الملائكة تتأذى بما يتأذى منه الانسان».^۳

آیا شما را از خوردن این سبزی های نامطبوع باز نداشتیم؟ کسی که از این گونه سبزیجات خورده است نباید در مسجد ما به ما نزدیک گردد زیرا ملائکه هم از آنچه که انسان را اذیت کند اذیت می شوند. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هم فرمود:

۱. السرائر، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۲۸۰؛ همراه با نماز، ص ۲۶۹؛ گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۴۳؛

رساله توضیح المسائل، مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید، ص ۲۵۸؛ المبسوط، ج ۱، ص ۱۶۱؛ حاشیه الارشاد، ج ۱، ص ۱۲۹؛ عروة الوثقی، فصل ۱۵، م ۱۲، ص ۲۰۳؛ النهایة، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲. رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۱۲۵.

۳. الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۸.

«مَنْ أَكَلَ شَيْئاً مِنَ الْمُؤْذِيَاتِ رِيحُهَا فَلَا يَقْرُبَنَّ الْمَسْجِدَ».^۱
 «هر کسی چیزی خورده است که بوی آن مردم را می‌آزارد،
 به مسجد نزدیک نشود».

در روایتی دیگر ابن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:
 «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْكَرَاثِ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ مَطْبُوحاً
 وَغَيْرِ مَطْبُوحٍ، وَلَكِنْ إِنْ أَكَلَ مِنْهُ شَيْئاً أَذَى فَلَا يَخْرُجُ إِلَى الْمَسْجِدِ
 كَرَاهِيَةً أَذَاهُ أَنْ يَجَالِسَ».^۲

از امام صادق علیه السلام در مورد تره سؤال کردم؟ امام علیه السلام فرمود:
 «خوردن آن چه پخته و چه خام اشکال ندارد، اما اگر مقداری از
 آن بخوری بطوری که مردم از بوی آن اذیت شوند نباید به سوی
 مسجد بروی. زیرا مکروه است که در جای بنشیننی که هم‌نشینان
 آدمی از آن ناراحت و اذیت شوند».

هم‌چنین ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:
 «سُئِلَ عَنِ أَكْلِ الثُّومِ وَالبَصْلِ وَالكِرَاثِ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ نِيًّا
 وَفِي الْقُدُورِ وَلَا بَأْسَ بِإِنْ يَتَدَاوَى بِالثُّومِ وَلَكِنْ إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ
 ذَلِكَ فَلَا يَخْرُجُ إِلَى الْمَسْجِدِ».^۳

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۶.

۲. جواهرالکلام، ج ۱، ص ۲۹۰؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ب ۲۲، ص ۵۰۲؛ بحارالانوار، ج ۸۴،
 ب ۳۰، ص ۸.

۳. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۹۸؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۷.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد ۲۰۱

از امام علیه السلام درباره خوردن سیر و پیاز و تره سؤال شد؟ امام علیه السلام فرمود:
«خوردن آن چه خام و چه پخته اشکال ندارد و نیز معالجه کردن
با سیر اشکال ندارد اما اگر کسی از آنها بخورد (قبل از برطرف
کردن بوی آن) به مسجد نرود».

روایاتی که بیان شد همه تأییدکننده این مطلب است که هرگاه کسی سیر
یا پیاز یا تره بخورد مکروه است قصد مسجد نموده وارد آن گردد و در بعضی از
نصوص بر این نکوهش بیشتر از آنچه گذشت تأکید شده، بطوری که نه تنها رفتن
به مسجد را مکروه شمرده بلکه می‌گوید: و مکروه است کسی که بوی بدی از او
استشمام می‌شود مثل بوی سیر و پیاز، داخل مسجد شود، بعید نیست نمازی را که
با این حال خوانده اعاده‌اش مستحب باشد.^۱ زراره در ضمن روایتی ذکر می‌کند:
«حدثني من اصدق اصحابنا سألت أحدهما عليه السلام عن الثوم فقال:
أعد كل صلاة صليتها مادمت تأكله».^۲

«این روایت را از کسی که راستگوترین اصحاب ماست نقل
می‌کنم که گفت: از یکی از دو امام (امام باقر یا امام صادق علیه السلام)
در مورد سیر سؤال کردم؟ ایشان فرمود: هر نمازی را در حالی که
سیر خورده‌ی آن نماز را اعاده کن».

البته این روایت شدت کراهت عمل را بیان می‌کند و این روایات دلالت
بر حرمت نمی‌کند چون اجماعی است که خوردن این اشیاء موجب اعاده نماز

۱. رساله توضیح المسائل، آیت‌الله بهجت، م ۷۵۲، ص ۱۵۰.

۲. الاستبصار، ج ۴، ص ۹۲.

نمی‌گردد.^۱

«... کسی که پیاز و سیر و مانند این‌ها خورده که بوی دهانش
مردم را اذیت می‌کند، مکروه است به مسجد برود».^۲

۲ - پرتاب کردن سنگریزه به مساجد

فقها پرتاب کردن سنگریزه در مسجد از موارد عمل مکروه در مساجد
برشمرده‌اند زیرا این عمل، بیهوده و عبث بوده و شایسته نیست در مسجد کار
عبث انجام گیرد بلکه ظاهراً بطور مطلق کراهت دارد اگرچه در مسجد تأکید شده
است. روایاتی براین مطلب دلالت می‌نمایند. در یکی از این روایات،
امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام فرمود:

«انّ النبی صلی الله علیه و آله ابصر رجلاً یحذف بحصاة فی المسجد فقال صلی الله علیه و آله:
ما زالت تلعنه حتی وقعت ثم قال صلی الله علیه و آله: الحذف فی النادی من
اخلاق قوم لوط ثم تلی: «و تاتون فی نادیکم المنکر»^۳
قال هو الحذف».^۴

«پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که در مسجد سنگریزه پرتاب می‌کند
حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: این سنگریزه‌ها تا بر زمین واقع گردند تو را

۱. همان.

۲. توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۱۵.

۳. عنکبوت: ۲۹.

۴. مخلف الشیعة، ج ۳، ص ۹۶؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۹.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد ۲۰۳

لعنت می‌کنند. سپس حضرت ﷺ فرمود: پرتاب کردن سنگریزه در مجامع، از اخلاق قوم لوط است و سپس این آیه قرآن کریم را تلاوت نمود: و در مجامع ایشان به اعمال زشت و ناشایست دست می‌زنند».

منظور از منکر گفته شد، پرتاب کردن سنگریزه است.

در توضیح آیه مذکور، روایاتی ذکر شده که بیان آن مفید به نظر می‌رسد: جابر گفت: رسول خدا ﷺ از خذف - یعنی ریگ یا هسته خرما را بین دو سبابه نهادن، و آن را به سوی چیزی پرتاب کردن^۱ - نهی فرمود و به آیه «تأتون فی نادیکم المنکر» استشهاد فرمود.^۲ روایت دیگری در مورد کراهت پرتاب کردن سنگریزه در مسجد از امام باقر ﷺ نقل شده است:

«الخذف بالحصى و مضغ الکندر فی المجالس و علی ظهر الطریق

من عمل قوم لوط».^۳

«پرتاب کردن سنگریزه و جویدن کنندر در مجالس و راه‌ها از

اعمال قوم لوط می‌باشد».

۳ - آب دهان انداختن در مساجد

انداختن آب دهان یا بینی در مسجد کراهت دارد. در این مورد روایات زیادی

۱ . المنجد، ماده حذف، ص ۱۷۱؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص ۳۷۷ .

۲ . المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۲۸ .

۳ . جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۳۱؛ من لایحضر الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۰ .

وارد گردیده است. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«من وقر بنخامة المسجد لقي الله تعالى يوم القيامة ضاحكاً
قد أعطى كتبه بيمينه».^۱

«کسی که احترام مسجد را حفظ کند و از انداختن اخلاط
(آب دهان و سینه) در آن خودداری نماید در روز قیامت خدا را
یا سرور و شادمانی در حالی که کتاب اعمالش را در دست
راستش دارد ملاقات کند».

و نیز حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

«من تنخع في المسجد ثم ردها في جفه لم تمرّ بداء في جوفه
إلا أبرأته».^۲

«هر کس بخواند آب دهانش را در مسجد بیندازد پس آن را
به درونش فرو برد دردی به درونش نرسد جز آن که وی را از
آن برهاند».

و نیز حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ رَدَّ رِيْقَهُ تَعْظِيماً لِحَقِّ الْمَسْجِدِ جَعَلَ اللَّهُ رِيْقَهُ صَحَةً فِي بَدَنِهِ
و عَوْفِي مِنْ بَلْوَى فِي جَسَدِهِ».^۳

«هر کس آب دهانش را به احترام مسجد فرو برد، خداوند آن آب

۱. مجمع الفائده، ج ۲، ص ۱۵۵؛ رياض المسائل، ج ۴، ص ۳۹۳.

۲. المعبر، ج ۲، ص ۴۵۳؛ الذکری، ص ۱۵۶؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۸.

۳. كشف اللثام، ج ۱، ص ۲۰۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۹؛ جامع المدارك، ج ۱، ص ۵۱۶.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد..... ۲۰۵

دهان را به وسیله بدن و عافیت از بلاهای جسمی قرار می‌دهد.

و نیز امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام نقل می‌نماید:

«مَنْ رَدَّ رَيْقَهُ تَعْظِماً لِحَقِّ الْمَسْجِدِ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ، وَكُتِبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةٌ وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ، وَقَالَ: لَا تُمْرُ بِدَاءٍ فِي جَوْفِهِ إِلَّا أْبْرَأْتَهُ».^۱

«کسی که به خاطر بزرگداشت و تعظیم مسجد آب دهان خود را فرو برد و در مسجد نیندازد، خداوند این آب دهان را در بدن او به قدرت و توانایی تبدیل می‌کند و برای او در مقابل این کار، حسنه‌ای می‌نویسد و سیئه‌ای را از وی محو می‌نماید و این آب دهان به هر دردی که در بدن او بر خورد نماید آن را شفا می‌بخشد».

در روایتی دیگر، حضرت علی علیه السلام فرمود:

«...و ان المسجد ليتلوى عند النخامة كتلوى احدكم بالخيزران اذا وقع به».^۲

«وقتی کسی آب بینی یا دهانش را در مسجد بیندازد، مسجد به خود می‌پیچد مانند به خود پیچیدن یکی از شما، وقتی که تازیانه به او زده می‌شود».

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۸؛ مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۷۰۹.

۲. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۹۱؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۹.

و در جای دیگر حضرت علی رضی الله عنه فرمود:

«وَنَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَقْلِيمَ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ وَ عَنِ السَّوَاكِ فِي الْحَمَّامِ وَ التَّنَجُّعِ فِي الْمَسَاجِدِ».^۱

«پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کوتاه کردن ناخن‌ها بوسیله دندان‌ها و از مسواک زدن در حمام و از آب انداختن در مساجد نهی فرمودند».

و در روایتی دیگر فرمود:

«الْبِزَاقُ فِي الْمَسْجِدِ خَطِيئَةٌ وَ كَفَّارَتُهَا دَفْنُهُ».^۲

«آب دهان انداختن در مسجد گناه است و کفاره آن پوشاندنش می‌باشد».

اگر فردی در بین نماز ناچار به این عمل شود باید به طرف چپ و اگر در نماز نباشد به طرف چپ یا راست آب دهانش را بیندازد و در هر حال انداختن آن رو به قبله جایز نیست. عبدالله بن سنان از امام صادق رضی الله عنه سؤال کرد:

«الرَّجُلُ يَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ فِي الصَّلَاةِ فَيُرِيدُ أَنْ يَبْزُقَ فَقَالَ: عَنِ يَسَارِهِ وَ انْكَانَ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ فَلَا يَبْزُقُ حِذَاءَ الْقِبْلَةِ وَ يَبْزُقُ عَنِ يَمِينِهِ وَ يَسَارِهِ».^۳

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۸.

۲. منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۸۸؛ ذکری، ص ۱۵۶؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۸.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۹؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۴۴۲.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد..... ۲۰۷

«مردی در مسجد در نماز هست، می‌خواهد آب دهان بیندازد. امام علیه السلام فرمود: سمت چپش این‌کار را انجام دهد و اگر در نماز نباشد رو به قبله آب دهان نیندازد و از سمت چپ و راستش آب دهان بیندازد».

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده:

«أنه نهى عن النخامة في القبلة و أنه صلی الله علیه و آله رأى نخامة في قبلة المسجد فلعن صاحبها و كان غائبا فبلغ ذلك امراته فأتت فحكّت النخامة و جعلت مكانها خلوقاً فأثنى رسول الله صلی الله علیه و آله عليها خيراً لما حفظت من أمر زوجها»^۱.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله از انداختن اخلاط سینه و بینی در مسجد نهی نمودند. روزی آن حضرت اخلاطی را در قبله مسجد مشاهده نمودند صاحب آن را لعن کردند. مردی که آن را در مسجد انداخته بود، غایب بود. هنگامی که این خبر به گوش همسر آن مرد رسید به مسجد آمد. اخلاط را پاک کرده و بجای آن بوی خوش مالید. رسول خدا صلی الله علیه و آله این زن را به خاطر جبران این‌کار همسرش ثنا گفتند».

بالا بردن صدا در مساجد

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جواب سؤال اباذر از چگونگی عمارت مسجد فرمود:

«لا ترفع فیها الاصوات و لا یخاض فیها الباطل».^۱

«صداها در آنجا بالا نرود و سخنان باطل در آنجا رد و بدل

نشود...».

و در روایتی دیگر پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«جنبوا مساجدکم صبیانکم و مجانینکم و خصوماتکم رفع

اصواتکم الا بذكر الله تعالى».^۲

«در مساجدتان اجتناب نمائید از ورود کودکان و دیوانگان

و صداهایتان را بالا نبرید جز برای ذکر خداوند متعال...».

و در روایات دیگری مشابه روایات ذکر شده کراهت بالا بردن صدا در

همه حالتها استفاده می شود مگر آنجا که یک غرض ارزشمند باشد از قبیل

تلاوت قرآن در یک جلسه عمومی در مساجد را بیان می کند.

یک نکته: این عمل گویا چون با احترام مسجد منافات دارد به ترک آن

سفارش شده است. از همین جا می توان گفت این کراهت شامل مشاهد مشرفه

و حرم امامان هم می شود و نیز مکروه است صدای خود را بلند کند،

ولی بلند کردن صدا برای اذان مانعی ندارد.^۳

۱ . بالتحفه السنیة، ص ۱۲۴ ؛ مصباح الفقیه، ج ۲ ، ص ۷۰۷ .

۲ . مسالك الافهام، ج ۱۳ ، ص ۳۷۷ ؛ مجمع الفائدة، ج ۱۲ ، ص ۴۷ .

۳ . توضیح المسائل، م ۹۱۴ ، ص ۱۴۲ .

۴ - ورود کودکان و دیوانگان به مسجد

منظور از کودکان در این حکم آنهایی هستند که رعایت نجاست را نمی‌نمایند و یا باعث آزار و اذیت نمازگزاران می‌گردند. و بعضی از فقهاء گفته‌اند: مستحب است از ورود دیوانگان و اطفال غیر ممیز که مراعات آداب مساجد را نمی‌نمایند به مساجد خودداری شود. بنابراین اگر کودکی رعایت نجاست را بنماید و بر اداء نمازهای خود ساعی و محافظ باشد و اعتماد و اطمینان به او داشته باشیم نه تنها راه دادن وی به مسجد مکروه نیست، بلکه امری مطلوب و مستحب نیز می‌باشد. از داستان‌هایی که از حضور امام حسن و امام حسین علیهما السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام در زمان کودکی نقل شده این مطلب استفاده می‌شود.^۱

منظور از دیوانگان هم در این موارد افرادی هستند که حالت جنون آنها استمرار دارند اما اگر افرادی، جنون ادواری داشته باشند در آن دوره که حالت هوشیاری دارند و جنون آنها از بین رفته است و ورود آنها به مساجد اشکال ندارد مگر این که در معرض برگشت جنون باشند که احتمال آلوده کردن مسجد و آزار و اذیت نمازگزاران از حضور آنها می‌رود، در این صورت ورود آنها مکروه می‌باشد.^۲

خوب است در هنگام نماز کودکان در صف اول نماز جماعت نیاستند

زیرا بعضی از فقهاء معتقدند که:

۱ . بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۴۹ .

۲ . الفقه، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۷۲ .

«... راه دادن افرادی که از کمال عقل برخوردار نیستند مثل طفل و دیوانه و ابله در صف اول و به خصوص نزدیک امام یا جایی که گمان می‌رود موجب فساد نماز دیگران شود مکروه است».^۱

به هر حال «اگر در بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد فاصله شود، چنانچه ندانند نماز او باطل است می‌توانند اقتدا کنند».^۲ در نماز جماعت شایسته است کودکان در بین نمازگزاران متفرق گردند که در این مورد روایتی وارد شده است:

«عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن الصبيان اذا صفوا في

الصلاة المكتوبة قال: لا تؤخروهم عن الصلاة و فرّ قوايبيهم».^۳

جابر می‌گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد کودکانی که در نماز جماعت واجب

شرکت کرده‌اند سؤال کردم امام عليه السلام فرمود:

«آنان را در انتهای صفوف نماز جماعت، قرار ندهید. بلکه آنان

را در میان بزرگسالان، پراکنده سازید».

از جمله مکروهات دیگر راه دادن کودکان و دیوانگان به مساجد می‌باشد راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است.^۴ و راه دادن دیوانه به مسجد مکروه است و هم چنین است راه دادن بچه اگر موجب زحمت نمازگزاران شود و یا این

۱. رساله توضیح المسائل، آیت‌الله بهجت، م ۱۲۰۹، ص ۲۳۵.

۲. رساله توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۱۴۱۷، ص ۱۹۱.

۳. کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۶۹؛ الکافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۴. توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله علیه، م ۹۱۴.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد..... ۲۱۱

که احتمال رود مسجد را نجس کند و در غیراین دو صورت مانعی از راه دادن بچه به مسجد نیست. ^۱ البته باید یادآور شد که این فتوا به طور مطلق نمی‌باشد و شامل تمام کودکان و دیوانگان نمی‌شود بلکه در مورد هر یک از این‌ها قیدی وجود دارد.

هـ: محرمات

۱- غصب مکان نمازگزار

یکی از کارهایی که بر استفاده‌کنندگان از مسجد حرام است غصب کردن مکان دیگر نمازگزاران است. در این جا نخست به تعریف غصب پرداخته سپس احکام مرتبط با مسجد را بررسی می‌کنیم.

تعریف غصب

امام خمینی رحمته‌الله در تحریر الوسیله چنین نگاه داشته‌اند: غصب عبارت است از استیلاء و در اختیار و تحت ید قرار دادن هر چه که مربوط به دیگری است، مال یا ملک دیگری است و یا حق او، غصب از گناهانی است که عقل و نقل یعنی کتاب و سنت و اجماع بر حرمت آن اتفاق دارند و غصب از زشت‌ترین انواع ظلم است و ظلم چیزی است که عقل حکم به قباحت و زشتی آن می‌کند، و در حدیث نبوی آمده «اگر کسی یک وجب از زمین را غصب کند خدای متعال در قیامت

۱. توضیح المسائل، آیت‌الله سیستانی، م ۹۲۴، ص ۱۹۹.

آن را از هفت طبقه زمین طوق گردنش می‌کند» و در نبوی دیگر آمده «کسی که در یک وجب زمین به همسایه خود خیانت کند خدای تعالی آن را طوق گردنش می‌کند از طبقه هفتم زمین تا در قیامت خدا را با این طوق دیدار کند مگر آن که توبه کند و برگردد»، و نیز در حدیثی دیگر آمده «کسی که زمینی را بدون حق از دیگری بگیرد او را تکلیف می‌کنند به اینکه خاکش را تا روز محشر بدون بگیرد و از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود «سنگی غصبی در خانه گروگان ویرانی آن است». (یعنی تا آن خانه را ویران نسازد رها نمی‌کند).

اثبات «حق مکان» در مسجد و اماکن عمومی^۱

«یکی دیگر از مشترکات و اماکن عمومی، مسجد است، که خود یکی از مرافق مسلمین است که عامه آنان در آن شریکند، و در استفاده از آن هم با هم برابرند مگر در استفاده‌ای که مناسب با مسجد نیست و شرع از آن نهی کرده باشد، مانند توقف و مکث جنب در آن و مثل آن پس اگر کسی قبلاً نقطه‌ای از مسجد را برای نماز یا عبادت یا قرائت قرآن یا دعا و یا تدریس و یا موعظه و یا فتوی دادن و غیر این‌ها گرفته باشد کسی حق ندارد او را به زور از آن جا بلند کند، حال چه اینکه غرض دومی موافق با غرض اولی باشد و یا مخالف مثلاً اولی آنجا را برای تدریس انتخاب کرده و نشسته، دومی هم می‌خواهد در آن جا قرآن بخواند یا او هم تدریس کند، پس احدی نمی‌تواند مزاحم کسی شود که جلوتر

۱. ترجمه تحریرالوسیله، ج ۳، کتاب احیاء موات و مشترکات، القول فی المشرکات، مسئله ۱۶ - ۲۰.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد ۲۱۳

نقطه‌ای از مسجد را گرفته بهر غرضی که گرفته باشد و مزاحم هم به هر غرضی که داشته باشد، بلکه بعید نیست که نماز خواندن چه به جماعت و چه فرادی تقدم داشته باشد بر تدریس و عبادت‌های دیگر، پس اگر فرد سابق نقطه‌ای از مسجد را گرفته به خاطر اینکه قرآن و یا دعا بخواند و یا تدریس کند و شخص دیگری بخواهد در همان نقطه نماز بخواند چه به جماعت و چه فرادی بر فرد سابق واجب است محل را تخلیه کند و در اختیار او قرار دهد، البته جا دارد این حکم و جوب را مقید کنیم به جایی که فرد دومی نخواست باشد به انگیزه لجبازی با فرد سابق نماز بخواند بلکه برآستی تصمیم نماز دارد و غیر آن نقطه جای دیگری برای نماز ندارد و یا غرض دیگری دارد که از نظر دین راجح است، مثل اینکه بخواهد به صف جماعت متصل شود و از این قبیل اغراض دراجحه لکن با همه اینها اصل مسئله در جایی که فرد سابق بغرض عبادتی چون دعا و تلاوت قرآن در آن جا نشسته باشد و منظورش صرف استراحت و تنزه نباشد خالی از اشکال نیست، پس ترک احتیاط از شخص دوم به اینکه مزاحم او نشود و از شخص اول به اینکه از آن جا برخیزد سزاوار نیست، و ظاهراً نماز فرادی و به جماعت از این جهت مساوی هستند و چنین نیست که دومی اولی از اولی باشد و لازم باشد شخصی که فرادی نماز می خواند جای خود را به کسی بدهد که می خواهد به صف جماعت ملحق شود پس دومی نمی تواند اولی را بزور از جایش بلند کند، هر چند که برای اولی بهتر است اگر جایی دیگر برای نماز فرادی دارد جای خود را به دومی واگذار نماید و از برادر مؤمنش منع خیر نکند.^۱

۱. ترجمه تحریر الوسیله، ج ۳، کتاب احیاء موات و مشترکات کتاب مشترکات، مسئله ۱۵.

نشانه‌ها و راه اثبات حق مکان^۱

«ظاهر این است که گذاشتن رحل که مقدمه نشستن باشد نه هر گذاشتنی مثل خود نشستن است، در اینکه اولویت می‌آورد لکن این در صورتی است که رحل او چیزی نظیر جانماز و سجاده و فرش باشد که جای یک نمازخوان را می‌گیرد و یا بیشتر آن را اشغال می‌کند، نه آن جائی که رحل او مثل یک تربت یا تسیح یا مسواک و امثال آن بوده باشد.»

معتبر است اینکه بین رحل گذاشتن صاحب رحل و آمدنش مدتی طولانی باعث تعطیل آن مکان شود فاصله نیفتد که اگر بیفتد آن رحل نهادن حقی را اثبات نمی‌کند، در نتیجه برای دیگران جائز می‌شود قبل از آمدن او جای او را اشغال کنند و رحل او را بردارند و به نماز مشغول شوند، البته این در صورتی است که رحل او محل را اشغال کرده باشد و نماز خواندن با وجود آن ممکن نباشد و گرنه رحل او را به حال خود می‌گذارند و ظاهراً اگر آن را بردارند ضامن می‌شوند تا به صاحبش برسانند، و همچنین است در صورتی که فرد سابق بقصد اعراض از آن جا برود ولی رحلش باقی بماند که هر کس رحل او را جمع کند و کنار بگذارد ضامن آن است.

زوال حق مکان نمازگزار در مسجد

اگر کسی که قبلاً در جائی از مسجد نشسته از جای خود برخیزد و برود و از آن

۱. ترجمه تحریر الوسیله، ج ۳، کتاب احیا موات و مشترکات، القول فی المشترکات، مسئله ۱۶ - ۲۰.

محل صرف نظر کند حقی نسبت به آن نقطه باطل می‌شود «البته اگر فرض کنیم که حقی نسبت به آن محل پیدا کرده» هرچند جانمازش در آن جا مانده باشد بنابراین اگر برگردد و ببیند دیگری در آن جا نشسته نمی‌تواند به زور او را بلند کند، بلکه برای فرد دومی هم جائز نیست در رحل و جانماز او تصرف کند، و اما اگر تصمیم دارد برگردد در صورتی که جانمازش را جا گذاشته باشد حقی همچنان باقی است، البته اگر بگوئیم حقی برای او ثابت شده است لکن چه این را بگوئیم و چه بگوئیم اصلاً حقی پیدا نمی‌کند تصرف در رحل او برای کسی جائز نیست و اما اگر رحل خود را هم با خود برده باشد علی‌الظاهر حقی به فرض ثبوت ساقط می‌شود لکن اصل ثابت شدن حق در امثال این مسئله کلیتاً محل تأمل است، هرچند که از ظاهر فقهاء برمی‌آید ثبوت حق را مخصوصاً در مسجد مسلم گرفته‌اند، و احتیاط در اشغال نکردن جای دیگران است مخصوصاً در جائی که فرد سابق به خاطر ضرورتی از مسجد بیرون رفته باشد مثلاً خواسته باشد تجدید طهارت کند و یا نجاستی از خود ازاله نماید و یا قضاء حاجتی کند و امثال این ضرورت‌ها.

یکسانی و همانندی حکم مساجد و مشاهد مشرفه در مورد غصب

مشاهد مشرفه انبیاء و امامان علیهم‌السلام در همه آن چه گفتیم مانند مسجد می‌باشد زیرا مسلمین در استفاده از آن مکان‌های مقدس نیز برابر هستند سواء العاکف فیہ والباد چه آنها که اهل آن مسجدند و چه آنها که از جای دیگر می‌آیند، هرکس جلوتر محلی از این مشاهد را بگیرد برای نماز و زیارت یا دعا و قرائت

هیچ کس حق ندارد او را به برخاستن از آن جا مجبور کند، و آیا در این گونه مشاهد زیارت نسبت به غیر زیارت مانند نماز در مسجد اولویت دارد البته اگر بگوئیم حق نمازگذار در مسجد اولی از کسی است که بخواهد در مسجد کار دیگری غیر نماز انجام دهد یا نه؟ داشتن اولویت خالی از وجه نیست لکن وجهش خیلی هم وجه نیست، همچنان که اولویت داشتن کسی که از راه دور به زیارت آمده نسبت به مجاورین وجه وجهی ندارد هر چند برای مجاورین سزاوار آن است که مراعات زوار را بکنند و حکم برخاستن از جایی که گرفته و رفتن و باقی گذاشتن رحل همان حکمی است که در مسجد گذشت.

در روایات هم آمده است:

«محمد بن اسماعیل عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام قلت له: نكون بمكة أو بالمدينة أو الحيرة أو المواضع التي يرجى فيها الفضل فرما خرج الرجل يتوضأ فيجىء آخر فيصير مكانه، فقال: من سبق إلى فهو أحقّ به يوم و ليلته».

محمد بن اسماعیل از قول برخی یارانش نقل می کند که به امام صادق عليه السلام عرضه داشتم: ما گاهی در مکه یا مدینه یا حیره یا جاهایی که امید به فضل پروردگار می رود، هستیم. چه بسا شخصی برای وضو گرفتن از جای خود بیرون می رود و سپس دیگری آمده جای او را می گیرد. امام عليه السلام فرمود:

«کسی که نسبت به جایی پیشی گیرد تا یک شبانه روز نسبت به آن مکان بر دیگران اولویت دارد».

۲ - ورود مائض و نفساء و جنب به مسجد

یکی دیگر از احکام مربوط به استفاده‌کنندگان از مساجد، حرمت ورود افراد حائض یا نفساء و یا جنب به مسجد است اما اگر این افراد از یک در داخل و از در دیگر خارج گردند و یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. فتوای امام خمینی رحمته الله علیه در تحریرالوسیله:

«داخل شدن در مسجدالحرام و مسجدالنبی ص هر چند که به نحو عبور باشد».

«مکت کردن در سایر مساجد و بلکه داخل شدن در آنها اگر بمنظور عبور نباشد حرام است و اما اگر برای این داخل شود که یا از درب دیگر مسجد بیرون شود و یا چیزی از مسجد بردارد اشکال ندارد و ملحق می‌شود به مساجد مشاهد مشرفه بنا بر احتیاط واجب و نزدیک‌تر از آن به احتیاط این است که با مشاهد مشرفه معامله مسجدالحرام و مسجدالنبی کند (یعنی حتی به عنوان عبور نیز با حال جنابت داخل آنها نشود) همچنان‌که نزدیک‌تر به احتیاط آن است که باوراق این اعتبار مقدسه معامله روضه مشرفه بشود. چهارم این‌که با حال جنابت چیزی را در مسجد بگذارد حال چه این‌که از خارج باشد و چه این‌که در حال عبور باشد».^۱

۱ . ترجمه تحریرالوسیله، در احکام جنب، جلد اول WWW.balagh.net/persian/feqh

زراره و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می‌کنند:

«قلنا له: الحائض والجنب یدخلان المسجد أم لا؟ قال: لا یدخلان

المسجد الاّ یجتازین انّ الله تبارک و تعالی یقول: ولا جنباً

الاّ عابری سبیل حتی تغتسلوا».^۱

به امام باقر علیه السلام عرض کردیم: آیا حائض و جنب می‌توانند داخل مسجد

شوند؟ امام علیه السلام فرمود:

«حائض و جنب نمی‌توانند داخل مسجد شوند مگر به نحو عبور

کردن (از دری داخل و از در دیگری بدون توقف، خارج شوند)

خداوند متعال می‌فرماید: و در حال جنابت نزدیک نماز نشوید

مگر در حال عبور تا این که غسل کنید».

اگر فردی در مسجد الحرام و یا مسجد النبی محتلم شود و یا با حالت

جنابت عمدتاً یا سهواً و یا از روی ندانستن وارد یکی از آن دو مسجد گردد

واجب است برای خارج شدن تیمم کند مگر آنکه زمان خروج کوتاه‌تر

یا مساوی زمان توقف برای تیمم باشد که در این صورت که بنا بر اقوا باید بدون

تیمم خارج شود.^۲ ابو حمزه از امام باقر علیه السلام نقل نموده است:

«اذا كان الرجل نائماً فی المسجد أو مسجد الحرام او مسجد

الرسول صلی الله علیه و آله فاحتلم فأصابته جنابة فلیتیمم، ولا یمرّ فی المسجد

الاّ متیمماً حتی یخرج منه، ثمّ یغتسل، وكذلك الحائض اذا اصابها

۱. مدارک الاحکام، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲. تحریر الوسیله، امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۱، ص ۳۴.

الحیض تفعل ذلك، ولا بأس أن يمرّ في سائر المساجد
و لا يجلسان فيها»^۱.

«هرگاه مردی در مسجدی یا مسجدالحرام یا مسجدالنبی صلى الله عليه وآله در حالت خواب محلتم و جنب گردد باید تیمم نماید، و از در مسجد عبور نکند مگر با حالت تیمم، تا از آن خارج گردد، سپس غسل نماید، و در مورد حائض نیز این چنین است هرگاه حیض گردد باید همین کار را کند، و این دو (جنب و حائض) در سائر مساجد اشکال ندارد عبور نمایند ولی در آنها نمی‌توانند بنشینند».

و از دیگر احکام در مورد شخص جنب این است: اگر شخص جنب باشد و آبی که می‌شود با آن غسل نمود در مسجد باشد باید تیمم کند و برای برداشتن آب داخل مسجد شود و این تیمم با رسیدن به آب باطل نمی‌شود، بلکه پس از خارج شدن با آب یا بعد از غسل کردن تیمم باطل می‌شود و آیا با این تیمم غیر از داخل شدن در مسجد و توقف در آن به اندازه نیاز کارهای دیگر هم جایز می‌شود؟ محل تأمل و اشکال است.^۲

آیا حائض یا جنب می‌تواند پشت بام مسجد برود یا نه؟ پشت بام مسجد، حکم خود مسجد را دارد.^۳

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، از ابواب الجنابه، ص ۴۸۵.

۲. تحریرالوسیله، امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۱، ص ۳۴.

۳. مجمع الوسائل، آیت‌الله گلپایگانی رحمته الله علیه، ص ۵۶۳، ص ۱۷۰.

مؤید این گفتار آیات و روایاتی است که در این مورد ذکر گردیده است که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِينَ سَبِيلًا حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا...»^۱
«ای اهل ایمان! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا این که بدانید چه می‌گویید و در حال جنابت نیز تا آنگاه که غسل نکرده‌اید به نماز نزدیک نشوید مگر اینکه بدون نشستن عبور کنید».

۳ - ورود مشرکین به مساجد

از جمله امور کسانی که ورود آنان به مساجد ممنوع است مشرکان هستند که در آیات و روایات بدان اشاره شده است. خداوند متعال در سوره توبه فرموده‌اند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...»^۲
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان نجس‌اند و بعد از امسال دیگر نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند...».

۱. نساء: ۴۳.

۲. توبه: ۲۸.

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد..... ۲۲۱

در مجمع البیان در تفسیر این آیه گفته است: هر چیز پلیدی را که طبع انسان از آن تنفر داشته باشد «نجس» گویند، مثلاً گفته می‌شود: مردی نجس یا زنی نجس یا قومی نجس؛ چون این کلمه مصدر است.

نهی از ورود مشرکین به مسجد الحرام بحسب فهم عرفی امر به مؤمنین است، به این که نگذارند مشرکین داخل مسجد شوند و از این که حکم مورد آیه تعلیل شده به این که چون مشرکین نجس‌اند، معلوم می‌شود که یک نوع پلیدی برای مشرکین و نوعی طهارت و نزاهت برای مسجد الحرام اعتبار کرده، و این اعتبار هرچه باشد غیر از مسئله اجتناب از ملاقات کفار است با رطوبت.^۱ در روایات نیز این مطلب بیان گردیده که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

راوندی به سندش از امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می‌کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«لینعن احدکم مساجدکم یهودکم و نصاراکم و...»^۲

«باید از ورود یهودیان و نصرانی‌ها به مساجدتان جلوگیری

نمائید و...».

و نیز در دعائم الاسلام از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که ایشان

می‌فرمایند:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۲۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۴۹.

«تَمْنَعُوا مَسَاجِدَ كُفْرٍ يَهُودِيٍّ وَنَصَارِيٍّ وَ...»^۱

«باید از ورود یهودیان و نصاری به مساجدتان اجتناب نمائید

و...».

علامه مجلسی از قول شهید ثانی در ذکری نقل کرده است: ورود هیچ‌یک از مشرکین به مساجد بطور مطلق (چه مسجد الحرام و چه غیر آن) جایز نیست و در این امر اجازه مسلمان معتبر نیست بلکه آنچه که مانع از ورود مشرکین به مساجد می‌شود نجاست آنان می‌باشد بخاطر آیه‌ای که ذکر گردید.^۲

در این مورد استفتائاتی ذکر می‌گردد:

س - آیا ورود یهود و نصاری در مساجد مسلمین و نشستن آنها بر فرش مساجد جایز است. یا نه زیرا به تصریح قرآن آنان مشرک می‌باشند؟ آیا ورود آنان به مساجد برای شنیدن موعظه جایز است در حالی که بر فرش مسجد نشینند؟

ج - ورود کافر به مسجد بطور مطلق جایز نیست خواه از اهل کتاب باشد

یا نه.^۳

س - ورود اهل کتاب به مساجد مسلمین به منظور شرکت در جلسات

دینی، وعظ و خطابه جایز است یا نه و باید از آنها جلوگیری به عمل آورد

۱ . المساجد و احکامها، ص ۱۱۴ .

۲ . بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۰ .

۳ . مجمع المسائل، آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه، ص ۵۴۳، ۱۶۵ - ۱۶۶ .

فصل پنجم: حکم استفاده‌کنندگان از مساجد ۲۲۳

در صورتی که امید آن می‌رود که از این معاشرت بدین اسلام هدایت شوند و در صورت جواز، حکم غیر اهل کتاب از فرق کفار از قبیل بهائی‌ها را نیز بیان فرمائید.^۱

ج - ورود مطلق کفار حتی اهل ذمه بر مساجد مسلمین جایز نیست.

س - ورود اهل کتاب به مساجد برای شرکت در مجلس ترحیم دوستان و آشنایان جایز است یا باید از آنها جلوگیری کرد؟

ج - اگر موجب هتک مسجد نباشد جلوگیری آنها واجب نیست.^۲

س - زمین مشاعی بین مسلمانان و ارمنی یا رضایت مالکین آن تبدیل به مسجد شده است و شخص ارمنی در مراسم مسلمانان در مسجد شرکت می‌کند حتی مراسم درگذشت پدرش را در مسجد گرفته است، آیا شرعاً جایز است و موجب هتک حرمت مسجد نیست؟

ج - برگزاری مراسم فوت ارمنی و غیرمسلمان در مسجد جایز نیست.^۳

س - آیا مطلقاً ورود کفار در مساجد مسلمین جایز است؟ گرچه برای مشاهده آثار تاریخی باشد.

ج - اصل داخل شدن آنان (فی نفسه) در مساجد مانعی ندارد به جز مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ مگر آن که داخل شدن آنان مستلزم تنجیس

۱. همان، س ۵۶۵، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.

۲. جامع المسائل، آیت‌الله لنکرانی رحمته الله علیه، س ۲۸۷، ص ۹۰.

۳. همان.

مسجد یا هتک حرمت مسجد یا موجب توقف جنب در آن باشد که در این صورت جایز نیست.^۱

۴ - ورود غیرمسلمان به مسجد

س - شهرستان... فاقد محل مخصوص مجالس ترحیم است، در ایام فواتح، یهودی‌های ساکن این شهرستان جهت عرض تسلیت و اظهار همدردی با صاحبان میت، داخل شبستان مسجد مسلمین می‌شوند آیا این مطلب جایز است؟

ج - ورود غیرمسلمان، در مسجد، جایز نیست و این‌گونه مجالس فاتحه را که در معرض شرکت غیرمسلمان می‌باشد، در غیر مسجد منعقد نمایند.^۲
س - آیا ورود غیرمسلمانان به مساجد مسلمین جایز است، هر چند برای مشاهده آثار تاریخی باشد؟

ج - ورود آنان به مسجد غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ فی نفسه منعی ندارد، مگر آنکه موجب نجس شدن یا هتک حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد.^۳

۱ . ترجمه اجوبه استفتاءات، ج ۱، ص ۴۲۹، ص ۱۲۰ .

۲ . مجمع المسائل، آیت‌الله گلپایگانی رحمته .

۳ . اجوبه الاستفتاءات .